



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات نگاه آموزشی  
www.nagahmag.ir  
ISSN: 1606-9226

# روش‌های آموزش و پرورش

ماده‌نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای دبیران  
دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره هفدهم  
مهر ۱۳۹۰، شماره پیاپی ۹۱  
۳۸ صفحه، ۳۵۰۰ ریال



معلم‌ها مثل پرستارها هستند  
ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی پیام‌های آسمان  
مهار آتش‌فشان  
به رویاها ایم رنگ می‌زنیم



۲۰ مهر، روز بزرگداشت حافظ

کرامتین شریف  
عشقمی وزم و امید  
چون بهرهای که موجب حرمان نشود

حافظ



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر نشریات کمک آموزشی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱

# روش آموزش گام به گام

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
برای معلمان، دانشجویمان و کوشندگان آموزش و پرورش

دوره هفدهم ۵ مهر ۱۳۹۰ شماره پیاپی ۹۱

- یک گام فراتر رو/ محمدرضا حشمتی/ ۲
- کلیدهای اثربخش تدریس/ دکتر محمدرضا اسدی یونسی، مرضیه سپاهی/ ۳
- یادگیری در کدام کلاس/ اثمانه ایروانی/ ۶
- این شغل به ظاهر ساده/ پروین داعی پور/ ۸
- فطرت، حجت و تربیت/ ۱۰
- این جا زندگی را تمرین می کنیم/ ۱۴
- معلم‌ها مثل پرستارها هستند/ ترجمه حبیب یوسفزاده/ ۱۶
- سفر من و خدا با دو چرخه/ علی اصغر جعفریان/ ۱۹
- شما نویسنده‌اید/ جعفر ربانی/ ۲۰
- من هستم، پس می توانم/ ۲۲
- مهمان ناخوانده/ محمد شاکر، مهدی رضاییان/ ۲۴
- حقوق نوجوان و جوان/ فیروزه فلاح، مهسا رضوی، بهاره خلیلزاده/ ۲۶
- هنر نیست روی از هنر تافتن/ اراحله پورآذر/ ۳۲
- منفی‌ها را مثبت کنیم/ گلناز فم تفرشی/ ۳۴
- اولین نشانه بیدار شدن/ ۳۷
- بازی‌های رایانه‌ای/ اسپیده شهیدی/ ۳۸
- مهار آتش فشان/ ترجمه معصومه خیرآبادی/ ۴۰
- ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی پیام‌های آسمان/ پرویز آزادی/ ۴۲
- به رو باهیم رنگ می زنم/ هادی کوشا/ ۴۶
- کارخانه کشتی‌سازی و فراساحل ایران/ نوشین جاودان/ ۴۸

مدیر مسئول: محمد ناصری  
سردبیر: محمدرضا حشمتی  
شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی: علی رضا صادقی میاب  
منصور ملک عباسی، علی اصغر جعفریان  
فرحناز حدادی و لیلی محمد حسین  
مدیر داخلی: فاطمه محمودیان  
ویراستار: کبری محمودی  
طراح گرافیک: مهدی کریم‌خانی  
نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، بلاک ۲۶۶  
صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹  
تلفن: ۸۸۲۹۰۲۲۲  
نمابر: ۸۸۲۰۱۴۷۸  
وبگاه: www.roshdmag.ir  
رایانامه: rahnamayi@roshdmag.ir  
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۲۰۱۴۸۲  
کد مدیرمسئول: ۱۰۲ کد سردبیر: ۱۱۵ کد مشترکین: ۱۱۴  
نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱  
تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۶۶۵۵  
شمارگان: ۱۷۰۰۰ نسخه  
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

روی جلد: میثم موسوی

قبل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.  
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان‌چه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید.  
- مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می توانند با نرم‌افزار word و روی سی‌دی یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند.  
- تیر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.  
- محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.  
- مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.  
- کلمات حاوی مفاهیم نمابه (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج شوند.  
- مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتراژ باشد.  
- معرفی نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود.  
- مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است.  
- مقالات در یافتن بازگردانده نمی شود.  
- آرای مندرج در مقاله ضرورتاً تبیین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

# پلمه‌ها

محمدرضا حاشمی

دوستان سلام!

اولین بهار تعلیم و تربیت دهه ۹۰ بر شما خوبان و همراهان مبارک.

سال گذشته در آخرین شماره، به بحث درباره چگونگی ارزش‌یابی پرداختیم و گزارشی تحت عنوان «کلاس آramش‌بخش» تقدیم شما خوبان کردیم. در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ در نظر داریم به سراغ دانش‌آموزان این مدرسه برویم و نقطه نظرات آن‌ها را در زمینه آثار این نوع ارزش‌یابی بشنویم. ارزش‌یابی در همه دوران‌ها وجود داشته است. با رجوع به تاریخ اسلام و مطالعه سیره اهل بیت (ع)، شاهد انواع ارزش‌یابی هستیم که برای نمونه، به مناسبت شهادت امام جعفر صادق (ع) نمونه‌ای را از ایشان یادآوری می‌کنیم.

روزی امام صادق (ع) از یکی از شاگردان خود پرسید: «از من چه آموخته‌ای؟»

عرض کرد: «هشت مسئله از شما آموختم.»

امام فرمود: «آن‌ها را برایم بازگو.»

عرض کرد: «اول این که دیدم هر محبوبی دوست خود را به هنگام مرگ رها می‌کند، از این رو همت خود را صرف چیزی

کردم که مرا در تنهایی رها نکند، بلکه انیس تنهایی‌ام باشد و آن کار نیک است.»

امام فرمود: «به خدا قسم چه نیک آموخته‌ای...!»

در سال جدید، برنامه این است که یک گام به جلو برداریم. در سرگذشت ابوسعید ابوالخیر به نکته مهم و نغزی برمی‌خوریم: شیخ ابوسعید به توس رسید. مردم از او خواستند مجلسی برپا کند و سخن گوید، شیخ اجابت کرد. در خانقاه استاد تخت بنهادند و مردم آمدند و نشستند. چون شیخ بر تخت شد و قاریان قرآن خواندند، مردم هم چنان می‌آمدند، چندان که کسی را جای نشستن نماند. فردی برخاست و گفت: «خدایش بیامرزد هر کس را که به هر جای نشسته است، برخیزد و یک گام فراتر آید.»

شیخ گفت: «درود خدا بر محمد و آل او» و دست بر شانه وی فرود آورد و افزود: «هر چه ما خواستیم بگوئیم که دیگران

نیز گفته‌اند، او بگفت. راستی که خدایش بیامرزد هر آن کس را که از آن جا که هست، یک گام فراتر رود.» چون این کلام بگفت، از تخت فرود آمد و آن روز بیش از این نگفت.<sup>۱</sup>

گر تو باشی راست، ور باشی تو کز

پیش تر می‌غز، بدو، واپس مغز

مولوی

منابع

۱. حسینی زاده، سیدعلی، ارزش‌یابی آموزشی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، مجموعه مقالات سیاسی پیامبر اعظم و برنامه دینی تهران، ۱۳۸۶.

۲. آریان پور، امیر حسین، پژوهش انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۸.

● دکتر محمدرضا اسدی یونسی  
مرضیه سپاهی

# کلیدی اثر بخش تدریس

## تدریس اثر بخش

امروزه تدریس به نوجوانان می تواند به شدت مایوس کننده و توأم با ناامیدی باشد. چه بسیار اتفاق می افتد که معلمان در کمال ناباوری درمی یابند، شوروشوق آن ها در آموزش مطلبی مفید به نوجوانان، نمی تواند شوروشوق لازم را در دانش آموزانشان نیز برانگیزد. در چنین شرایطی، معلمان با مقاومتی سرد و لجاجت، فقدان انگیزه، کم توجهی، بی علاقهگی توصیف ناپذیر و غالباً خصومتی آشکار، روبه رو می شوند. وقتی چنین جوی ایجاد می شود، به نظر می رسد هیچ شیوه ای کارایی ندارد. حتی نصیحت های معمول هم چون: «به نفع خودتان است»، «اگر فقط حواستان را جمع کنید و دل بدهید، استعداد های زیادی دارید» اثری ندارند. هنگامی که نوجوانان ظاهراً بدون دلیل از

حسین بوسر



موارد رنجش عمیق از دانش آموز بی انگیزه و قدرشناس منجر شود.

واقعاً چه تفاوت هایی بین روش های تدریسی که اثربخش هستند، با آن ها که شکست می خورند، وجود دارد؟ راز و رمز معلمان اثربخش چیست؟ عوامل زیادی

فراگیری آن چه معلمان می خواهند با ایثار و نوع دوستی به آن ها بیاموزند، امتناع می ورزند، می توان گفت معلمی هر چیزی را جز شورونشاط در بر می گیرد. در حقیقت این موضوع می تواند تجربه ای اسفبار باشد که به احساس عدم لیاقت، ناامیدی، بد خلقی و در بسیاری

بر نتیجه کوشش معلم در تدریس تأثیر می‌گذارند. ما در مجموعه مقالاتی با عنوان «کلیدهای اثربخش تدریس»، می‌کوشیم به صورت کاربردی به این عوامل بپردازیم.

یکی از عوامل مؤثر بر رفتار، احساس‌ها و هیجانات افراد، نگرش‌ها و باورهای آن‌هاست. بنابراین، یکی از عوامل زیربنایی و مهم در شغل معلمی، باورهای معلمان درباره خود، دانش‌آموزان، یادگیری و تدریس است. در این مقاله، به باورهای معلمان درباره دانش‌آموزان می‌پردازیم.

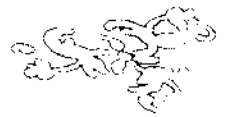
### نگرش‌ها و باورهای معلم

نگرش معلم به ماهیت کلاس درس، موضوع و محتوای درس و ماهیت دانش‌آموزان، بر چگونگی رفتار او تأثیر دارد. بعضی از معلمان کلاس درس را سازمانی رسمی و غیرقابل انعطاف تلقی می‌کنند. قوانین باید دقیق رعایت شود و مطالب انتقال یابد. معلمان با نگرش کلاسیک، بر موضوع‌های درس تأکید می‌کنند. در مقابل، برخی معلمان کلاس درس را سازمان اجتماعی قابل انعطاف در نظر می‌گیرند و برای رسیدن به اهداف، با دانش‌آموزان رابطه‌های دوستانه و صمیمانه برقرار می‌کنند. چنین معلمانی، با نگرش روابط انسانی، بیشتر بر رشد دانش‌آموز تأکید دارند.

در این جا، برخی از مهم‌ترین باورهای غیرمنطقی معلمان نسبت به دانش‌آموزان را در قالب پرسش‌نامه‌ای تهیه کرده‌ایم. معلمان می‌توانند با تکمیل و نمره‌گذاری آن، خود را در این خصوص ارزیابی کنند. این باورها می‌توانند باعث برانگیختن سریع و حتی آشفته‌گی معلمان در برابر رفتارهای دانش‌آموزان و در نتیجه بروز واکنش نامناسب در معلمان شوند. شایان ذکر است، باورهای غیرمنطقی، «شدنی» نیستند؛ با نسبی بودن و محدودیت‌های انسان و نسبی بودن رویدادهای زندگی، سازگار نیستند و سرانجام باعث آشفته‌گی و بروز رفتارهای نامتعادل می‌شوند.

باورهای غیرمنطقی سبب می‌شوند که معلمان در برابر رفتارهای نادرست یا اشتباهات دانش‌آموزان در انجام تکالیف، به سرعت آشفته و عصبانی شوند و در پی آن، واکنش‌هایی غالباً نادرست و آسیب‌زا نشان دهند؛ مثل تذکر مداوم، گرفتن قول‌های مکرر از دانش‌آموز، سرزنش کردن دانش‌آموز و به رخ کشیدن

یکی از عوامل زیربنایی و مهم در شغل معلمی، باورهای معلمان درباره خود، دانش‌آموزان، یادگیری و تدریس است



دیگر عملکردهای نادرست او، تحقیر کردن دانش‌آموز به ویژه در حضور هم‌کلاسان، پندوانداز مداوم و ایراد سخن‌رانی‌های اخلاقی، تهدیدهای کلامی، تأکید بیش از حد بر نمره به عنوان ابزار کنترلی، برچسب‌زدن به دانش‌آموز و بی‌محرمانگی کردن. این‌گونه رفتارهای معلم، نه تنها باعث اصلاح رفتار و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نمی‌شود، بلکه به احساس ارزشمندی و عزت‌نفس آن‌ها شدیداً لطمه می‌زند و بدین ترتیب، دانش‌آموزان درک نادرستی از قابلیت‌ها و توانایی‌های خود خواهند داشت. این تصور منفی از خود، زمینه بروز مشکلات بعدی را در ایشان فراهم می‌کند.

نقطه مقابل باورهای غیرمنطقی، باورهای منطقی است. هر چند که تغییر باورهای غیرمنطقی به باورهای منطقی آسان نیست، ولی با بازبینی افکار و برداشت‌هایمان نسبت به رفتار دانش‌آموزان و با تمرین و تکرار، می‌توانیم بر این مهم فائق آییم. بپذیریم و این‌طور فکر کنیم که طبیعی است دانش‌آموزان گاهی رفتارهای معلمان را زیر سؤال ببرند یا با آن‌ها مخالفت کنند، گاهی اشتباه یا در انجام تکالیف کوتاهی کنند و گاهی حوصله درس و مشق را نداشته باشند. طبیعی است که دانش‌آموزان بیشتر از رفتارهای معلمان اثر می‌پذیرند تا گفتار آن‌ها. دانش‌آموزان حق دارند خواسته‌ها، انتظارات و علاقه‌های خود را بیان کنند و طبیعی است که دانش‌آموزان در برخی موارد، مایل باشند با تجربه کردن بیاموزند. توجه به این نکته لازم است که «پذیرفتن»، به معنی «تأیید» نیست و «طبیعی بودن» و «پذیرش» نیز به معنی «درست بودن و صحه گذاشتن» نیست.

نحوه نمره‌گذاری به این صورت است که به پاسخ کاملاً مخالفم نمره ۱، مخالفم نمره ۲، موافقم نمره ۳، و کاملاً موافقم نمره ۴ داده می‌شود. سپس نمرات همه سؤال‌ها با هم جمع می‌شود. حداقل و حداکثر نمره به ترتیب برابر با ۱۵ و ۶۰ است. نمره بالا به معنای اعتقاد بیشتر به باورهای غیرمنطقی درباره دانش‌آموزان است. پرسش‌نامه باورهای غیرمنطقی معلمان درباره دانش‌آموزان، در صفحه ۵ آمده است.

#### منابع

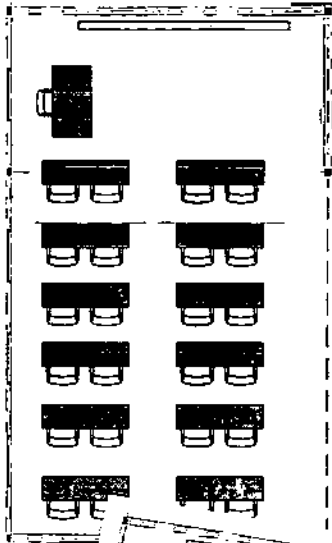
۱. یوسفی‌لویه، مجید. نکاتی پیرامون بهداشت روانی دانش‌آموزان. مجله تعلیم و تربیت استثنایی. شماره ۵۸، مهر ۱۳۸۵.
۲. گوردون، توماس. فرهنگ تفاهم در مدرسه. ترجمه برجهر فرجادی. تهران: انتشارات آیین تفاهم، ۱۳۸۴.

## پرسش نامه باورهای غیرمنطقی معلمان درباره دانش آموزان

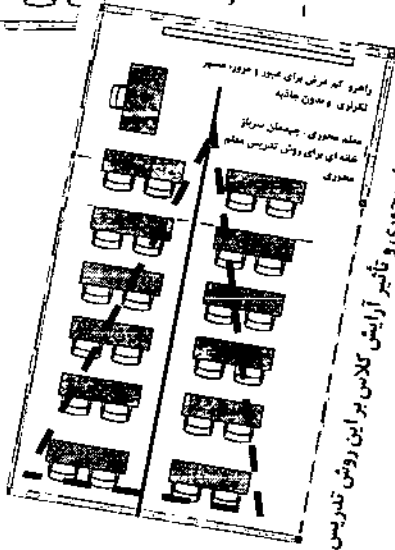
ردیف	گویه / عبارت	کاملاً مخالفم	مخالفم	موافقم	کاملاً موافقم	نمره
۱	دانش آموزان هرگز نباید رفتارهای معلم را مورد سؤال قرار دهند یا با او مخالفت کنند.					
۲	دانش آموزان باید مطابق انتظارهای معلم رفتار کنند. در غیر این صورت، معلم حق دارد از آن‌ها خشمگین شود.					
۳	اگر دانش آموزی رفتار نادرستی دارد، این نشانه شرارت اوست و باید به شدت یا او برخورد شود.					
۴	دانش آموزان نباید رفتار معلمان را الگو قرار دهند، بلکه باید بدون توجه به رفتارهای معلمان، به نصیحت‌های آن‌ها عمل کنند.					
۵	تمجید کردن از رفتار درست یا تشکر از عملکردهای درست دانش آموزان، موجب «پررو» شدن آن‌ها می‌شود.					
۶	تنها زمانی باید به دانش آموزان توجه کنیم که مطابق میل ما رفتار می‌کنند.					
۷	دانش آموزان هرگز نباید اشتباه عمل کنند. آن‌ها همیشه باید تکلیف‌هایشان را درست انجام دهند. در غیر این صورت، باید تنبیه شوند.					
۸	اگر دانش آموزی تکلیف‌هایش را درست انجام ندهد یا رفتار مناسبی نداشته باشد، بهترین روش آن است که معلم به او بی‌محلی کند.					
۹	برای این که دانش آموزان درست عمل کنند، باید معلمان مرتب به آن‌ها تذکر دهند.					
۱۰	اگر دانش آموزی در انجام تکالیف یا حل مشکلاتش با مشکل روبه‌رو شود، معلم باید «راه‌حل» را در اختیار او قرار دهد.					
۱۱	مقایسه کردن دانش آموزان با یکدیگر و ایجاد رقابت بین آن‌ها، بهترین روش برای افزایش انگیزه پیشرفت در آن‌هاست.					
۱۲	ارائه تکالیف زیاد، تهدید کردن و ترساندن دانش آموزان، تلاش آن‌ها را برای یادگیری افزایش می‌دهد.					
۱۳	«تخریب» شخصیت دانش آموز خاطی در حضور همسالان باعث اصلاح رفتار او می‌شود.					
۱۴	برای کنترل بهتر کلاس، باید همواره با دانش آموزان خیلی جدی و خشک برخورد کنیم.					
۱۵	عقل و خرد معلمان بیش از دانش آموزان است.					
جمع امتیاز (نمره کل)						

# یادگیری در کلاس

## ثمانه ایروانی



۲. کلاس های مرسوم در مدارس ایران



۳. مدل معلم محوری و تأثیر آرایش کلاس بر این روش تدریس



دارند. برای معلمان خلاق می نویسم: برای معلمان توانمند و شاد این معلمان خاص، برخاسته از همین عباراتی است که مجله‌ها و کتاب‌های جدیدتان به من یاد دادند: «مدیر شاد، معلم توانمند، مدرسه شاد، کلاس شاد». آیامی شود با معلمان خاص کلاس‌های شاد داشت؟ و اصولاً معلمان و مدیران توانمند قادرند فضای شاد ایجاد کنند؟ آیا فضاهای مدارس کنونی رami توان معماری توانمند و شاد قلمداد کرد؟

### معلمان خلاق و شاد

خب، پس معلوم شد که مخاطب من، همان معلمان و مدیرانی هستند که ذهنشان با خلاقیت همراه است و واقعاً مخاطب من ایشان هستند و اگر این گونه شخصیتی را در خود نمی بینید، بقیه مقاله را نخوانید. بهتر بگویم، مقاله نمی نویسم، آن چه می نویسم به قول فرنگی‌ها «ایسی» است نه «آرتیکل». پلورقی و پی نوشت و گراف و... ندارد شاید دو یا سه تا عکس بگذارم تا بتوانم منظورم را به همان مخاطب خاص که مدیر و معلم توانا و خلاق مدرسه است، برسانم.

سال گذشته درباره معماری مدرسه و تأثیر آن بر یادگیری دانش آموزان و ویژگی‌های «مدارس اثربخش» مطالبی مطرح شد. در این دوره سعی داریم به نقش معلمان در چگونگی معماری، چیدمان کلاس و تأثیر آن بر یادگیری، باشما «معلمان خلاق» به گفت و گو بنشینیم. هم چنان منتظر دیدگاه‌های شما هستیم.

### معلمان معمار

روزگاری بنام بر این بود که این نوشته را برای همه معلمان این مرز و بوم بنویسم، اما بعد از مدتی نظرم عوض شد و تصمیم گرفتم این نوشته را برای مخاطب خاصی بنویسم. این مخاطب خاص معلمان و مدیرانی هستند که هنوز حوصله شنیدن و فرصتی برای تصمیم گیری

۱. مدرسه راهشمايي دخترانك عربها، جزیره كيش.

مجله معماری و شهرسازی  
دوره ۱۳ شماره ۱ شهریور ۹۰



شما، بله من یا شما معلم خلاق هستم می‌خواهم یک روز کاری را با شما در کلاستان بگذرانم پس مرا همراهی کنید و اجازه دهید با شما وارد کلاستان شوم نیاشید متفند آن معلمانی که وقتی وارد کلاس می‌شوند دوست ندارند هیچ کس کلاس، روش تدریس و عملکردشان با بچه‌ها را نگاه کند.

معلم خلاق ما وقتی وارد کلاس می‌شود با صحنه‌های همیشگی روبه‌رو است؛ یک اتاق مستطیل شکل بی‌روح که نیمکت‌هایی به طور منظم و ردیفی در آن چیده شده‌اند و بچه‌ها را شرطی کرده‌اند تا وقتی من و شما وارد کلاس می‌شویم، از جای خود بر خیزند و دوباره بنشینند! نیمکت معلم را نیز همه می‌دانند کجاست؟ گوشه‌ای از کلاس، نزدیک تخته سیاه یا سفید و سمت بالای کلاس.

معلم خلاق ما وسایلش را روی همان نیمکت می‌گذارد و سعی می‌کند با تمام قوا انرژی بچه‌ها را شاد نگه دارد؛ احوال‌پرسی گرمی می‌کند، بچه‌ها را می‌خنداند و به جنب‌وجوششان فرا می‌خواند، اما همیشه گوشه‌های ذهنش از یک موضوع ناراحت است؛ چرا قادر نیست به احوالات تمام بچه‌ها مسلط باشد؟ چرا نمی‌تواند راحت به انتهای کلاس برود؛ آن‌جا که بچه‌ها معمولاً شیطنت می‌کنند و گاهی هم ناراحت هستند؟ چرا نمی‌تواند در این فضا شریک باشد؟ چون معماری و چینمان کلاس این اجازه را به او نمی‌دهد. این نیمکت‌های ردیفی و یک شکل به او اجازه این همه تحرک و جابه‌جایی را نمی‌دهند.

راه عبوری باریک یا حتی خیلی باریکی وجود دارد و معلم مجبور است مدام از همان راه از ابتدا به انتها و برعکس در کلاس حرکت کند از زمان‌های قدیم همین‌گونه بوده است. حتی زمانی که خودش دانش‌آموز یکی از همین مدارس بود، دوست داشت معلمش بتواند دور نیمکت او بچرخد.

معلم خلاق ما می‌کوشد فضای کلاس را تغییر دهد. پس بچه‌ها را ترغیب می‌کند کار گروهی انجام دهند. این کار مستلزم میز کاری بزرگ‌تر و فضایی بازتر است. به بچه‌ها پیشنهاد می‌دهد وسایلشان را از میزها جمع و آرایش جدیدتری برای کلاس ایجاد کنند.

برخی از بچه‌ها تنبل ترند و برخی پرهیجان‌تر، برخی بی‌حوصله‌اند و برخی وسواسی. کلاس پر از هیاهو می‌شود و همه برای تغییر چینمان کلاس می‌کوشند. دانش‌آموزان نیمکت‌ها را جابه‌جا می‌کنند و میزهای آن را به هم می‌چسبانند تا میزهای بزرگ‌تری درست کنند. اما کلاس بسیار نامرتب و شلوغ می‌شود. با وجود این، می‌توان در آن باز حمت کار گروهی انجام داد. این بار معلم همان راه عبور باریک قبلی خود را نیز از دست داده است و نمی‌تواند به خوبی بین بچه‌ها راه برود و خود را به آن‌ها برساند.

من نیز آن گوشه کلاس نشستم و نظاره‌گر تمام اتفاقات کلاس خلاق هستم؛ کلاسی که دوست دارد معلم‌محوری را کم کند و در ایجاد محیطی پویا و خلاق برای کار گروهی بکوشد؛ کلاسی که سعی دارد دانش‌آموز محوری را به حداکثر برساند.

هم‌اکنون کار گروهی تمام شده و چیزی حدود نیم ساعت از زمان کلاس درس از دست رفته است. معلم کاری را که می‌توانست در عرض ده دقیقه انجام دهد، با پرت زمانی بسیاری انجام داده و بچه‌ها کمی گیج شده‌اند که کار گروهی به این سادگی، چرا این همه وقت می‌گیرد. اما معلم خلاق ما به خوبی درک می‌کند که بیشتر وقت این کار گروهی، صرف جابه‌جا کردن نیمکت‌ها و بهتر

کردن شرایط کلاس درس شده است. لحظه‌ای آرزو می‌کند کلاس کلاس همیشه به این صورت چیده می‌شد و چینمان نیمکت‌ها سریع تغییر می‌کرد.

دوباره معلم نیاز دارد با تمام بچه‌ها سخن بگوید، پس مجبور است روش سمیناری را در کلاس درس پیاده کند و به بچه‌ها بگوید که نیمکت‌های خود را به صورت نیم‌دایره‌ای بزرگ بچینند. بچه‌ها دوباره از جای خود بلند می‌شوند و دوباره کلاس پر از همهمه، سروصدا و آشوب می‌شود. این کارها شاید جذاب باشد، اما معلم خلاق ما به خوبی می‌داند که این روش‌ها در دراز مدت کارایی ندارد و بچه‌ها از این همه جابه‌جا کردن خسته می‌شوند. در این زمان است که آرزو می‌کند کلاس فضای بزرگ‌تری برای کلاس در اختیار داشته باشد؛ یعنی کلاس دو کلاس کنار هم، با هم ادغام می‌شدند و فضای بزرگ‌تری را برای دو معلم ایجاد می‌کردند. در بخشی از آن می‌توان روش سمیناری را ایجاد کرد و در بخش دیگر روش گروهی، در بخشی از آن بچه‌ها می‌توانستند کار انفرادی انجام دهند و در بخشی دیگر کار گروهی... وای چه آرزویی! آن موقع بود که دو پایه معلم می‌توانستند در فضایی بزرگ‌تر با هم کار کنند؛ آن‌جا خلاقیت به اوج خود می‌رسید.

تمام این‌ها از ذهن معلم خلاق ما می‌گذرد و باز هم مانند کسی که بال ندارد، با همین کلاس تنگ و پر از نیمکت خود می‌سازد و با تمام توان می‌کوشد بچه‌ها را شاد نگه دارد. در حالی که این کار توان بسیار زیادی از او می‌گیرد، اما او به خوبی می‌داند که بخشی از این توان را باید معماری مدرسه یدک بکشد، نه معلم.

### معلم و چند هوش

معلم خلاق ما انواع هوش‌های گاردنر را در ذهن خود مرور می‌کند. به بچه‌هایی که هوش بدنی دارند، نگاهی می‌اندازد؛ آن‌ها دیگر از نشستن در نیمکت‌ها خسته شده‌اند. مدام تکان می‌خورند و دوست دارند راه بروند. اما آرایش کلاس این اجازه را به آن‌ها نمی‌دهد. معلم از این که نمی‌تواند این خواسته و نیاز ساده آن‌ها را برآورد، کلافه است. زمان کلاس تمام شده است و او از پنج کاری که دوست داشته است، انجام دهد، فقط دو کار را انجام داده است. به دیگر کودکان با انواع هوش غالب می‌نگرد و به تمام مطالبی که خوانده است و نمی‌تواند در کلاس درس یا آرایش ردیفی عمل کند، می‌اندیشد. دل‌سرد و خسته می‌شود و دوباره با خودش می‌گوید، اگر کلاس درس این‌گونه آرایشی داشته باشد پس من به عنوان معلم کجا و چه‌طور از خلاقیت استفاده کنم؟ اگر کلاس درس این شکلی است، پس جایگاه انواع روش‌های تدریس کجاست؟ اگر نیمکت‌های کلاس درس برای همیشه ردیفی چیده شده باشد و همیشه تخته‌های در جلوی کلاس، پس انواع هوش بچه‌ها به کجا می‌برد؟ من از انتهای کلاس بلند می‌شوم و این را از او می‌پرسم: «اگر شما از این آرایش نیمکت‌ها و این معماری راضی نیستید، پس چرا خواسته‌های خود را بیان نمی‌کنید؟ اگر کلاس درس بعد از گذشت صد سال، هنوز به این شکل طراحی و ساخته می‌شود، پس معنای معماری مدارس نوین چیست؟ آیا ارزش معلم‌محوری بیش از دیگر روش‌های تدریس است؟ و اگر کلاس درس این‌گونه باشد، پس مقوله یادگیری درباره چیست؟» بسیار منتظر نظرات شما خوانندگان هستیم. نوشته‌هایتان را به نشانی [raibale@rammail.ir](mailto:raibale@rammail.ir) ماینبوسید.

معلم خلاق ما می‌کوشد فضای کلاس را تغییر دهد. بچه‌ها را ترغیب می‌کند کار گروهی انجام دهند.

# این مشغول ظاهر ساده

شده است، به مدرسه می آیند. چهار ماه از سال تحصیلی گذشته است، هنوز دارم می کوشم به آن‌ها بفهمانم که مطلب را یک بار می گویم و دیگر تکرار نمی کنم. مثلاً یک بار می گویم صفحه ۵۳ کتاب را باز کنید، اگر نشنیدند انتظار دارم به جای زل زدن به من و تقاضای تکرار از من، به بغل دستی شان نگاه کنند. باورتان نمی شود هنوز موفق نشده‌ام، البته تسلیم نمی شوم»

وقتی روز درسی تمام می شود، آمیخته‌ای از احساسات وجود معلم را در بر می گیرد. بستگی به روزی که پشت سر نهاده، احساس رضایت و کفایت از آن چه انجام داده یا خستگی و ناکامی از آن چه نتوانسته است، می تواند او را به عرش یا به فرش ببرد.

## کلید معلمی

به دست آوردن اعتماد به نفس و تقویت مهارت‌های تدریس، برای معلمان موضوعی همگانی است که نه تنها دغدغه معلمان تازه کار است، بلکه معلمان مجرب هم با آن درگیرند. موضوع‌های جدید می تواند صلاحیت، کفایت و توانایی یک کهنه کار را نیز به چالش بکشد؛ مخصوصاً اگر نیازمند تغییر در روال تدریس باشد. به یاد بیاورید وقتی به عنوان معلم با کار و موضوع جدیدی روبه‌رو شده‌اید، چند بار از خودتان پرسیدماید: «ز عهدماش برمی آیم؟»، «آیا می توانم خوب انجامش دهم؟» و بعد از کمی تجربه ممکن است فکر کرده باشید «چه طور می توانم بهترش کنم؟»

می کند، این است که بچه‌های آشنا را از هم جدا بنشانم و مقداری چشم‌غره بروم و غرو لند کنم تا شاید بالاخره با تهدید به ظاهر آرام شوند، اما چه یاد می گیرند، این را باید از ورقه‌های امتحان‌هایشان خوانند»

معلم علوم می گفت: «مسئله شانزدهمین سال تدریس من در دوره راهنمایی است. چیزی که من را از پا می اندازد، حجم زیاد ورقه‌های امتحانی است که انگار هیچ وقت تمامی ندارند. سؤال‌های تستی یا پاسخ‌های کوتاه کاری ندارد، اما پاسخ‌های تشریحی و گاهی پروژه‌هایی که به بچه‌ها می دهم، واقعاً باری سنگین است. هر صبح جمعه سه تا چهار ساعت و قسم را می گیرند. دلم خوش است یک روز بدون زنگ مدرسه دارم. می توانید حدس بزنید خانه و بچه و انتظارهای اطرافیان و کارهای عقب افتاده، با حجم زیادی از ورقه‌های تصحیح نشده یعنی چه از راه‌هایی مثل تصحیح توسط خود بچه‌ها یا همدیگر هم استفاده می کنم، ولی همیشه ورقه‌هایی مفصل با خط‌های گوناگون دارم...»

معلم دیگری می گفت: «بزرگ‌ترین اضطراب مشغولی برای من ایجاد انگیزه برای یادگیری در دانش‌آموزانی است که انگیزه ندارند یا به هر علتی آن را از دست داده‌اند. خیلی از بچه‌ها هنوز درباره اهمیت درس خواندن به باور عمیقی نرسیده‌اند و فقط چون از آن‌ها خواسته



معلمی، رویای شغلی اکثر کودکان، بازی رایج دبستانی‌ها و آرزوی تعدادی از فارغ‌التحصیلان، از مشاغل شریف، محترم و دوست‌داشتنی است که حتی آن را مشغول انبیا خوانده‌اند. اما چه کسی گفته است این مشغول دل‌نشین، شغلی آسان است؟

## دغدغه‌های معلمان

یک معلم ریاضی می گفت: «در حال حاضر بزرگ‌ترین مسئله من این است که چگونه شاگردانم را آرام کنم. آشفتگی رفتاری، بی‌توجهی و کم‌دقتی در یادگیری را چه کنم؟ وقتی کلاسی به تعداد ۳۵ نفر داری، ایجاد تمرکز و توجه به درس در دانش‌آموزان کار سختی می شود. وقتی گوش نمی دهند و بی‌نظمی می کنند، اولین فکری که به ذهنم می رسد، این است که چرا درس برایشان به اندازه کافی جالب نیست. دومین موضوعی که مشغولم

به نظر می‌رسد بین اعتمادبه‌نفس و مهارت‌های آموزشی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. کار کردن روی هر جنبه، باعث تقویت جنبه دیگر می‌شود. هر چه مهارت آموزشی بیشتر، اعتمادبه‌نفس بیشتر می‌شود و برعکس. آندرهیل<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) پیشرفت معلمی را پروسه‌ای می‌داند که در آن، فرد به بهترین معلمی که می‌تواند، تبدیل می‌شود. راسنر<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) می‌گوید، معلمی فقط تدریس نیست، بلکه تقویت زبان، کشف مهارت‌های مشاوره، داشتن رفتار جرئت‌مندانه و قاطعانه، اعتمادبه‌نفس زیاد، محاسبه، مراقبه، تحمل و مسئولیت‌پذیری زیاد و تقریباً همه چیز است!

اعتمادبه‌نفس برای معلمان در چهار مؤلفه «علم و دانش، مهارت‌های آموزشی، خودآگاهی و نگرش» باز تعریف می‌شود.

**علم و دانش:** معلم همواره نیازمند تقویت بنیه علمی خود است. از هر فرصتی باید برای یافتن نکته‌های تازه استفاده کند و فراتر و جلوتر از کتاب‌های درسی، مطالب‌ها را جست‌وجو کند. به روز کردن اطلاعات با منبع‌های غیردرسی، مباحثه با هم رشته‌ها و استفاده از تجربه دیگران، از وظایف اولیه هر معلمی است. در کنار مباحث علمی انتظار می‌رود معلم بیش از پیش با تئوری‌های آموزش و یادگیری آشنا شود. با چنین زمینه‌ای، به راه‌حل‌ها و روش‌های تدریس پویاتری دست می‌یابد.

از دیگر نکته‌های مهم، شناخت دانش‌آموزان است که در زیر مجموعه علم است. باید تا می‌تواند شاگردان را بشناسد. هنر فرصت دادن به دانش‌آموز برای ابراز وجود و صحبت کردن، هنری گران‌بها برای معلم است تا دریابد با چه مواردی روبه‌روست. فراموش نشود که هر دانش‌آموز نیایی از مشکلات فردی و خانوادگی را با خود می‌آورد. مشکل‌هایی که ربطی به محیط آموزشی ندارند، اما می‌توانند آن را به شدت متأثر سازند. معلم خوب، با شناخت مشکلات فردی شاگردانش، حداقل می‌تواند از سرایت پارهای از آن‌ها به دیگران جلوگیری کند خلاصه در یک کلام، هر قدر معلم

شاگردانش را بیشتر بشناسد، موفق‌تر است.

**مهارت‌های آموزشی:** از دیگر امور جاری زندگی معلمی، تقویت توانایی ارائه دانش و علم در قالب‌های آموزشی و تدریس است. این مهم به دست نمی‌آید، مگر با نگرشی اکتشافی و متهورانه به تدریس که روش‌ها و فعالیت‌های گوناگون آموزشی را بارها تمرین کند تا از اثربخشی و جذابیت آن‌ها در میان دانش‌آموزان مطمئن شود و نهایتاً به کار برد. استفاده از روش‌های ابتکاری و خلاق می‌تواند فضای کلاس را شیرین و دل‌چسب کند و انگیزه‌های تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش دهد.

مهارت یافتن در روش‌های تدریس، به آگاهی فرد نسبت به نقطه‌های قوت و ضعف خود بسیار وابسته است. در واقع همان خودآگاهی است که مؤلفه بعدی است.

**خودآگاهی:** معلمان با افزایش خودآگاهی، به سطح بالاتری از رشد می‌رسند. خودآگاهی یعنی این که دریابند چگونه معلمی هستند؟ تصویرشان نزد دانش‌آموزانشان چگونه است؟ بیشتر به چه صفاتی شناخته شده‌اند؟ در نقش معلمی، کدام جنبه‌ها و تجربه‌ها و کاراکترها بروز پیدا می‌کنند؟ چه نقطه‌های قوتی دارند که باید بیشتر بر آن‌ها تکیه کنند؟ چه نقطه‌های ضعفی دارند که باید در رفع آن‌ها بکوشند؟ خودآگاهی از راه‌های گوناگونی قابل افزایش است:

● معلمان می‌توانند آموزش خود را به طور صوتی یا تصویری ضبط کنند سپس آن را دوباره مشاهده کنند و با تحلیل آن به نقطه‌های ضعف و قوت خود بیشتر پی‌برند.

● آن‌ها می‌توانند با دعوت از یک همکار، از او درخواست کنند کلاسشان را ارزیابی کند و باز خورد دهد.

● مشاهده آموزش دیگر معلمان بسیار آموزنده است. این روش کمک می‌کند تا روش‌های گوناگون تدریس را با هم مقایسه کنند یا با الهامی که از دیگران می‌گیرند، بعضی از روش‌های آن‌ها را تمرین و اجرا کنند. مهم‌تر از همه، آن‌ها را آگاه می‌سازد که چگونه معلمی هستند یا نیستند.

● خود دانش‌آموزان بهترین منبع برای ارزیابی کار و شناخت معلم هستند. جمع‌آوری منظم نظرهای دانش‌آموزان، به معلم فرصت بزرگی می‌دهد تا خود را در آینه شاگردانش بشناسد.

● نباید از یادداشت کردن غافل شد. تجربه‌ها، برداشتها و احساس‌های خود را در دفترچه‌های بنویسید. مرور آن‌ها کمک می‌کند از خود به عنوان معلم شناخت بهتری پیدا کنید و چه‌بسا نکته‌های ارزنده‌ای ثبت کنید که فرد را در تدریس و اداره کلاس یاری دهد.

**نگرش:** در نهایت، رشد معلم به رشد و نگاه داشتن نگرشی مثبت نسبت به فعالیت‌های آموزشی و خود به عنوان معلم بسیار وابسته است. معلم باید برنامه درسی خود را منظم کند، به دنبال تقویت بیشتر مبانی علمی خود باشد، هر روز بر مهارت‌های خود بیفزاید و به خود و همکاران و شاگردانش احترام بگذارد. از ناکامی‌ها و عدم موفقیت‌ها تجربه به دست آورد و از آن‌ها نترسد.

هم‌چنین، نباید اجازه دهد مشکلات شخصی‌اش روی کارش تأثیر بگذارد یا هنگامی که با چالش جدیدی روبه‌رو می‌شود، ناامید شود؛ حتی اگر در ابتدا قابل حل به نظر نرسد. باید تا تدریس خود لذت ببرد و وقتی به هدف آموزشی خود دست یافت، خود را تشویق کند و به خود استراحتی در خور و شایسته هدیه دهد.

این نکته‌ها گفته شد و صدها نکته که معلمان می‌دانند و این‌جا گفته نشد! همه این روش‌ها ابزارهایی مطمئن است در دست معلم، برای فائق آمدن او بر آموزش و تعلیم اما آن چه کلاسی را جذاب‌تر و معلمی را محبوب‌تر می‌سازد، فقط این‌ها نیست، بلکه «درون‌مایه خود معلم» است؛ خصوصیتی که کاملاً شخصی است و عملکرد او را منحصر به فرد می‌کند. اشتیاق و محبت و انرژی درونی که به او قوت ادامه و استقامت می‌دهد، راه‌حل‌های متفاوت جلوی رویش باز می‌کند و فضایی در کلاس می‌سازد که گاه می‌تواند زندگی و آینده دانش‌آموزانش را دگرگون کند. این جاست که معلمی نه دیگر فن که هنر است.

آغاز سالی دیگر و به دست آوردن تجربه بیشتر، بر شما مبارک باد.

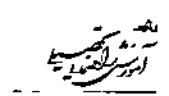
**هنر فرصت دادن به دانش‌آموز برای ابراز وجود و صحبت کردن، هنری گران‌بها برای معلم است تا دریابد با چه مواردی روبه‌روست**

پی‌نوشت

1.Underhill  
2.Rossner

منابع

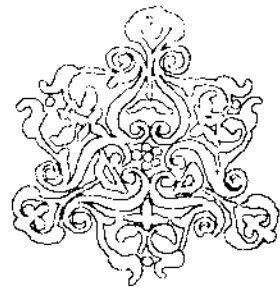
1.Underhill, A (1986): Editorial in Teacher Development Newsletter 9: 4  
2.Rossner, R (1992): "Where there's a will - facilitating teacher development" in Teacher Development Newsletter 18: 4 - 5





# فطرت، تربیت و سرشت

تربیت فطری و اسلامی در گفت و گو با  
حجت الاسلام والمسلمین  
دکتر محی الدین محمدیان  
رییس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



به بیان امام خمینی (ره)  
در انسان همه فطرت‌ها  
جمع است



● **تربیت چیست و چرا اسلام به آن اهتمام دارد؟**  
○ تربیت و مقوله‌ی اساسی پرورش انسان، از مباحثی است که عمده‌ی توجه صاحب‌نظران را در حوزه‌ها و زمان‌های گوناگون به خود معطوف کرده است.

برای بشر امروز شاید این واژه چالشی‌ترین و مهم‌ترین واژه باشد. در حوزه‌ی مباحث دینی هم تربیت از مهم‌ترین مباحث و از دغدغه‌های اصلی و البته مقدس به شمار می‌رود. اساساً یکی از اهداف بعثت انبیا و اولیای الهی تربیت انسان بوده است. در قرآن آمده است که آرزوی بزرگی از جانب متقین است که از خداوند درخواست و طلب می‌کنند تا به آن‌ها فرزندان شایسته‌ای عنایت کند و آن‌ها را در تربیت فرزندان مدد کند تا فرزندان آنان بتوانند برای پرهیزگاران پیشوایان باشند.

قرآن کریم وقتی از رسالت انبیا سخن می‌گوید، می‌فرماید: «ما پیامبران به ویژه پیامبر اسلام را برگزیدیم تا برای مردم آیات الهی را تلاوت کنند، نفوس آن‌ها را تزکیه کنند و به آن‌ها کتاب و حکمت بیاموزند و به جای ضلالت آشکاری که در آن زندگی می‌کردند، تمدن پاکیزه و جدیدی را جای‌گزین کنند.»

سؤال قابل توجه این است که «تربیت چیست؟» وقتی می‌گوییم انبیا آمده‌اند انسان را تربیت کنند یا این که پدران ما عهده‌دار تربیت فرزندان‌شان هستند، پس نظام تعلیم و تربیت که مربیان و معلمان در آن انجام وظیفه می‌کنند و می‌خواهند انسان را تربیت کنند، چه باید بکند؟

در نگاه اسلامی، انسان سرشت و فطرتی خدادادی دارد که فجور و تقوی او در این سرشت قرار داده شده است. خداوند متعال به انسان الهام کرده است که چگونه

به تصریح آیات قرآن کریم و احادیث، تربیت الهی و فطری در نهاد انسان وجود دارد. تربیت اسلامی، اما جریانی است که در آن عوامل چندی حضور دارند. از این دیدگاه خود تربیت، مربی و آن که تحت این تربیت قرار می‌گیرد - یعنی انسان - مهم است و نیاز به بررسی و شناخت دارد. بنابراین و برای روشن شدن برخی نکات، به گفت‌وگویی که در این زمینه با دکتر محمدیان، ریاست محترم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی انجام شده است، توجه فرمایید.

بتواند تقوا را در خود تربیت کند و فجور را از وجود خود بزاید. این کار فقط بر اثر تربیت اتفاق می افتد. انسان‌ها به لحاظ این الهام باطنی، شاید بتوانند مسیر سعادت‌مندی خود را بیابند یا راه گریز از فجور را نیز بشناسند، اما یقیناً در زندگی دنیایی با موانعی مواجه می‌شوند که رشد آن‌ها را محدود یا دچار مشکل می‌کند.

از طرف دیگر، برای تقویت یا رشد زمینه‌های تقوا، در وجود آن‌ها به روش‌ها، مدل‌ها و الگوها هم نیاز دارند. خدای متعال از سر لطف، در درجه اول انبیا را برای این کار مأمور کرده است. در کنار این الهام باطنی که در تعبیر امام کاظم (ع) به عنوان حجت باطنی (عقل) از آن یاد شده، حجت ظاهری یعنی انبیا هم مأموریت دارند، کمک کنند. اجمالاً باید عرض کنم، تربیت یعنی زمینه‌سازی رشد و شکوفایی استعدادهای باطنی انسان که من از آن به «فطرت الهی» تعبیر می‌کنم. وقتی مربی می‌خواهد انسانی را تربیت کند، باید موانع را برطرف کند و زمینه‌ها را فراهم و مساعد کند تا انسان بتواند استعدادهای باطنی (فطرت الهی) خود را برای دست یافتن به مرتبه‌ای از حیات طیبه (تقرب به خدا) شکوفا کند. یعنی انسانی باشد که با فطرت توحیدی زاده شده است و با معرفت توحیدی هم به سوی او، تعالی و ارتقا پیدا کند. البته این رشد و شکوفایی می‌تواند رشد گل خانه‌ای باشد یا نوعی رشد و شکوفایی که انسان در آن فعال است.

### ● از نگاه اسلام نقش و جایگاه مربی در جریان تربیت چگونه است؟

○ در اندیشه و آموزه‌های تربیتی اسلامی، توصیه شده است که مربی، نقش فعال مربی را هم در نظر بگیرد. یعنی مربیان، مربیان خود را تنها ظرفی ندانند که آن‌ها از معلومات پر کنند یا با عصا آن‌ها را راه ببرند، بلکه آن‌ها را راه می‌اندازند تا با اتکا به خودشان، راه را ادامه دهند.

تربیت اسلامی، مربی را نسبت به موقعیت خودش آشنا و به او کمک می‌کند با شناختن موقعیت خود، موقعیت مطلوب‌تر را هم شناسایی کند؛ به تعبیری خود را از وضعیت آخر به وضعیت مطلوب منتقل کند. این انتقال به وضعیت مطلوب، نیازمند راه و روش‌هایی است که در آموزه‌های دینی به آن‌ها توجه شده است. در این جا بحث «خود مدیریتی» و «خود راهبری» مطرح می‌شود.

برخی فرزندان‌شان یا یک نسل را طوری تربیت می‌کنند که آن چنان که خواست آن‌هاست، ایفای نقش کنند. اما اگر این دسته از مربیان در شرایط جدیدی قرار گیرند، نمی‌توانند واقعیت یا موقعیت آخر را شناسایی کنند و دچار مشکل می‌شوند. پس تربیت یعنی رشد و شکوفایی فطرت انسانی بر اساس مدل و الگوی دینی برای دست‌یابی به خود راهبری که از موقعیتی به موقعیت برتر و متعالی تغییر می‌کند.

### ● متحول کردن انسان‌ها شاید اساسی‌ترین نکته‌ای است که در باب تربیت باید به آن توجه کرد. اسلام می‌خواهد چه انسانی را تربیت کند؟

○ یقیناً بحث تربیت، انسان است و تربیت روی انسان محقق می‌شود. نگاه ما به انسان می‌تواند موضوع و جهت تربیت را دگرگون کند. زمانی تعریف از انسان، موجودی است دو پا، مستوی‌القامه که راه می‌رود. گاهی انسان از حیث ارزش افزوده‌ای که روی مواد و منابع ایجاد می‌کند، تعریف می‌شود یا از حیث منطقی انسان را حیوان ناطق تعریف می‌کنند. هر کدام از این‌ها وجه ممیزی را برای انسان پیش‌بینی و به آن پیشنهاد می‌کنند که رشد و شکوفایی او را طلب می‌کند. اما آیا انسان اسلام هم یک جمله‌ای است که ما انسان را با یک جمله تربیت کنیم؟

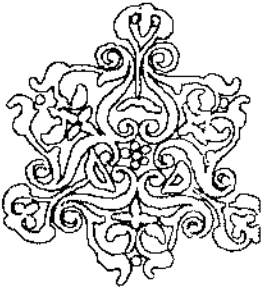
خدا رحمت کند استاد ما آقای جعفری را. گاهی شوخی می‌کردند و می‌گفتند بعضی‌ها، انسان را نوعی تربیت می‌کنند که می‌شود در یک قوطی کبریت جایش داد. در حالی که در نگاه دینی، انسان فشرده و در هم پیچیده یک جهان بزرگ است. تعبیر امام علی (ع) این است. تو گمان می‌کنی همین جسم هستی که ابعادی از حجم را داری؟ نه! یک عالم در تو پیچیده است. به بیان امام خمینی (ره) «در انسان همه فطرت‌ها جمع است.»

شهاب‌الدین سهروردی (شیخ اشراق) تعبیری دارد که می‌گوید: انسان قابل تعریف نیست، چرا؟ چون تعریف محدود به حد است. چرا انسان قابل تعریف نیست؟ چون در «شدن» مکرر است. هر لحظه چیز دیگری می‌شود (هر آن بت عیار به رنگ دگر آید). آیا می‌توان از این انسان عکس و تصویری برداشت و گفت انسان همین است؟ انسان جان‌شین خداست و حیوان نیست که با حیوانات دیگر سنجیده و مقایسه شود و نسخه «حیوان ناطق» به میان آید. انسان خلق شده است تا مسجود ملائک باشد. حیوان مسجود ملائک نیست.

دومین نکته‌ای که در آیات قرآن درباره ویژگی انسان مطرح است، ظرفیت بالای علمی اوست. انسان همه اسمای الهی را می‌تواند یاد بگیرد و حتی می‌تواند دلایل آن‌ها را هم بیان کند. در سوره بقره آمده است که وقتی اسما بر ملائک عرضه می‌شوند و سپس از آن‌ها خواسته می‌شود دلالت‌های اسما را بیان کنند، می‌گویند: خدایا ما جز آن چه به ما آموختی، چیز دیگری بلد نیستیم. اما آدم (ع) به ملائکه خبر می‌دهد که آن اسما چه هستند و بر چه چیزی دلالت می‌کنند. آن‌جا خداوند می‌فرماید: «دیدید من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید؟!»

ویژگی سوم انسان کرامت ذاتی اوست. خداوند متعال انسان را کریم خلق کرده و از کرامت خودش بر او ارزانی کرده است.

در اندیشه و آموزه‌های تربیتی اسلامی، توصیه شده است که مربی، نقش فعال مربی را هم در نظر بگیرد





در نگاه دینی، انسان  
فشرده و در هم پیچیده  
یک جهان بزرگ است.  
تعبیر امام علی(ع) این  
است. تو گمان می کنی  
همین جسم هستی که  
ابعادی از حجم را داری؟  
نه! یک عالم در تو پیچیده  
است

نکته دیگر نفخه الهی است که در انسان اتفاق افتاده است. در انسان روح الهی دمیده شده است. همه آفرینش مخلوق خداوند متعال هستند، اما انسان در خلقت خود یک ویژگی دارد که دیگر مخلوقات ندارند؛ «فَخَلَقَ فِيهِ مِنْ رُوحِي». چون این نفخه رحمانی در او اتفاق افتاده است، مسجود و مخدوم فرشته‌ها می شود.

نکته دیگر این که انسان در عالم پیش از دنیا (ذر) نسبت به ربوبیت حق تعالی اقرار کرده است. حالا اگر مجموعه این ویژگی‌ها و از طرفی برخی خصوصیات انسان را به لحاظ فضایل و رذایل اخلاقی در کنار هم بگذارید، می شود انسان. حالا ما تربیت کدام انسان را می خواهیم؟ این انسان را با این ویژگی‌ها! تا به مرتبه‌ای برسد که بتواند فضایل اخلاقی را در وجود خود شکوفا کند و از موانع اخلاقی خود دور شود. اگر می خواهد آسمانی شود، از جاذبه‌های زمینی کنار بگیرد.

● در این رهگذر جایگاه و کارکرد مربی چگونه است؟

○ این جان نقش و کارکرد مربی و تربیت این است که اولاً بتواند این شکوفایی را سرعت ببخشد. مسیر این شکوفایی را به طور صحیح ترسیم کند و شکوفایی با دقت اتفاق بیفتد. برای مثال هسته یک میوه مانند سیب را در نظر بگیرید. هسته سیب قابلیت میوه شدن را دارد. ممکن است هسته در زمینی بیفتد و محیط هم به گونه‌ای باشد که زیر خاک قرار گیرد، آب و آفتاب به آن برسد و به درخت تبدیل شود. اما آیا روینده‌ای که به صورت خودرو می‌روید، به همان سرعت و صحتی می‌روید که باغبان از آن مراقبت می‌کند؟ بله ما درختان خودرویی را داریم، اما شاخه‌اش کج، میوه‌اش تلخ و آفت‌زده می‌شود. نقش باغبان این است که زمینه را برای روییدن، فراهم و مساعد و از آسیب و آفت زدن مراقبت کند. تربیت نیز همین است. در انسان این قوه وجود دارد که رشد پیدا کند و به فعلیت برسد، اما نه به آن صحت و دقتی که اگر تحت نظر مربی باشد، می‌شود.

فلذا مربیان نقشی دارند و اولین مربیان انسان نیز والدین او هستند. در روایت نبوی آمده است: «پدر و مادر هستند که انسان را یا بر فطرت توحیدی‌اش مراقبت می‌کنند، یا او را از این فطرت منحرف می‌کنند.» به همین جهت است که در اسلام، قرآن و روایات اسلامی تأکید بسیار جدی به والدین شده که از فرزندان‌شان مراقبت کنند و حتی از وظایف جدی آن‌ها همین است. امام علی(ع) می‌فرمایند، چند چیز بر پدر به عنوان رئیس و مسئول مستقیم تربیت فرزند، واجب است: او را تربیت نیکو کند، نام نیک بر او بگذارد، به او قرآن بیاموزد و وسایل ازدواج او را فراهم کند.

### ● منظور از مراقبت چیست؟

○ برای این که بچه‌ها خوب تربیت شوند، مراقبت‌های شدیدی در خانواده‌ها باید انجام شود. من این جمله را عرض کنم که درست است در تربیت فرزندان عوامل متعددی دخالت دارند، اما در عین حال باید بدانیم که با آرزو کردن هم، بچه‌ها تربیت نمی‌شوند. فرزندان ما آن گونه که ما اراده و آرزو می‌کنیم، به بار نمی‌آیند. بچه‌های ما آن گونه که ما زندگی می‌کنیم، شکل می‌گیرند و تربیت می‌شوند. این نشان‌دهنده نقش‌الگویی پدر و مادر است.

امام علی(ع) تربیت یافته دامن پیامبر(ص) است. شاید بتوان این ادعا را کرد که پیامبر(ص) فرزند ذکوری نداشت که نحوه تربیت ایشان را در فرزند ذکور ببینیم. حضرت فاطمه(س) هست که نمونه و اسوه همه زنان عالم است و برای بشریت الگوست. از پسران پیامبر کسی نمانده است که ما تربیت پیامبر را در او منعکس یافته ببینیم. اما علی بن ابیطالب(ع) از کودکی در دامن پیامبر(ص) تربیت شده است و به نوعی تربیت پیامبر در وجود حضرت علی(ع) متجلی است. پس علی(ع) با آن عظمت‌ها که دارد، محصول دو چیز است: اول سرمایه‌های فطری خدادادی که در وجود آن عزیز منطوی بود و دوم بالندگی و شکوفایی آن بذره‌های عالی تا متعالی‌ترین درجات ممکن که به دست باکفایت رسول خدا محقق شد.

● چگونگی این تربیت را به اختصار بیان بفرمایید.  
○ فارغ از جایگاه عصمت و ولایت امام علی(ع)، اجازه دهید از این منظر نگاه کنیم. وقتی پیامبر(ص) فرزندان ابوطالب را میان برادران و عموها تقسیم می‌کند تا آن‌ها را سرپرستی کنند، علی(ع) را برای خود انتخاب می‌کند. شاید این بهانه و فرصتی برای پیامبر بوده که اسوه انسانیت و جانشین خود را که نمونه کامل انسان و دارای بالاترین ظرفیت بوده است، خود تربیت کند.

امیرالمؤمنین(ع) خودشان می‌فرمایند، پیامبر مرا این گونه تربیت کرد: از غذایی که خودش می‌خورد به من می‌داد. مرا به سینه خود می‌چسباند و من بوی وجود او را حس می‌کردم. مرا در بستر خود می‌خواباند، من از او سؤال می‌پرسیدم و اگر من سکوت می‌کردم، پیامبر مرا به نطق وامی‌داشت. این یعنی امام علی(ع) را تربیت می‌کرد. امام علی(ع) می‌فرمایند: «من پیام را جای پای پیامبر می‌گذاشتم، من همه جادنبال پیامبر می‌رفتم.»

این نقش‌الگو و اسوه است. در تربیت اجتماعی نیز همین است. لذا می‌بینیم وقتی قرآن می‌خواهد جامعه ایمانی را تربیت کند، موضوع اسوه بودن دو شخصیت متعال الهی را ارائه می‌دهد. یکی حضرت ابراهیم(ع) و همراهان ایشان و دیگری پیامبر(ص) که می‌فرماید، پیامبر اسوه حسنه برای شماست. یعنی می‌توانید در همه جنبه‌های حیات و زندگی‌تان مانند او باشید.



امروز بسیاری از کاستی‌هایی که داریم، شاید در عرصهٔ ارائهٔ الگو و تعارض الگوها باشد. ما می‌توانیم در جریان رسانهای خود بینیم که الگوسازی‌مان چگونه است. چه کسانی را برای نسل جوانمان به عنوان الگو معرفی می‌کنیم؟ حتی در حوزهٔ اقتصاد به چه کسی موفق می‌گوییم؟ کسی که به نظام سرمایه‌داری و تحصیل ثروت از هر طریق معتقد است یا کسی که در نظام معیشتی خود حلال و حرام را رعایت می‌کند؟ در عرصهٔ سیاست چه کسانی را الگو معرفی کنیم؟!

این‌ها مباحثی جدی هستند. اگر بخواهیم براساس نظریهٔ اسلامی تعلیم و تربیت به یکی از نقاط قابل توجه بپردازیم، بحث الگوها و اسوه‌هاست که در این صورت تربیت می‌تواند راحت‌تر و سالم‌تر اتفاق بیفتد. یعنی یکی از موانع تربیت، نداشتن الگو یا الگوهای متعارض و ناشایست است. با ارائهٔ الگو می‌توانیم جهت و مسیر را برای تربیت اسلامی فراهم کنیم.

● گاهی مطرح می‌شود که نظریه‌های تربیتی اسلام برای دورهٔ ما و دورهٔ مدرن کاملاً و به تنهایی جوابگو نیست؟!

○ واقعیت امر این است که ما نسبت به معرفی الگوهای تربیتی اسلام و نیز نظریهٔ اسلامی تعلیم و تربیت، هم قصور کردیم و هم تقصیر. باید عذر تقصیر به پیشگاه اسلام و قرآن ببریم که مبانی تربیتی خودمان را در نظام رسمی تعلیم و تربیت از قرآن نگرفتیم. شاید این جمله از من یک اعتراف علیه خود باشد؛ به عنوان کسی که دو دهه و نیم در آموزش و پرورش کشور خدمت می‌کند. اما احساسم این است که یکی از مهجوریت‌های قرآن در نظام تعلیم و تربیت مانده تنها آگاهی کامل نداشتن فارغ‌التحصیلان ما از مفاهیم و معانی قرآنی است، بلکه مبانی برنامه‌ریزی آموزشی، درسی و تربیتی ما از قرآن و اسلام گرفته نشده است. ما الان از نظریه‌های دیگران بیشتر از نظریه‌های پیشوایان دین یا آموزه‌های قرآنی استفاده می‌کنیم. اگر بپرسید مکتب روان‌شناسی رفتارگرا چیست، همه نظرات هیوم، جان لاک، پیاز و دورکیم را می‌شناسند اما در عرصهٔ تعلیم و تربیت رسمی ما، یک برنامهٔ درسی که براساس نظریهٔ تربیتی اسلام مدون شده باشد، وجود ندارد.

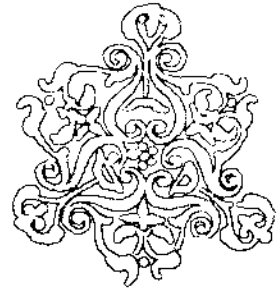
یکی از منابع دقیق و اصیل نظریهٔ اسلامی تربیت و حتی روش‌های تربیتی، نامهٔ ۳۱ نهج‌البلاغه است که امام علی (ع) خطاب به امام حسن (ع) نوشته‌اند. در این نامه، هم مبانی و اصول تربیت را بیان کرده‌اند و هم اسلوب‌ها و روش‌ها را. حتی حوزه‌های یادگیری در این نامه بیان شده است که چه چیزهایی لازم است به فرزندانمان بیاموزیم. حوزهٔ ادبیات، تاریخ، حکمت، جامعه‌شناسی و اعتقادات، همگی در این جا هستند.

این رانه به عنوان کسی که در کسوت روحانی هستیم، بلکه در کسوت کسی که حداقل ۲۵ سال از عمرم را در حوزهٔ تعلیم و تربیت گذرانده‌ام، می‌گویم که اسلام در حوزهٔ تعلیم و تربیت نظریه دارد، سبک دارد و این نظریه باید در حوزهٔ تعلیم و تربیت ما عملی شود، در حالی که ما بعد از انقلاب اسلامی، آموزش و پرورش خودمان را رنگ اسلامی زده‌ایم، اما هنوز جوهر اسلامی در آن نفوذ نکرده است. به همین جهت است که در آموزش و پرورش نیازمند نوعی تحول بنیادین مبتنی بر نظریهٔ اسلامی تعلیم و تربیت و فرهنگ ایرانی هستیم. البته تعلیم و تربیت تنها منحصر به تعلیم و تربیت رسمی آموزش و پرورش نیست. تعلیم و تربیت رسانهای و خانوادگی ما نیز باید بر همین اساس شکل بگیرد.



● تربیت از نظر اسلام از چه دوره و زمانی آغاز می‌شود؟

○ یکی از مواردی که امام عصر (ع) نیز بر آن تأکید دارند، شتاب و شروع تربیت از آغاز کودکی است. البته تربیت در اسلام از قبل ولادت اتفاق می‌افتد. توصیه‌ای در آموزه‌های دینی داریم که امام صادق (ع) فرموده‌اند: «در کنار مادران باردار قرآن بخوانید». امروزه نیز صاحب‌نظران می‌گویند انسان در دورهٔ جنینی نیز می‌آموزد. حضرت امیر (ع) نیز می‌فرمایند دورهٔ کودکی، دورهٔ آموزش است. فلذا هفت سال نخست را دورهٔ سیادت فرزندان نام می‌نهد که پدر و مادر باید پا به پای فرزند راه بروند. هفت سال بعد از سن تعلیم می‌داند. یعنی این که فرزند باید تحت تعلیم قرار گیرد.



اسلام در حوزهٔ تعلیم و تربیت نظریه دارد، سبک دارد و این نظریه باید در حوزهٔ تعلیم و تربیت ما عملی شود در حالی که ما بعد از انقلاب اسلامی، آموزش و پرورش خودمان را رنگ اسلامی زده‌ایم، اما هنوز جوهر اسلامی در آن نفوذ نکرده است

○ توصیف طرح مشارکت دانش آموزان در حفظ نظم و بهینه سازی مصرف انرژی

# این جازندگی را از دست ندهید

اختر مخبری

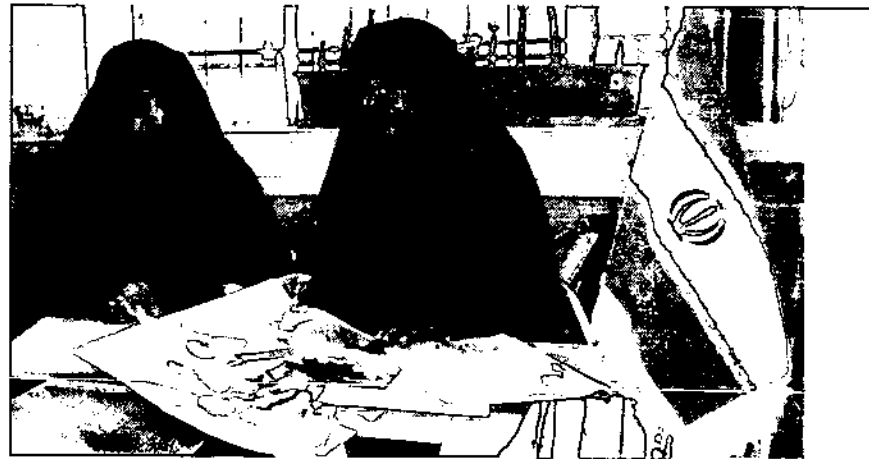
مدیر مدرسه دخترانه معاد، ناحیه ۵ - مشهد مقدس

سال تحصیلی ۷۹-۷۸ بود. به دنبال تحولی کوچک بودیم که بتواند شور و حالی به فضای مدرسه بدهد، از یکنواختی بیرون بیایم تا بچه ها بانشاط تر از قبل به مدرسه بیایند. در یک جمله، می خواستیم در مدرسه زندگی کنیم. «مشورت» با اعضای شورا و دانش آموزان اولین قدم بود.

## کلاس های موضوعی

تصمیم های جالبی گرفته شد. یکی از آن ها جداسازی کلاس های عمومی و تخصصی بود. از کلاس های ریاضی و علوم شروع کردیم. هزینه ها برآورد شد. همکاری آموزش و پرورش هم قابل تقدیر بود. برای طراحی و نقاشی کلاس ها، گرافیسٹ خوش ذوقی فرستادند.

از آن سال، دیگر دانش آموزان برای هر درس وارد کلاس ویژه آن می شوند که دیوارهایش به صورت موضوعی و به سلیقه خودشان طراحی و نقاشی شده است. وسایل کمک آموزشی هر درس، در کمندی در خود کلاس نگاه داری می شود و دیگر نیاز نیست



مشارکت با دانش آموزان در مدیریت مدرسه، آن هم از نوع دوستانه اش، می تواند اعتماد به نفس آن ها را تقویت کند

حال و هوای مدرسه بوی تازگی داشت. مانند نفسی تازه و عمیق آن قدر مرا سر شوق آورد که حیثم آمد حاشیه ای بر توصیف مدیر خوب و خلاق مدرسه ننویسم. بچه های مدرسه، مدیران کوچکی هستند که با اجرای برنامه هایی که به کمک معلم ها طراحی کرده اند، مهارت های زندگی را تمرین می کنند. من تحصیل در این مدرسه را یک «فرصت ویژه» می نامم؛ فرصتی برای آزمون و خطای همه آن چه باید در زندگی مدیریت شود.



نماینده یا معلم آن‌ها را از دفتر مدرسه به کلاس ببرند و بعد از کلاس بازگردانند. در این جا، علاوه بر دیوار کلاس‌ها، دیوارهای مدرسه هم طراحی و نقاشی شده‌اند؛ تصویرهایی از طبیعت و مطالب آموزشی که هر چند وقت یک‌بار، یا توجه به برنامه‌ریزی‌های انجام شده، تغییر می‌کنند.

### دانش‌آموزان مدیر

مشارکت با دانش‌آموزان در مدیریت مدرسه، آن هم از نوع دوستانه‌اش، می‌تواند اعتمادبه‌نفس آن‌ها را تقویت کند. ما طرحی اجرا کردیم تا به واسطه آن استعدادهای بالقوه شناخته و شکوفا شود. آن چه دست آخر نصیبمان شد، مدرسه‌ای پر شور و نشاط است که نظم آن توسط بچه‌ها کنترل و به بهترین شکل، از انرژی‌ها استفاده می‌شود.

برای شروع، مسیر صف‌ها در حیاط مدرسه را خط‌کشی و شماره‌گذاری کردیم. هر دانش‌آموزی که وارد کلاس می‌شود، روی نیمکتی می‌نشیند که با شماره صف او یکی است. همه دانش‌آموزان براساس شماره ردیف خود و روزهای ماه، نماینده روز می‌شوند. برای مثال، زهره احمدی نفر پنجم دفتر کلاس، در پنجم آبان نماینده روز است. نماینده روز در کنار نماینده دائم کلاس فعالیت می‌کند.

### همیار معلمان

چند نمونه از شرح وظایف او از این قرار است:  
- آماده‌سازی کلاس قبل از ورود دانش‌آموزان (کنترل نور، دما، نظافت، ابزار کمک آموزشی و...)  
- نوشتن حدیث روی تخته کلاس و خواندن آن در ابتدای هر ساعت درسی

- نشستن در کنار دبیر و همیاری با او. بعد از تدریس نیز اولین نفری خواهد بود که درس جدید را مرور و از دانش‌آموزان سؤال می‌کند.  
- ارائه گزارش کار روزانه به نماینده دائم و تحویل کارت نماینده روز به دانش‌آموز بعدی.

چگونگی عملکرد نمایندگان روز توسط «ناظر» کنترل و در دفتری ویژه ثبت می‌شود. در پایان هر ماه، از نمایندگان روز برتر و نیز بهترین کلاس، تقدیر می‌شود و آن‌هایی که ضعیف عمل کرده‌اند، کارت اخطار دریافت می‌کنند. کسب لوح کلاس برتر، مقامی است که هر کلاس می‌کوشد با هم‌فکری و رقابت آن را حفظ کند.

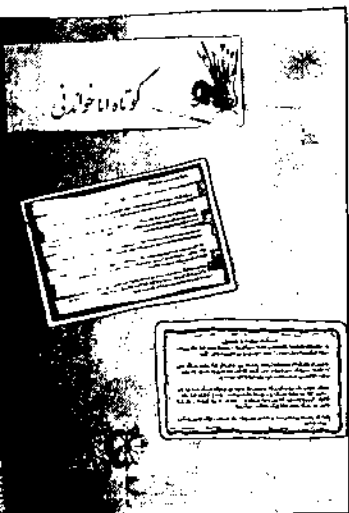
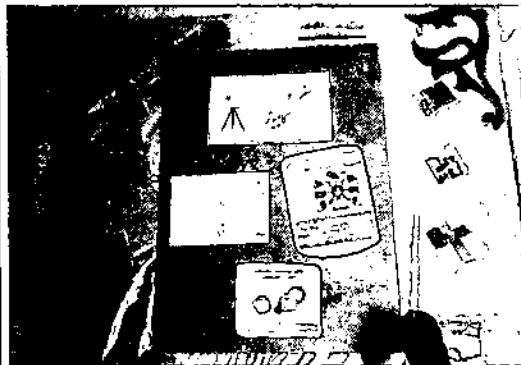
در تکمیل طرح و تحقق هدف «مدیریت با محوریت دانش‌آموز»، ماهی یک‌مرتبه اداره امور مدرسه از

مدیریت تا خدمت‌گزاری، به نمایندگان برتر روز محول می‌شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های طرح این است که دانش‌آموز توانایی‌های خودش را به آزمون می‌گذارد و در واقع حضور فعالش را ثابت می‌کند. بی‌شک در آینده، وقتی عهده‌دار مسئولیت‌های سنگین شود، این تجربه به کمک او خواهد آمد. مدرسه برای او فضای آزمون و خطای ایمنی را فراهم می‌کند.

### جهاد اقتصادی

یکی دیگر از نتایج خوب این طرح، صرفه‌جویی و مصرف بهینه انرژی‌هاست. نماینده روز با کنترل دما و نور کلاس، بازوبسته کردن به موقع پنجره‌ها و نگهداری از وسایل کمک آموزشی که با کمک بچه‌ها انجام می‌شود، هزینه‌ها را پایین می‌آورد. اولیای دانش‌آموزان می‌گویند از سال تحصیلی ۱۳۷۹، بعد از اجرای این طرح، فرزندانشان مصرف انرژی در خانه را هم مدیریت می‌کنند.

طرح «مشارکت دانش‌آموزان در مدرسه» در این چند ساله آن قدر خوب جا افتاده است که اگر روزی قرار باشد گروهی از آموزش و پرورش یکی از شهرستان‌ها از مدرسه بازدید کنند، کافی است این موضوع به اطلاع دانش‌آموزان برسد. ظرف نیم ساعت، دبیران از میان دانش‌آموزان داوطلب، گروهی را انتخاب می‌کنند تا کنترل نظم و نظافت مدرسه را در اختیار بگیرند. ما به دانش‌آموزان می‌آموزیم انضباط کسب کردنی است نه کسر کردنی.



رضامندی



# مشاغل پرستارها هستند معلم‌ها را

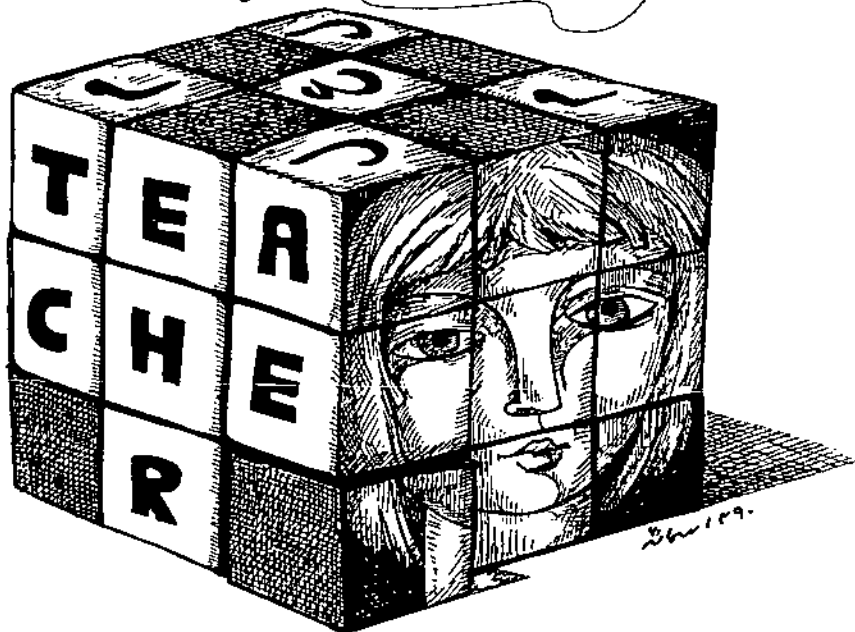
با مدرسه قبلی ام فرق‌های زیادی داشت و من نمی‌توانستم خودم را با آن وفق دهم. خیلی هم خجالتی بودم. معلم‌ها آدم‌های خوبی بودند و خوب درس می‌دادند. اما هر از چندگاه، یکی از معلم‌ها چیزهایی درباره‌ام به مادرم می‌گفت و پند و اندرزها در سر میز شام پی‌گیری می‌شد. متنفر بودم از این‌که مراقبم بودند و درباره‌ام صحبت می‌کردند. به‌طور کینه‌ورزانه‌ای عهد کرده بودم تحت هیچ شرایطی معلم نشوم. در دانشگاه از درس‌های «تعلیم و تربیت» نمره‌های خوبی نگرفتم. بعد از دانشگاه، با این‌که مدتی به مترکردن خیابان‌ها مشغول بودم، اما به معلمی فکر نمی‌کردم تا این‌که یک روز احساس کردم صبح‌ها در خانه ماندن کسل‌کننده است. موقع ناهار صفحه‌ی نیازمندی‌های روزنامه را ورق می‌زدم. دیدم در شهر کی که یک ساعت از محل ما فاصله داشت و من چیزی درباره‌اش نشنیده بودم، معلم نیاز دارند.

بعد از ظهر رفتم دنبالش و از دوشنبه بعد شروع کردم به تدریس. وارد کلاس که شدم، واقعاً نمی‌دانستم چه کار کنم. موضوع را خیلی دست‌کم گرفته بودم. می‌خواستم تا آخر سال را در آن مدرسه کوچک بگذرانم و سر فرصت یک شغل «واقعی» پیدا کنم.

حالا چهل سال از آن زمان می‌گذرد و من در تمام این مدت، به کاری غیر از معلمی تمایل نداشته‌ام. هر طور بود، در شغلم پیشرفت کردم - همان‌طور که شروع کرده بودم - اما همه چیز بر حسب اتفاق پیش رفت نه از روی برنامه‌های حساب شده.

حالا تدریس را شغل مناسبی برای خودم می‌دانم. کار من ایجاد رضایت در شاگردان است و غالباً به خاطر این کارم احساس غرور می‌کنم. از تجربه‌های موفق و ناموفق خودم چیزهای زیادی درباره تدریس خوب و با کیفیت یاد گرفته‌ام. همین‌طور از تماشای معلم‌هایی که عالی تدریس می‌کرده‌اند، خیلی الهام گرفته‌ام. در این‌جا از تمام عواملی

کارول آن تامپسون  
ترجمه: حبیب یوسفزاده



هیچ وقت نمی‌خواستم معلم شوم. مادرم معلم بود؛ از آن معلم‌های قوی. در اوایل نوجوانی، به مدرسه‌ای که در آن تدریس می‌کرد، رفتم. برایم سال ملال‌انگیزی بود. من شاگرد تازه وارد کلاس‌مان بودم. تازه به این شهر آمده بودیم. برای کلاس ششم قدم خیلی دراز بود. این مدرسه

که تدریس مؤثر را شکل می‌دهند، چند نکته را که به نظر ماساسی ترند، یادآور شده‌ام.

### جایگاه مناسب خود را بیابید

هر معلم تازه کاری به دنبال جایی است که بتواند بی‌محابا تلاش و کشف کند. در سه سال اول، به عنوان معلمی ناخواسته، هر سال در محیط متفاوتی درس می‌دادم و در هر کدام مطالب فراوانی می‌آموختم. دو تا از این مدرسه‌ها محیط مسمومی داشتند؛ اما سومی خوب بود. از تدریس در هیچ کدام پشیمان نیستم. اگر اوایل خدمت مدتی طولانی در یک مدرسه می‌ماندم، هرگز معلم خوبی نمی‌شدم.

چهارمین مدرسه‌ای که در آن درس دادم، کاملاً دل‌خواه من و نسبتاً کوچک بود. در مدرسه‌های بزرگ‌تر گم می‌شدم و به چشم نمی‌آمدم. وقتی تدریس در آنجا را شروع کردم، مسئولان مدرسه برنامه آموزشی ساده و انتظارات کمی داشتند. از این نظر نیز برایم مناسب بود. در مدرسه‌ای خیلی پیشرفته، ممکن بود احساس ناکامی کنم. مدیر ناحیه غالباً از ایده‌های جدید استقبال می‌کرد. به این ترتیب، جای مناسبی برای تدریس خلاق بود.

طی سال‌ها، آن منطقه، ناحیه آموزش و پرورش، مدرسه و خود من، به طور هماهنگ رشد می‌کردیم و متحول می‌شدیم. این باعث شد در طول بیست سال، همیشه با موقعیت‌های تازه و چالش برانگیز مواجه باشم. ترک آنجا برایم دشوار بود و خیلی دلم می‌خواست در جایی که موجب رشد من شده بود، به تدریس ادامه دهم. اما وقتی مدیر ناحیه به طور تصادفی عوض شد، فرصتی پیش آمد تا به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه، مشغول کار شوم. به کار در دانشگاه حتی فکر هم نمی‌کردم. اما وقتی دیدم مدیر جدید ناحیه دید مثبتی نسبت به من ندارد و ماندن بیشتر می‌تواند به جای رشد، موجب فرسایشم شود، پیشنهاد دانشگاه را قبول کردم. در آن زمان نمی‌توانستم افکارم را جمع‌وجور کنم. اما حالا به این نتیجه رسیده‌ام: «جایی که تدریس می‌کنیم، ماهیت ما را شکل می‌دهد. اگر با ما مثل انسان و مثل معلم رفتار نکنند، فرسوده می‌شویم. در تدریس و زندگی اگر رشد نکنیم، باخته‌ایم. بنابراین، مدرسه، ناحیه و شهری که در آن درس می‌دهیم، باید شرایط مطلوب را برای ارتقای شغلی و شخصیتی ما داشته باشد».

### معلمی را یک دعوت فرض کنید

داشتن شغل برای کسب درآمد لازم است و همه مشاغل سالم محترم‌اند. اما شغلی که ما را فرامی‌خواند، چیز دیگری است.

چنین شغلی ما را به تحرک وامی‌دارد تا بیش از آن چه تصور می‌کرده‌ایم، باشیم و قابلیت‌هایی از خود بروز دهیم که از آن‌ها غافل بوده‌ایم. حس فراخوانده شدن ما را برمی‌انگیزد که افراد را با شکیبایی و به نحوی عمیق تحت تأثیر قرار دهیم.

روزی از دو پرستار که کار سختی در بیمارستان داشتند، پرسیدم چرا به چنین کاری تن داده‌اند؟ اولی گفت: «چون این‌جا که هستم بیشترین احساس سرزندگی را دارم». و دومی جواب داد: «چون می‌توانم به آدم‌های رنجور امید بدهم و وقتی غیر از امید چیزی برایشان نمانده، با آنان هم‌دلی کنم».

خیلی جالب بود که هیچ‌کدام به کارهای درمانی که انجام می‌دادند یا وظایف روزمره خود، اشاره‌ای نکردند. ظاهراً این‌ها اساس موفقیت شغلی آن‌ها بود. اما برای این دو نفر، دانش و مهارت شغلی، اصل نبود، بلکه وسیله‌ای بود در خدمت هدفی بزرگ‌تر.

معلم‌های بزرگ مثل آن پرستارها هستند. احساس می‌کنند فراخوانده شده‌اند تا جان کودکان را به معرفت پیوند دهند. درک می‌کنند که مروج خرد جمعی بشری هستند؛ خردی که در قالب نظام تعلیم و تربیت به کودکان القامی شود تا از زندگی خود بهره بیشتری ببرند. به ما فهم و فراگیرندگان آن‌ها نگاهی احترام‌آمیز دارند و استعدادها را شکوفا می‌کنند. هم‌چنین با تدریس پویا و ثمربخش خود، شأن درس و شاگرد را بالا می‌برند.

### بدانید که نمی‌دانید

معلمان خوب هرگز دچار توهم استغنا نمی‌شوند. بهترین معلمانی که سراغ دارم، آن‌هایی هستند که متواضعانه به دنبال یادگیری بیشترند. هیچ وقت بر طبل «دانایی» نمی‌کوبند. معلمان خوب هر روز در پی آن هستند که قابلیت خود را برای کاوش در عمق وجود شاگردان ارتقا و دیدگاه‌های آموزشی‌شان را گسترش دهند. می‌دانند که هر چه زندگی شاگردان را غنی‌تر کنند، بر غنای خودشان نیز افزوده می‌شود. این معلمان همیشه فرصت‌های پیشرفت حرفه‌ای را رصد می‌کنند. همواره درباره تعلیم و تربیت مطالعه می‌کنند. وقتی ناحیه یا مدرسه نیازهای آموزشی آن‌ها را برآورده نسازد، خودشان دست به کار می‌شوند و مهارت حرفه‌ای خود را افزایش می‌دهند. دو سال قبل که کارگاه آموزشی چند روزه‌ای برپا کرده بودم، آقای مسن در کلاس نظرم را جلب کرد. سؤال‌هایش جالب بود و نشان می‌داد ایده‌های زیادی در سر دارد. زنگ تفریح برای سؤال دیگری نزد من آمد. بین صحبت‌ها اشاره کرد که پس از چهل سال تدریس در مدرسه، به زودی بازنشسته خواهد شد. اولین واکنش من

اگر اوایل خدمت مدتی طولانی در یک مدرسه می‌ماندم، هرگز معلم خوبی نمی‌شدم

پیرمرد گفت: با خودم عهد کرده‌ام تا وقتی معلم هستم، هر روز نکته جدیدی یاد بگیرم

این بود که: چرا در آستانه بازنشستگی، در یک دوره ضمن خدمت نسبتاً دشوار شرکت کرده است.

پیرمرد که از سؤال من تعجب کرده بود، گفت: «آه، من با خودم عهد کرده‌ام تا وقتی معلم هستم، هر روز نکته جدیدی یاد بگیرم. چهل سال به این عهد وفادار بودم و تا روزی که برای آخرین بار در کلاس را پشت سرم ببندم هم وفادار خواهم ماند.» سپس کمی مکث کرد و ادامه داد: «در غیر این صورت چه طور می توانستم نیازهای شاگردانم را برآورده کنم؟»

### خودتان را با کیفیت عجیب کنید

رسیدن به کیفیت مناسب در معلمی، فوت و فن‌هایی دارد. با همکاری که از استانداردهای حرفه‌ای بالایی برخوردارند، روابط دوستانه خود را گسترش دهید. چنین مدرسانی تقریباً در هر مدرسه‌ای یافت می‌شوند و هم‌دلی با آن‌ها می‌تواند تأثیر زیادی در ارتقای حرفه‌ای شما داشته باشد. وقتی ساعت‌هایی را با همکاری می‌گذرانیم که مرتب به ساعتشان نگاه می‌کنند یا بهانه‌های زیادی دارند که هر چیز برهم‌زننده وضع موجود را نفی می‌کند، به احتمال زیاد انگیزه‌هایمان نه تنها تقویت نخواهد شد، بلکه فروکش خواهد کرد.

من تدریس خوبم را مدیون همکاری هستم که راه‌های دست‌یابی به سطح بالای کیفیت را به من آموختند. همه آن‌ها تقریباً هم‌سن من بوده‌اند؛ به ویژه خانم گاردنو<sup>۱</sup> که در شروع ناخواسته معلمی‌ام، در کلاس بغلی من درس می‌داد. او سال‌های پایانی خدمتش را طی می‌کرد و تمام کارهایش را به بهترین نحو ممکن انجام می‌داد. به سؤال‌های پیش پا افتاده من جواب‌های مؤثری می‌داد. وقتی ناامید بودم، تشویق می‌کرد و راه‌هایی پیشنهاد می‌کرد که انجام آن‌ها از من ساخته بود.

به عنوان معلمی با سابقه، از همکاران تازه وارد اما درجه یک، هم چون جورج مورفی<sup>۲</sup> نیز نکات زیادی یاد گرفتم. معلم‌هایی مانند جورج که سرشار از انرژی فوق‌العاده جوانی بودند، از روش‌هایی بهره می‌بردند که برایم تازه‌گی داشت. برای مثال، جورج روش تحقیق علمی را به طور غیرمستقیم و مؤثر به دانش‌آموزان زیست‌شناسی دبیرستان یاد می‌داد. به این ترتیب که با کمک دانش‌آموزان سال قبل، یک سایت باستان‌شناسی ساختگی ایجاد کرده و فسیل‌هایی را در آن جا دفن کرده بود. او از دانش‌آموزان سال جدید می‌خواست سایت ایجاد شده توسط پارسانی‌ها را حفاری و براساس چیزهایی که پیدا می‌کنند، فرضیه‌سازی کنند. سپس برای آن‌ها که مطلب را خوب درک کنند، تشویقشان می‌کرد آن‌ها نیز وبگاهی باستان‌شناسی برای دانش‌آموزان سال بعد ایجاد

کنند. طی این پروژه، دانش‌آموزان با تردیدها و ابهامات علمی دست‌وپنجه نرم می‌کردند، دنبال راه حل می‌گشتند، فرضیه می‌ساختند، نتایج را می‌آزمودند و... پس بهتر است دوستی‌های شغلی شما از نوعی باشد که کارایی‌تان را افزایش دهد نه آن‌که بکاهد.

### انرژی خود را تأمین کنید

تردیدی نیست که در تمام کوشش‌های بشری، موفق‌ترینها سخت‌کوش‌ترینند. مالکوم گلاذول<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) در کتابی با عنوان «پیش‌تازان»، زندگی افراد ساختار شکن در زمینه‌های گوناگون، از موسیقی گرفته تا فناوری را بررسی می‌کند و توضیح می‌دهد که این‌ها موفقیت خود را بیشتر مدیون پشتکار خود هستند تا نبوغشان. این مطلب در مورد تدریس خوب نیز کاملاً صادق است. خیلی از معلم‌ها ممکن است بگویند «مگر ما کم تلاش می‌کنیم؟» اما آن‌چه سخت‌کوشان ناموفق را از معلم‌های موفق متمایز می‌کند، این است که روش کار موفق‌ها «حیاکننده» است؛ آن‌ها از آن‌چه انجام می‌دهند، انرژی می‌گیرند و به حالتی دست می‌یابند که می‌هالی<sup>۴</sup> (۱۹۹۰) آن را «شیدایی» می‌نامد و آن عبارت است از احساس رضایت بالایی که در آن، شخص با کارش پیوند عمیق برقرار می‌کند و کار برایش حکم پاداش را می‌یابد. تدریس برای این افراد منبع تأمین انرژی است و نه عامل تحلیل رفتن آن.

بیشتر معلم‌هایی که می‌شناسم، بیرون از کلاس، علاقه‌هایی دارند که قدرت تدریس آن‌ها را احیا می‌کند؛ علاقه‌هایی که نه تنها به عنوان منبع تغذیه تدریس آن‌ها عمل می‌کند، بلکه عامل روشن‌بینی‌شان می‌شود. معلمی را به یاد دارم که می‌گفت: «علاقه‌اش به کوه‌نوردی، نکاتی را درباره خودش و ماهیت تدریس برایش آشکار کرد که در هیچ جای دیگر نمی‌توانست درک کند.»

یادمان باشد که هیچ دستورالعمل حاضر و آماده‌ای برای تبدیل شدن به معلم کاملاً موفق وجود ندارد. اما تدریس عالی مانند تمام کوشش‌های متعالی بشر، در اقدام مؤثر ما برای یافتن جایگاه درست خویش، اهداف بلند، سخت‌کوشی و پشتکار ریشه دارد. خبر خوب این‌که تمام این‌ها در دسترس ماست.

بی‌نوشت

1. Carol Ann Tomlinson
2. Gardner
3. George Murphy
4. Malcolm Gladwell
5. Mihaly Csikszentmihalyi

منبع

در تدریس و زندگی اگر  
رشد نکنیم، باخته‌ایم

نقد  
آموزشی

# سفرن و خدا با دو چرخه

گردآوری: علی اصغر جعفریان

وقتی هدیه‌ها خیلی زیاد شده بودند. خداوند گفت: «همه‌شان را ببخش. باز زیادی هستند. خیلی سنگین اند!» و من همین کار را کردم و همه هدایا را به مردمی که سر راهمان قرار می‌گرفتند، دادم و متوجه شدم که در بخشیدن است که دریافت می‌کنم. حالا دیگر بارمان سبک شده است. او همه رمز و رازهای دوچرخه سواری را بلد است. او می‌داند چه طور از پیچ‌های خطرناک بگذرد، از جاهای مرتفع و پوشیده از صخره با دوچرخه بپرد و اگر لازم شد، پرواز کند...

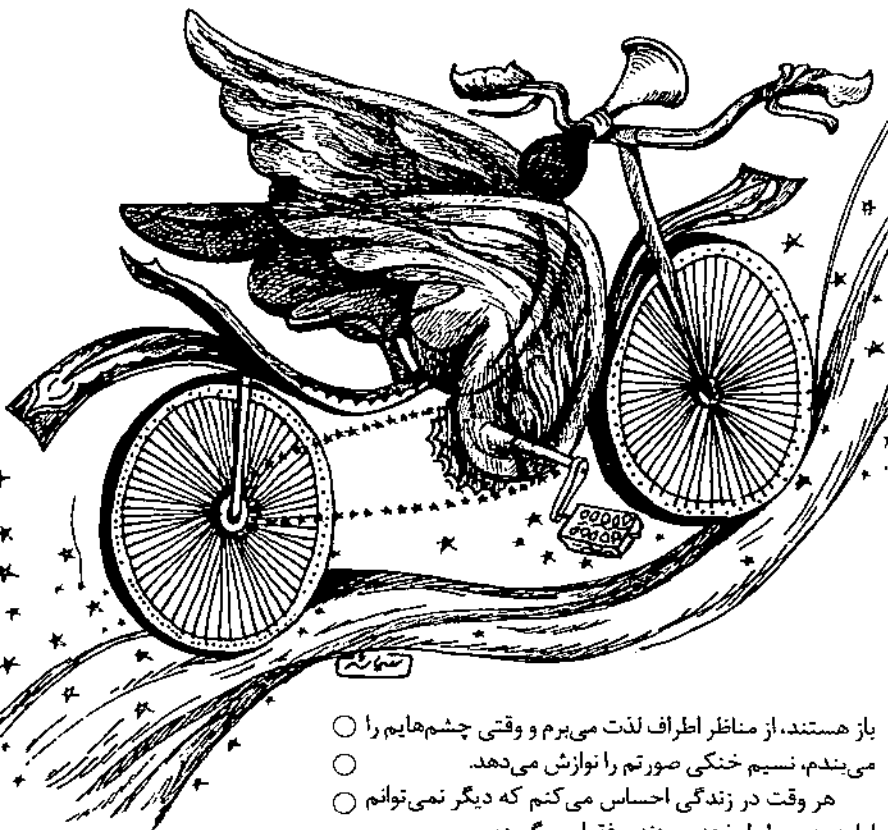
من یاد گرفته‌ام چشم‌هایم را ببندم و در عجیب‌ترین جاها، فقط شبیه به او رکاب بزنم. این طوری وقتی چشم‌هایم

زندگی کردن مثل دوچرخه سواری است. آدم نمی‌افتد، مگر این که دست از رکاب زدن بردارد. اوایل خداوند را فقط یک ناظر می‌دیدم؛ چیزی شبیه قاضی دادگاه که همه عیب و ایرادها را ثبت می‌کند تا بعداً تک‌تک آن‌ها را به رخم بکشد. به این ترتیب، خداوند می‌خواست به من بفهماند که من لایق بهشت رفتن هستم یا سزاوار جهنم. او همیشه حضور داشت، ولی نه مثل یک خدا، که مثل مأموران دولتی. ولی بعدها این قدرت متعال را بهتر شناختم و آن موقعی بود که حس کردم زندگی کردن مثل دوچرخه سواری است؛ آن هم دوچرخه سواری در جاده‌ای ناهموار!

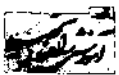
اما خوبی‌اش به این بود که خدا با من همراه بود و پشت سر من رکاب می‌زد. آن روزها که من رکاب می‌زدم و او کمکم می‌کرد، تقریباً راه را می‌دانستم، اما رکاب زدن دانمی، در جاده‌ای قابل پیش‌بینی، کسلم می‌کرد، چون همیشه کوتاه‌ترین فاصله‌ها را پیدا می‌کردم.

یادم نمی‌آید کی بود که به من گفت جاهایمان را عوض کنیم، ولی هر چه بود، از آن موقع به بعد، اوضاع دیگر مثل سابق نبود. خدا با من همراه بود و من پشت سر او رکاب می‌زدم. حالا دیگر زندگی کردن در کنار یک قدرت مطلق، هیجان عجیبی داشت. او مسیرهای دل‌پذیر و میان‌برهای اصلی را در کوه‌ها و لبه پرتگاه‌ها می‌شناخت و از این گذشته، می‌توانست با حداکثر سرعت براند. او مرا در جاده‌های خطرناک و صعب‌العبور، اما بسیار زیبا و باشکوه به پیش می‌برد، و من غرق سعادت می‌شدم؛ گاهی نگران می‌شدم و می‌پرسیدم، «داری منو کجا می‌بری؟» او می‌خندید و جوابم را نمی‌داد و من حس می‌کردم دارم کم‌کم به او اعتماد می‌کنم.

به سرعت زندگی کسالت‌بارم را فراموش کردم و وارد دنیایی پر از ماجراهای رنگارنگ شدم. هنگامی که می‌گفتم «دارم می‌ترسم» برمی‌گشت و دستم را می‌گرفت. او مرا به آدم‌هایی معرفی کرد که هدایایی را به من می‌دادند که به آن‌ها نیاز داشتم؛ هدایایی چون عشق، پذیرش، شفا و شادمانی. آن‌ها به من توشه سفر می‌دادند تا بتوانم به راهم ادامه بدهم؛ سفر ما، سفر من و خدا. و ما باز رفتیم و رفتیم...



- باز هستند، از مناظر اطراف لذت می‌برم و وقتی چشم‌هایم را
- می‌بندم، نسیم خنکی صورتم را نوازش می‌دهد.
- هر وقت در زندگی احساس می‌کنم که دیگر نمی‌توانم
- ادامه بدهم، او لبخند می‌زند و فقط می‌گوید:
- «رکاب بزن...»





# شما نویسنده‌اید



جعفر ریائی

- این حرف بی‌جایی نیست اگر کسی بگوید که «هر معلمی باید نویسنده باشد». حداقل این است که معلمان باید دست‌کم از عهده نوشتن مطلبی به صورت بیان تجربه، مطالعه، گزارش و... در حوزه کار خود بر آیند؛ خواه معلم ریاضی، یا علوم، ادبیات، شیمی، معارف و...

هر هفته تعداد نسبتاً زیادی نامه و نوشته به دفترهای مجلات رشد می‌رسد که بخشی از آن‌ها را «مقاله»‌ها تشکیل می‌دهند و نویسندگان آن‌ها هم به حق انتظار دارند نوشته‌شان در مجله چاپ شود. اما بسیاری از این مقاله‌ها در مرحله بررسی کارشناسانه مقبول واقع نمی‌شوند و به دلایل گوناگون از چاپ می‌مانند. یکی از این دلایل، ضعف نوشتاری است. یعنی نوشته یا مقاله در حدی از پختگی و کمال نیست که بتوان آن را در مجله‌ای قرار داد که هزاران مخاطب عمده تا فرهیخته، یعنی معلم، دارد. بر این اساس، شورای برنامه‌ریزی مجله تصمیم دارد در سال جاری مجموعه نوشتارهایی را با عنوان «دعوت به نوشتن»، در مجله چاپ کند. این نوشتارها عمدتاً جنبه علمی و کاربردی خواهد

داشت. در پایان هر شماره نیز یک یا دو موضوع مطرح می‌شود و از خوانندگان - بهتر بگوییم نویسندگان - خواهیم خواست نوشته‌های خود را درباره آن برای مجله ارسال کنند. در پایان سال به تعدادی از بهترین نوشته‌ها هدایایی داده خواهد شد. رشد

\*\*\*

خاطر ه. تجربه، مشاهده و...

شادروان نادر وزین پور (۱۳۷۵-۱۳۰۵) که با تألیف کتاب‌های درسی نگارش و نیز چند جلد کتاب دیگر، خدمت شایانی به امر «نوشتن» کرد، معتقد بود که قبل از اقدام به نوشتن، باید سه گام اساسی برداشت:

- عزم درست و اراده استوار برای آموزش و پی‌گیری کار تا کسب مهارت.
- اعتمادبه‌نفس و اجتناب از بیم و هراس بیهوده که یادگار دوره تحصیل در مدرسه است.
- تخصیص اوقاتی مناسب برای مطالعه و نوشتن و تهیه وسایل کار.

با فرض این که همه خوانندگان این مجموعه، سه گام مورد نظر را برداشته‌اند، می‌گوییم: مخاطب ما در این نوشتارها در درجه اول «معلمان نویسنده»‌اند؛ هم‌چنین معلمان کتاب‌خوان، روزنامه‌خوان، مجله‌خوان و به طور کلی معلمانی که دغدغه علم و فرهنگ دارند و به اصطلاح «امورآتشان» بدون کتاب و قلم و نوشتن و کتاب‌خانه و این مقولات نمی‌گذرد. پس برای این مخاطبان، ضرورتی به بیان مقدمات نویسندگی نیست، چون خودشان این مقدمات را می‌دانند و اگر هم ندانند، می‌دانند که چگونه به آن‌ها دسترسی پیدا کنند. فرض ما این است که شما «دانش» نوشتن را دارید، اما در «توانش» یا همان مهارت مشکل دارید، چرا که تن به نوشتن نمی‌دهید و گام اول را بر نمی‌دارید تا گام دوم به دنبالش بیاید. ما در این مجموعه سعی خواهیم کرد تنها حول چند موضوع مطالبی را به شما همکاران تقدیم کنیم: خاطرات، تجربیات، مشاهدات/توصیف و گزارش/مقاله/کتاب خواندن، معرفی کتاب و نقد کتاب. امید است این نوشته‌ها به شما کمک کند تا گام اول را هر چه زودتر بردارید.

ساده‌ترین نوع نوشتن، نوشتن خاطرات، مشاهدات و تجربه‌هاست؛ یعنی نوشتن آن‌چه که می‌گوییم و دیگران می‌شنوند! چرا؟ زیرا بیان آن ساده است و به‌واژگان مشکل و عبارت‌پردازی و تحلیل و استدلال نیاز ندارد؛ شنوندگان (خوانندگان) علاقه دارند آن را بشنوند (یا بخوانند)، زمینه و سوژه آن هر لحظه در دسترس است و در هر لحظه و هر جا می‌توان آن‌ها را بیان کرد یا نوشت؛ و لذا خلاق‌تر

رشد  
شماره ۱ مهر ۹۰  
دوره ۱۷



از نوشته‌های سنگین و رسمی خواهد بود. به گمان ما معلمان، اگر توجه کنند، هر روز با جلوه تازه‌ای از حیات و حرکت در دانش‌آموزان خود روبه‌رو می‌شوند. از این جهت نسبت به صاحبان بسیاری از مشاغل، امکان بیشتری برای نوشتن خاطرات و تجربه‌هایشان دارند. نگارنده در سال‌های دهه اول خدمت معلمی خود، روزی با خواندن خاطرات روزانه یکی از دولتمردان معاصر، ناگهان تصمیم گرفتم هم‌چون او، خاطرات روزانه خود را بنویسم. پس از همان روز دفتر و قلمی برداشتم و کار را آغاز کردم و آن را جدی گرفتم و ادامه دادم. حاصل آن کار اکنون به بیش از ۲۰ دفتر رسیده است که بازخوانی آن‌ها از شیرینی خاصی برخوردار است. در این جا چهار مورد از آن خاطرات را بیان می‌کنم و در پایان دست طلب به سوی شما دراز می‌کنم:

**سه‌شنبه ۱۳۶۸/۱۰/۱۹**

امروز روز پر مشغله‌ای بود. می‌توانم به جرئت بگویم که ما، یعنی مجموعه مدیریت که خودم نیز یکی از آن‌ها هستم، کار تربیتی با رانده‌مان در این هنرستان انجام نمی‌دهیم. مثلاً امروز دو نفر را که دیروز چاقو درآورده بودند، اخراج کردیم. کل هنرجویان دوم برق را به خاطر تعطیل کردن دسته‌جمعی کلاس، از درس محروم کردیم. ادوین سرکیسیان را به خاطر غیبت زیاد به مدرسه راه ندادیم. سه نفر هنرجوی اول شیمی را بعد از تویبخ و تهدید شفاهی به کلاس فرستادیم... خلاصه کار مادر این مرکز به اصطلاح آموزشی، این‌گونه می‌گذرد. نمی‌دانم کار تربیتی می‌کنیم یا کار دیگری. آیا به دور خود می‌چرخیم؟ البته مکرر پیش آمده است که پدر و مادرهایی آمده و از زبان بچه‌هایشان که هنرجوی ما هستند، از ما تشکر می‌کنند و اظهار می‌دارند که سال گذشته که شماها نبودید، این‌جا خیلی نابسامان بود، ولی امسال خوب است. اما نباید دل خوش کنیم و از آب‌های زیرکانه غافل شویم.

**یکشنبه ۱۳۶۸/۱۲/۲۰**

در مجله نشر دانش، شماره پنجم سال نهم، مطلبی خواندم جالب: «مأموران آگاهی دزدان یک گنجینه نفیس و عتیقه و کتب قدیمی را دستگیر کرده و اموال را بازپس گرفته و به صاحب آن پس دادند. گنجینه متعلق بوده است به دکتر حسین ثقفی اعزاز فرزند دکتر خلیل خان اعلم‌الدوله، پزشک مخصوص مظفرالدین‌شاه. نکته جالب در این خبر این‌که: در این مجموعه، آثار بسیار با ارزش و منحصر به فردی وجود دارد از جمله: متن اصلی استغای لویی سوم، پادشاه فرانسه، و یک نسخه خطی دیوان مولانا (مثنوی) به قلم فرزندش بهاء‌الدین ولد.

**شنبه ۷۰/۲/۱۴**

احمد آرام را از دوره نوجوانی می‌شناختم. امروز با دوچرخه از کنار پل خواجه رد می‌شدم که دیدم اعلام

کرده‌اند استاد احمد آرام برای دبیران علوم اجتماعی و دینی در سالن هلال احمر در ساعت ۴ سخنرانی می‌کند. تصمیم گرفتم بروم و به سخنرانی او گوش کنم و رفتیم. پیرمردی با محاسن سفید و اندکی خمیده، عصاران وارد شد. با چهره‌ای که تواضع مسلمانی از آن می‌تراوید... از مجموع جلسه امروز چند نکته بیشتر جلب توجه مرا کرد: آرام گفت در زمینه شعر ما می‌توانیم هر چه خواهیم بگوییم و هر روز دیوانی بر دیوان شاعران اضافه کنیم، اما کتاب علمی نوشتن قاعده دارد... و بعد رفت داخل بحث ترجمه و لغت‌شناسی و برابر‌گذاری برای کلمات خارجی و... در ادامه مطالبی راجع به «معلم خوب» گفت، و جالب این‌که شاگردش محمد مهریار را که پس از سال‌ها معلمی و استادی دانشگاه، اکنون بازنشسته شده، هنوز به یاد داشت. چون گفت: امروز خوش حال شدم که آذر اصفهان آشاگرد قدیم خود را دیدم، و البته چون او اسمش را از محمد نجفی به مهریار تغییر داده بود، اول نشناختم، ولی چون فهمیدم همان محمد نجفی است، یادم آمد که این‌ها دو تا شاگرد به نام محمد نجفی بودند در یک کلاس.

**شنبه ۸۳/۷/۱۸**

به حساب شناسنامه‌ام، امروز سال‌روز تولد خودم است. ۵۰ سال گذشت. نیم قرن. و از فردا نیمه دوم قرن، قری که آن را به پایان نخواهم رساند، آغاز می‌شود: ۱۸ مهر ۱۳۳۳ شمسی در شناسنامه ثبت است، اگرچه چند ماهی زودتر از این تاریخ متولد شده‌ام. این را مادرم می‌گوید. به هر حال گذشت. من به نبودن معمولاً بیشتر فکر می‌کنم تا به بودن. و البته این غیرمستقیم خود ناشی از توجهی است که به بودن دارم. کم‌کم دارم می‌فهمم این‌که در کودکی و بعد از آن همواره در دعاها می‌خوانیم که: خدایا تو را شکر می‌کنیم که ما را آفریدی، چه معنای عمیقی دارد. بودن و نفس کشیدن، البته همراه با وقوف به بودن، عظیم‌ترین نعمتی است که خدا به بنده‌اش داده است. ولی غالباً ماها بدان توجه نداریم. دوستم آقای غفاریان روزی از قول شادروان احمد بیروشک می‌گفت: نگویند فلانی در «قید حیات» است، حیات قید نیست، بلکه اصل وجود ما در همین حیات است (الدنيا مزعه الاخرها).

با این شعر حافظ امروز را به پایان برسانم:

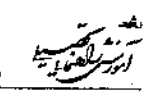
بر لب بحر فنا منتظریم ای ساقی

فرستی دان که ز لب تا به دهان این همه نیست

\*\*\*

حالا شما معلمان عزیز: با توجه به آن‌چه در بالا

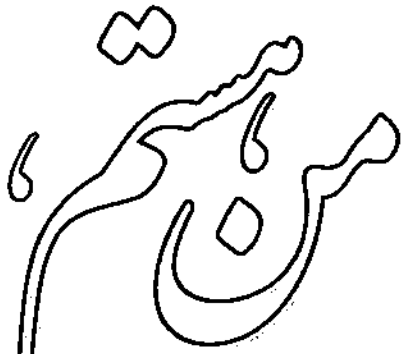
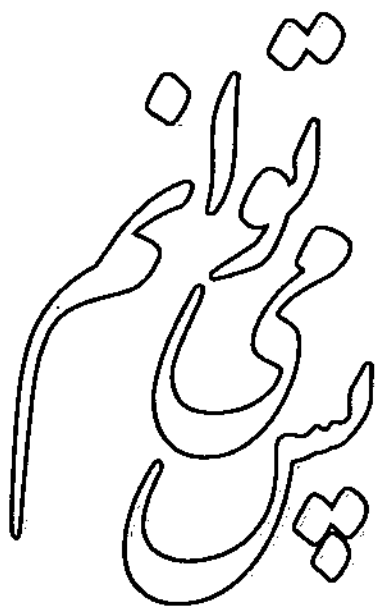
خواندید، برای ما بنویسید و بفرستید؛ خاطره، تجربه، مشاهده... و هر نوشته‌ای که از ذهن‌تان می‌تراود و با قلم روی صفحه جاری می‌گردد.



صدف مرواریدی

طراح جشنواره الگوهای برتر تدریس معلم‌یار در مدرسه راهنمایی دخترانه معاد، ناحیه ۵ - مشهد مقدس

تمرین معلمی



در طراحی اولیه جشنواره، چند هدف تعریف شد از جمله

- ایجاد فرصتی برای تقویت اعتمادبه‌نفس در دوره‌های سنی که دانش‌آموز می‌خواهد ثابت کند من هستم، پس می‌توانم.
- ایجاد انگیزه برای دانش‌آموزان مستعد به منظور علاقه‌مند شدن به شغل معلمی.

- فراهم کردن موقعیت برای آزمون و خطای تمرین معلمی تا با مسئولیت‌های این حرفه آشنا شوند.
- کمک به شکوفا شدن استعدادها و بروز خلاقیت.
- تقویت حس هم‌کاری در کنار تجربه مسئولیت‌پذیری.

- ایجاد تنوع در برنامه‌های کلاسی.
- شناسایی معلم‌یارهای برتر برای تدریس در کلاس‌های تقویتی.

ملاک‌های ارزیابی هم در دو دسته تدوین شدند:

۱. فعالیت‌های مقدماتی (مهارت‌های شروع ارتباط با دانش‌آموزان، چیدمان کلاس، ارزش‌یابی تشخیصی).
۲. فرایند یاددهی یادگیری (تسلط به موضوع تدریس، اعتبار مطلب‌های ارائه شده، شیوه بیان و حرکت‌های مطلوب، استفاده از وسایل کمک آموزشی،

نقطه شروع فقط ایده‌ای کوچک و ساده بود؛ مانند اولین قطره‌های بارانی که به زمین گرم و مستعد می‌خورند و زندگی را به جریان می‌اندازند. هر چه بود، شور و شوق مدیر مدرسه و خلاقیت بچه‌ها بود که از این پیشنهاد ساده، طرحی علمی پژوهشی ساختند؛ طرحی که برای بچه‌ها تمرین معلمی بود و برای معلم‌ها آشنایی با شیوه‌های جدید تدریس از نگاه دانش‌آموزان. سال تحصیلی ۸۶-۸۷ گاهی دانش‌آموزان علاقه‌مند این مدرسه، در نقش معلم‌یار، به تدریس، پرسش و حل تمرین می‌پرداختند. نتیجه‌های خوب به کارگیری این شیوه باعث شد پیشنهاد برگزارای جشنواره مطرح شود.

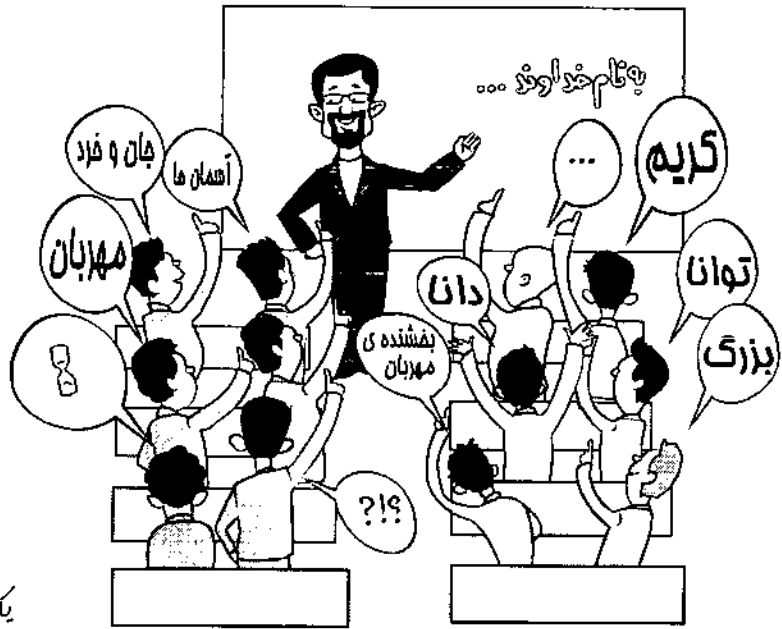
بچه‌ها با هوشیاری معلم‌هایشان را به این باور می‌رساندند که دیگر وقت آن شده است تا در انتخاب روش تدریس، به شرایط سنی، جنس و موقعیت اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزانشان توجه ویژه نشان دهند



به کوشش: محمد شاکر،  
مهدي رضاييان

پيش زمينه‌ار تباط آموزشي، ارتباط عاطفي است.

# حماکار



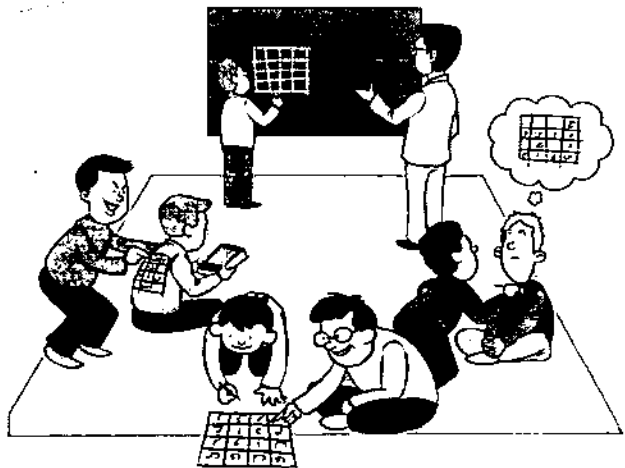
يکي از مؤثر ترين روش‌هاي غير رسمي آموزش مفاهيم علمي، شيوه‌سرگرمي و بازي، است.



بازي زنجير کلمات

اين بازي در موضوعات کوناگون و به روش‌هاي فردي و گروهی قابل اجراست  
مثال: موضوع: نام حيوانات، روش گروهی  
نوعه اجرا: در مدت زماني مشخص، مثلاً ۲۰ ثانيه، نام حيوانات را به ترتيبی روی  
ملقه‌هامی نوسيم که آخرين حرف کلمه قبلي، اولين حرف کلمه بعدي باشد. پرنده،  
گروهی است که در زمان تعيين شده، بيشترين تعداد کلمه را نوشته باشد.

کلید موفقیت آموزشی، لذت بردن دانش آموزان از یادگیری است.  
بازي جدول کلمه‌هاي چهار حرفی  
چهار کلمه در چهار ردیف افقی و چهار کلمه در چهار ردیف عمودی  
قرار می‌دهیم (کلمه‌هاي معتاد در زبان ما).



شماره ۱ مهر ۹۰  
دوره ۱۷





# حقوق نوجوان و جوان

بنابر بر اعتقاد بسیاری از کارشناسان تعلیم و تربیت که از تحقیقات به دست می آید، دیگر دوران تغییر نظام آموزشی از بالا به پایین به سر آمده است، باید از مدرسه شروع کرد و اصلاحات و برنامه‌های بهبود کیفیت را با توجه و تأکید جدی بر معلم و توسعه توانمندی‌های حرفه‌ای معلمان شروع کرد. بر این اساس، پیرو هماهنگی انجام شده بین دفتر انتشارات کمک آموزشی و مرکز برنامه‌ریزی و آموزش نیروی انسانی، مقرر شده است که مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، محتوای آموزشی دوره آموزش غیر حضوری را در شماره‌های ۱ تا ۵ (مهر، آبان، آذر و دی) با عنوان «فرهنگ تفاهم در مدرسه با کد ۹۱۳۰۱۲۵۳» و سرفصل‌های تعریف تفاهم و ضرورت و اهمیت آن در مدرسه، راه‌های برقراری تفاهم در مدرسه، گوش کردن فعال، زبان تفاهم و لحن و بیان، مهارت بیان صادقانه، طرح مسائل و بحث درباره آن‌ها، اصول رسیدن به هم‌دلی از طریق درک معانی پنهانی در هر پیام، جست‌وجوی زمینه‌های مشترک، احترام متقابل، آموختن مهارت «نه» گفتن و «حقوق نوجوان و جوان با کد ۹۱۳۰۱۲۵۳» و سرفصل‌های تعریف نوجوان، جوان و حقوق نوجوان و جوان، حقوق نوجوان و جوان از دیدگاه اسلام، حقوق نوجوان و جوان در قانون اساسی و قوانین مدنی ایران، حقوق نوجوانان و جوانان در قانون برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سابقه تاریخی توجه ملی و بین‌المللی به حقوق نوجوانان و جوانان، اقدامات حمایتی در مورد نوجوانان و جوانان، سازمان‌ها و نهادهای ملی و بین‌المللی مربوط به نوجوانان و جوانان را ارائه کند. امیدواریم شما همکاران محترم، پس از مطالعه مطالب ارائه شده، دیدگاه‌های کارشناسانه خود را به دفتر مجله اعلام کنید.

موضوع حقوق کودک و نوجوان از جمله موضوع‌های جدی و بحث برانگیزی است که در حال حاضر مورد توجه گروه‌های گوناگون اجتماعی، حقوقی و علمی قرار دارد. به طوری که از بعد علمی و کاربردی، بحث‌های زیادی پیرامون آن صورت می‌گیرد و افراد نسبت به شناخت و رابطه‌ای که با این موضوع برقرار می‌کنند، نظر می‌دهند. بی‌شک، تلاش این افراد در پرداختن به آن، پیدا کردن راه‌حل‌هایی برای دست‌یابی به زندگی بهتر است تا در سایه آن کودکان، نوجوانان و جوانان بتوانند از امنیت و آسایش بیشتری برخوردار شوند. از سوی دیگر، تبیین دقیق راه‌حل‌ها در قالب قانون و حقوق می‌تواند به شناخت بهتر جامعه، نهادهای اجتماعی و خانواده‌ها منجر شود که به نوبه خود الزامات عملی برای آن‌ها به بار خواهد آورد.

ما در این نوشتار کوشیده‌ایم نگاهی اجمالی به مبحث حقوق کودک، نوجوان و جوان داشته باشیم. مبحث حقوق کودک، نوجوان و جوان، از جمله موضوعاتی است که پرداختن به آن نیازمند توجه به



موضوع مهم‌تری است که به حوزه روان‌شناسی رشد بازمی‌گردد. زیرا بین مفهوم حقوقی و روان‌شناختی جوان و نوجوان نوعی تداخل وجود دارد که در برخی موارد، هم‌پوشی‌هایی را ایجاد می‌کند. بنابراین، پیش از ورود به بحث حقوقی آن، بهتر است جنبه‌های روان‌شناختی موضوع روشن شود.

لازم به ذکر است که مطالب پیش‌رو در چهار بخش تنظیم شده‌اند:

### روان‌شناسی رشد

از دیدگاه روان‌شناسان و کارشناسان تعلیم و تربیت، «روان‌شناسی رشد» عبارت است از: علمی که جریان تحول‌ها و تغییرهای جسمی، ذهنی، عاطفی و عملکرد اجتماعی فرد را در طول عمر، از نظر بسته شدن نطفه تا هنگام مرگ مطالعه می‌کند (سیف و دیگران، ۱۳۸۰: ۳). روان‌شناسی رشد به تمام مراحل زندگی انسان مربوط می‌شود، ولی بیشترین توجه آن به دوره کودکی و نوجوانی و هدف آن یافتن الگویی طبیعی برای زندگی کودک و نوجوان است تا از طریق آن بتوان وظیفه‌ها و مسئولیت‌های محول شده به جامعه و خانواده را بازشناسی کرد.

روان‌شناسان معتقدند، الگوی طبیعی رشد کودکان و نوجوانان در مراحل گوناگون سنی از اصول و قانون‌های مشخصی پیروی می‌کند و با وجود تفاوت‌های فردی، نوعی اشتراک در آن دیده می‌شود. اصول مشترکی که مورد توجه همه صاحب‌نظران رشد قرار گرفته است، عبارت‌اند از:

#### ۱. رشد، جریانی مرحله‌ای و پیوسته است.

رشد فرد از تشکیل نطفه تا پایان عمر، به مراحل معین و مشخصی تقسیم می‌شود که هر یک خصوصیت‌ها و ویژگی‌هایی دارند. مراحل رشد در جنبه‌های گوناگون زندگی به صورت پی‌درپی پدیدار می‌شود.

رشد از نظر اریکسون، جریان مداوم مرحله به مرحله تحول‌های زیستی، روانی و اجتماعی است (ادیس، ۱۳۵۳: ۸).

#### ۲. رشد الگوهای قابل پیش‌بینی دارد.

روان‌شناسان می‌گویند، جریان رشد از الگو و طرح معینی پیروی می‌کند. در رشد قبل از تولد، توالی و ترتیب زیستی معینی وجود دارد که در آن صفت‌های معینی در فاصله‌های ثابتی ظاهر می‌شود. در رشد بعد از تولد نیز این الگوی منظم زیستی آشکار است.

#### ۳. تفاوت‌های فردی در رشد مطرح است.

اگرچه الگوی رشد برای همه کودکان و نوجوانان یکسان است و می‌تواند الگویی عمومی برای آن‌ها باشد،

اما هر کودکی برای خود الگوی ویژه‌ای دارد. این الگوی مشخص براساس ترکیب دو عامل «وراثت» و «محیط» به وجود می‌آید.

#### ۴. رشد ابعاد گوناگون و فرایندی پیچیده دارد.

رشد، مطالعه مجموعه‌ای از تحول‌ها و تغییرهای جسمی و روانی در فرد است و باید به این دو بعد اساسی رشد (جسمانی و روانی) با هم توجه کرد.

برای مثال در هنگام بلوغ، نوجوان از نظر جنسی و جسمی با تحول و تغییرهای گسترده‌ای روبه‌رو می‌شود که در عین حال، تحول‌های گسترده‌ای از جنبه روانی (شناختی، عاطفی، ذهنی، اجتماعی و اخلاقی) را به دنبال دارد.

هر یک از این ابعاد برآیند فرد با محیط است. مطالعه‌ها نشان داده است، علاوه بر «وراثت» که در استعداد‌های ذهنی فرد نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، مجموعه عامل‌ها و شرایط تربیتی و محیطی، در رشد ذهنی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و شخصیتی افراد نقش بسزایی دارند (همان، ص ۱۹).

#### ۵. رشد دوره‌های حساس دارد.

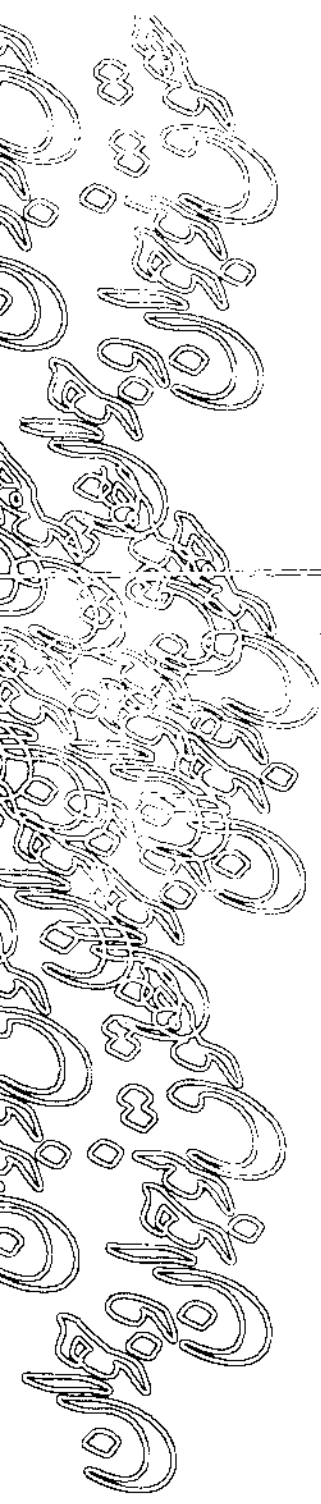
اگرچه تمام مرحله‌های رشد به صورت پیوسته و پی‌درپی اتفاق می‌افتد، ولی این مرحله‌ها از جهت‌های گوناگون با یکدیگر متفاوت‌اند و حساسیت‌های گوناگونی دارند. وقتی دوران کودکی به پایان می‌رسد، با مرحله‌ای از رشد ناگهانی دوره نوجوانی روبه‌رو هستیم که به معنای آغاز مرحله‌ای جدید است که اقتضات اجتماعی و محیطی گوناگونی را طلب می‌کند (همان، ص ۲۰). به طوری که در دوران اخیر، ژان ژاک روسو نویسنده کتاب «امیل»، دوران رشد نوجوانی را «تولد ثانوی» نامیده است (محسنی، ص ۲).

با مروری بر آن‌چه که گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که شرایط محیطی و عامل‌های زیستی بر هر یک از جنبه‌های رشد و رفتار آدمی تأثیر بسزایی دارند و اساساً پرداختن به مقوله‌ای به نام حقوق کودک و نوجوان، به این موضوع بازمی‌گردد که آحاد جامعه در فراهم کردن شرایط سالم زیستی کودک و نوجوان چه وظیفه‌ای دارند و چگونه می‌توان این احساس مسئولیت را در قالب قوانین و مقررات لازم به اجرا تدوین کرد.

قبل از پرداختن به مفاهیم حقوقی، لازم است به عامل‌های محیطی، به عنوان شرایط مؤثر بر رشد و تربیت کودک و نوجوان، اشاراتی داشته باشیم.

#### محیط و فرایند رشد

بیشتر گفتیم، روان‌شناسان به تأثیر دو عامل «وراثت» و «محیط» در به وجود آوردن فرایند رشد





توجه دارند و معتقدند، می‌توانیم با تأثیر گذاری عامل‌های محیطی بر رشد در برخی از مقاطع، موجب بهبود و افزایش رشد شویم و مسیرش را تغییر دهیم؛ یعنی با طراحی برخی برنامه‌ها می‌توان به موفقیت بیشتر کودکان و نوجوانان کمک کرد [کاپلان، ۱۳۸۱: ۱۱۵]. آن‌ها عامل‌های محیطی را با اصطلاحاتی مانند عامل‌های «کتابی»، یادگیری و شرایط زندگی و عوامل وراثتی را با اصطلاحاتی مانند عامل‌های طبیعی، ژنتیکی یا زیستی مشخص کرده‌اند.

عامل‌های اساسی محیطی مؤثر بر رشد را به سه دسته تقسیم می‌کنند: ۱. تفاوت‌های فرهنگی؛ ۲. تفاوت‌های اقتصادی - اجتماعی؛ ۳. تفاوت‌های خانوادگی [سیف و دیگران، ۱۳۸۰: ۵].

۱. تفاوت‌های فرهنگی: از آن‌جا که شیوه و راه و رسم زندگی کردن در جامعه‌های گوناگون متفاوت است و خانواده‌ها با معیارهای سنتی و ارزشی گوناگون فرزندان خود را تربیت می‌کنند، می‌توان گفت که چگونگی پرورش کودکان و نوجوانان تا حد زیادی به شرایطی وابسته است که در آن قرار دارند.

۲. تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی: صرف‌نظر از فرهنگ مشترک هر جامعه، کودکان تحت تأثیر تفاوت‌های طبقاتی اجتماعی - اقتصادی قرار می‌گیرند. بنابراین، میزان درآمد، تحصیلات و نوع شغل اعضای خانواده و سایر ویژگی‌های طبقاتی اجتماعی - اقتصادی شرایطی را ایجاد می‌کند که امکان رسیدگی بهداشتی - تغذیه‌ای، آموزشی و امکانات رفاهی گوناگون را به وجود می‌آورد و این موضوع به طور غیرمستقیم بر فرایند رشد کودک و نوجوان مؤثر است.

۳. تفاوت‌های خانوادگی: تفاوت‌های خانوادگی اثرهای پایدارتر و عمیق‌تری را بر رشد کودک و نوجوان می‌گذارد. زیرا مسئولیت آماده‌سازی و پرورش آن‌ها برای زندگی در جامعه، بر عهده خانواده است. از کارکردهای مهم خانواده علاوه بر آموزش، تأمین مسکن، تغذیه مناسب و ایجاد فضای عاطفی برای ادامه زندگی روانی است.

تحقیق‌ها نشان می‌دهند، بسیاری از اختلال‌های رفتاری - عاطفی و عقب‌ماندگی‌های ذهنی، صرف‌نظر از وراثت، نتیجه نبود محبت و ارتباط صمیمی بین اعضای خانواده است.

محیط خشن بدون عاطفه، به همراه تنبیه‌های غیرقابل توجه و بدرفتاری، مخرب‌های غیرقابل انکار روح و روان فرزندان است.

از سوی دیگر، شرایط خاص هر خانواده از جمله فشارهای ناشی از بی‌کاری، فقر، ضعف فرهنگی و مشکلات خانوادگی به طور مستقیم بر شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان تأثیر می‌گذارد.

حاصل پژوهش‌هایی که در خصوص نقش خانواده بر شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان به دست رسیده است نشان می‌دهد، کودکانی که توسط والدین خویش طرد می‌شوند، در خانواده‌های پر اختلاف بزرگ می‌شوند یا خیلی به آن‌ها رسیدگی نمی‌شود، در معرض خطر بزه‌کار شدن هستند [کاپلان، ۱۳۸۱: ۸۷۶].

اما بیش از پرداختن به حقوق نوجوان و جوان لازم است مروری بر تعریف‌های کودک، نوجوان و جوان با رویکرد روان‌شناختی داشته باشیم.

### تعریف کودک

در روان‌شناسی رشد، براساس نظریه‌های گوناگون، چهار مرحله تا پیش از آغاز نوجوانی مشخص شده است که از پیش از تولد یا دوره جنینی شروع می‌شود و تا سن یازده یا دوازده سالگی ادامه می‌یابد [سیف و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۷۹].

۱. قبل از تولد؛ ۲. تولد تا دو سالگی؛ ۳. سه تا هفت سالگی؛ ۴. هفت تا یازده سالگی.

### قبل از تولد

به نظر می‌رسد، عامل‌های گوناگونی دوران رشد قبل از تولد را تحت تأثیر قرار می‌دهند که مهم‌ترین آن‌ها عامل‌های وراثتی و محیطی هستند.

در بحث عامل‌های محیطی که بر فرایند رشد کودک قبل از تولد مؤثر است، می‌توان از سن مادر، تغذیه و بهداشت، عاطفه‌ها و هیجان‌های او نام برد که به طور مستقیم بر محیط جنینی تأثیر دارد و پرورش کودک را جهت می‌دهد.

### تولد تا دو سالگی

در مرحله بعدی، عامل‌های حیاتی اهمیت می‌یابند. بدن نوزاد برای زنده ماندن و حفظ تعادل محیط داخلی، نیازمند دیگران است، چون نمی‌تواند از خود مراقبت کند. نیاز به غذا، آب و اکسیژن از مواردی است که به تعادل محیط داخلی بدن کمک می‌کند. در عین حال می‌توان گفت، ابعاد رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اخلاقی کودک از یکدیگر جدا نیستند. برای تحقق هر یک از موارد فوق، علاوه بر وراثت، به محیط شاد، امن، عاطفی و سرشار از دوستی و آزادی برای یادگیری مهارت‌ها نیاز است.

بنابراین، بزرگسالان به خصوص مادر، لازم است محیط مناسب را برای رشد و حمایت فراهم سازند تا نوزاد توانایی‌های مناسب را به دست آورد. از جمله این مهارت‌ها، مهارت گویایی است که در ارتباط با مادر و دیگران رشد خواهد کرد. از موارد دیگری که بر مهارت آموزش کودک در این مرحله تأثیر گذار خواهد بود، «بازی» است.

### سه تا هفت سالگی

در این مرحله، تجربه‌های محیطی و تأثیری که محیط بر کودک می‌گذارد، بیش از مرحله قبل است و مسیر رشد او را تعیین می‌کند. رشد حرکتی، شناختی (ذهنی)، عاطفی، گویایی (زبان و تفکر) و رشد اجتماعی و استقلال، از شاخص‌های این بخش است.

بازی نیز همچنان در این مرحله از رشد کودک نقش بسزایی دارد. نکته پر اهمیت در بحث حقوق کودک و نوجوان این است که اصول کنوانسیون حقوق کودک، به گونه‌ای جدی با نیازهای روان‌شناختی کودکان متناسب است؛ به طوری که سه اصل «رشد»، «بقا» و «حمایت» درج شده در کنوانسیون، به شرایطی اشاره دارد که کودکان برای ادامه رشد سالم نیازمند آن هستند.

### هفت تا یازده سالگی

روان‌شناسان از این دوره، با عنوان دوره کودک دوم نام می‌برند. ابتدا و انتهای این دوره، با تحول‌ها و شرایط جدیدی همراه است. که بر شخصیت کودک و سازگاری‌های اجتماعی‌اش اثر می‌گذارد [همان، ص ۲۳۴]. می‌توان گفت، این دوره تا حدی ویژگی‌های دوره نوجوانی را به همراه دارد. «مهم‌ترین مرحله‌های رشد در این دوره عبارت‌اند از:

۱. یادگیری مهارت‌های جسمانی لازم برای بازی‌های عمومی
  ۲. ایجاد نگرش سالم و مفید در کودک به عنوان انسان زنده و در حال رشد
  ۳. یادگیری چگونه رفتار کردن با همسالان
  ۴. شروع رشد نقش‌های مناسب جنسی و اجتماعی مردانه و زنانه
  ۵. یادگیری مهارت‌های اصلی خواندن، نوشتن و حساب کردن
  ۶. رشد مفاهیم لازم برای زندگی عادی و روزمره
  ۷. رشد وجدان، اخلاق و معیارهای ارزشی
  ۸. رشد نگرش‌ها نسبت به گروه‌ها و نهادهای اجتماعی
  ۹. رسیدن به استقلال شخصی [همان، ص ۲۳۶].
- در این دوره، نه تنها والدین هم‌چنان نقش مهمی

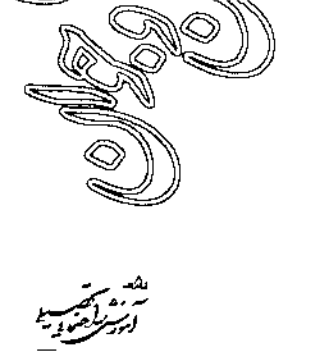
ایفا می‌کنند، بلکه هم‌سالان، معلمان و سایر نهادهای اجتماعی نیز در زمینه رشد کودک سهمی مهم بر عهده دارند. بنابراین، در این مرحله نیز می‌توان به اصول مورد تأکید کنوانسیون یعنی «حمایت و مشارکت» اشاره کرد.

از سوی دیگر، نگاهی به تعالیم اسلامی نشان می‌دهد، تقسیم‌بندی از دوران کودکی، با شرایط روان‌شناختی کودکان و نوجوانان متناسب است که در شماره بعد به آن پرداخته خواهد شد.

### تاریخچه مطالعه درباره کودکان

امروزه در حوزه تعلیم و تربیت هدف از مطالعه ویژگی‌های کودکان، حمایت او و فراهم آوردن امکانات برای رشد همه جانبه و شکوفا کردن تمام ظرفیت‌های انسانی اوست؛ دیدگاهی که در گذشته کمتر وجود داشته است.

در دوران باستان، بسیار اتفاق می‌افتاد که کودکان را به دلیل‌های متفاوت از بین می‌بردند. از قربانی کردن کودکان در پیشگاه خدایان یا در بعضی مواقع کشتن در بین رومی‌ها که شیوه‌ای معمولی برای کنترل جمعیت به شمار می‌آمد تا فروش آن‌ها که در بین چینی‌ها و عرب‌ها مرسوم بود، رفتارهایی بود که نسبت به آن‌ها انجام می‌دادند [همان، ص ۴ و ۱۳].



با آغاز عصر جدید (رنسانس) در زندگی کودکان نیز تحول چشم‌گیری به وجود آمد؛ به طوری که زندگی کودکان بهبود یافت و همراه با آن، نوعی رویکرد علمی نسبت به دوران کودکی شکل گرفت. در رویکرد جدید، محیط مناسب برای رشد و تربیت کودکان و توجه به توانایی‌های آن‌ها مورد توجه قرار گرفت و روان‌شناسان کوشیدند الگویی طبیعی را برای زندگی کودکان و

نوجوانان پیدا کنند تا از این طریق بدانند چه وظیفه‌ها و مسئولیت‌هایی بر عهده‌است.

نکته حائز اهمیت این است که تا اواخر قرن بیستم، این رویکرد بیشتر جنبه تربیتی داشته است و در اواخر قرن بیستم به مقوله‌های حقوقی و تربیتی تبدیل می‌شود و رعایت حال کودکان و نوجوانان، نه صرفاً بر مبنای توصیه اخلاقی - تربیتی، بلکه یک الزام حقوقی تلقی می‌شود، قوانین در زمینه‌های گوناگون وضع می‌گردد و مبحثی تحت عنوان حقوق کودک و نوجوان مطرح می‌شود که در آینده به آن می‌پردازیم.

### نوجوان با رویکرد روان‌شناختی

از بررسی فرهنگ‌های شناخته شده چنین برمی‌آید که دوران نوجوانی، یعنی انتقال شخص از مرحله کودکی به دوره بزرگسالی، که با رشد و تکامل اجتماعی و عاطفی همراه باشد، بعضی از روان‌شناسان، دوره نوجوانی را «طوفان و فشاری روانی یا تولدی ثانوی» می‌نامند و معتقدند وقتی نوجوان را می‌شناسیم که بدانیم دوران کودکی او چگونه بوده است.

دوران نوجوانی، معمولاً از ۱۲ یا ۱۳ سالگی تا پایان ۱۸ یا ۲۰ سالگی ادامه دارد و در دختران زودتر از پسران آغاز می‌شود. پایان نوجوانی بر حسب شرایط فرهنگی - محیطی، برای همه یکسان نیست.

### نوجوانی در فرهنگ و بستر

نوجوانی، به حالت یا جریانی از رشد اطلاق می‌گردد. از نظر حقوقی، به مرحله‌ای از زندگی که از بلوغ آغاز می‌شود و به کمال خاتمه می‌یابد، نوجوانی می‌گویند.

### تعریف نوجوانی در دایره‌المعارف بریتانیکا

نوجوانی غالباً به عنوان دوره‌ای بین کودکی و بزرگسالی تعریف می‌شود. گرچه بعضی از مؤلفان نوجوانی را مساوی بلوغ جنسی و دوره تغییرهای فیزیکی می‌دانند که اوج آن در تکامل و رسیدگی در تولیدمثل است، ولی غالباً نوجوانی با مفاهیم روانی و اجتماعی تعریف می‌شود. مثلاً شروع آن با بلوغ جنسی و خاتمه مبهم و نامشخص آن با بزرگسالی است.

در بحث بلوغ روانی گفته می‌شود، نوعی پختگی روحی است که به انسان قدرت تشخیص مسائل و تمییز مصلحت زندگی را می‌بخشد (شرفی، ۱۳۷۹: ۲۶ و ۲۵). در این صورت، فرد با برخورداری از بلوغ روانی، توانایی مسئولیت‌های اجتماعی، پذیرفتن شغل و... و ایفای نقش‌های محوله و در همین حال قدرت مواجهه و روبرویی با مشکلات پیچیده زندگی را خواهد داشت.

بنابراین می‌توان گفت، نوجوانی ماهیت زیستی و اجتماعی - فرهنگی دارد و رشد و تکامل نوجوان و جوان از عوامل طبیعی، تجربه‌های دوران کودکی، گرایش‌های والدین و نقش گروه همگمان و انتظارهای جامعه متأثر می‌شود.

### ویژگی‌های نوجوانی

دوره نوجوانی را مرحله مهمی از زندگی تلقی می‌کنند که با ویژگی‌هایی از سایر دوران زندگی متمایز می‌شود. این خصوصیت‌ها عبارت‌اند از:

۱. نوجوانی دوره‌ای مهم به شمار می‌رود. همراه بودن تحول‌های فیزیکی مهم و سریع با تحول‌های پرشتاب ذهنی - روحی، از ویژگی‌های این دوره است که آن را پر اهمیت می‌سازد.

۲. نوجوانی دوره تغییر است. تغییر در نگرش و رفتار با سرعت بیشتری انجام می‌شود. تغییر در احساس‌ها، عاطفه‌ها، ظهور علاقه‌های جدید و تا حدی بی‌ثباتی رفتاری و روحی از شاخص‌های این مرحله است.

۳. نوجوانی دوره انتقال (برزخی) است. عبور از خردسالی و کودکی به دوره بزرگسالی با بحران همراه است. طی این انتقال وضع و جایگاه فرد مبهم است و نوعی سرگردانی در نقش ایجاد می‌شود. نوجوان نه کودک است، نه بزرگسال.

۴. نوجوانی سن مشکل‌آفرینی است. تمایل برای دستیابی به استقلال و آزادی از ویژگی‌های این دوره است. نوجوان تلاش می‌کند که مشکلاتش را به تنهایی حل کند. اما به دلیل عدم توانایی لازم در این زمینه، دچار مشکلاتی می‌شود.

۵. نوجوانی، زمان جست‌وجوی هویت است. هویتی را که نوجوان درصدد است تا به طور روشن با آن روبه‌رو شود، این است که او کیست و چه نقشی را باید در جامعه ایفا کند؟ آیا او کودک است یا بزرگسال (همان، ص ۴۴).

۶. نوجوانی سن هراس است. بسیاری از روان‌شناسان معتقدند که نوجوانان افرادی نامرتب‌اند، قابل اعتماد نیستند و استعداد ویرانگری و رفتاری ضداجتماعی دارند. لذا از والدین می‌خواهند در برخورد با آن‌ها دقت فراوانی به خرج دهند.

۷. نوجوانی زمان آرمان‌گرایی است. نوجوانی سن آرزوهای غیرواقعی و گسترش عاطفه‌هاست؛ به طوری که نوجوان آن‌چه را دوست دارد، باور می‌کند. با گسترش تجربه‌های اجتماعی و شخصی و افزایش قدرت تفکر عقلانی، نوجوانان رشد می‌یابند و به مشکل‌ها واقع‌بینانه‌تر می‌نگرند.

امام علی (ع): قلب نوجوان، در حقیقت چونان زمینی بایر است که هر چه در آن افکنده شود، می‌پذیرد



شایان ذکر است که این آرمان‌گرایی، به نوعی به احساس سبکی‌باری، بی‌خیالی و شاد بودن گره می‌خورد. ۸. نوجوانی آستانه بزرگسالی است. نوجوانان همان‌طور که به سن قانونی می‌رسند، می‌کوشند مثل بزرگسالان باشند و رفتارشان بر این موضوع متمرکز می‌شود تا بتوانند با بزرگسالان معاشرت کنند [همان، ص ۴۶]. نگاهی بر ویژگی ذکر شده در مورد نوجوانان، نشان می‌دهد که مدافع‌های حقوق کودک و نوجوان بر زمینه‌های حقوقی تأکید کرده‌اند تا جنبه‌های روان‌شناختی را پوشش دهند. برای مثال، از این که کنوانسیون حقوق کودک بر اصل حمایت و مشارکت تأکید می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که حقوق نوجوان و جوان در ارتباط با این ویژگی‌ها قابل بحث و بررسی است.

## جوان

بسیاری از روان‌شناسان در تعریف دوره جوانی آن را ادامه نوجوانی از سن ۲۰ تا ۲۷ سالگی می‌دانند و بعضی دیگر معتقدند که سن بزرگسالی از ۲۰ سالگی شروع می‌شود. و افراد وارد مرحله بزرگسالی که می‌شوند، به کشف نقش‌هایی از قبیل شغل، رابطه‌های صمیمی، نوع دوستان و سبک زندگی دست می‌زنند.

**اریکسون** معتقد است، جوانان درصدد هستند ظرفیت‌های خود را برای دوست داشتن، مراقبت و توجه به دیگران گسترده و عمیق سازند. با وجود بحران هویت به وجود آمده در نوجوانی، جوان می‌کوشد با هوشیاری آزادگرایانه‌ای، هویت جدیدی را شکل دهد که به او قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری بدهد.

در خصوص رسیدن به نزدیکی و صمیمیت، اریکسون معتقد است که رسیدن به نزدیکی و صمیمیت (برایند صمیمیت واقعی)، فقط هنگامی امکان می‌پذیرد که قبل از آن بینش یا حس منطقی و صحیحی از هویت مستقر شده باشد. فقط کسی که در مورد هویت خود احساس امنیت و اطمینان دارد، می‌تواند در رابطه‌های دوسویه خواسته‌اش را با علاقه‌هایش هم‌راستا کند [شریفی، ۱۳۸۰، ۲۴۷ و ۲۴۶]. پس انسان سالم کسی است که می‌تواند به دیگران عشق بورزد.

در ادامه فرایند تثبیت هویت، ازدواج موفق امکان‌پذیر می‌شود؛ و از سوی دیگر برایش امکان انتخاب‌های دیگر فراهم می‌شود؛ از جمله انتخاب شغل، پذیرش هنجارهای اجتماعی که با وجود رنج‌آور بودنش، سرانجام به نوعی انسجام فرد منجر می‌شود که امکان درک روش‌های جدید را در زمینه‌های گوناگون به او می‌دهد.

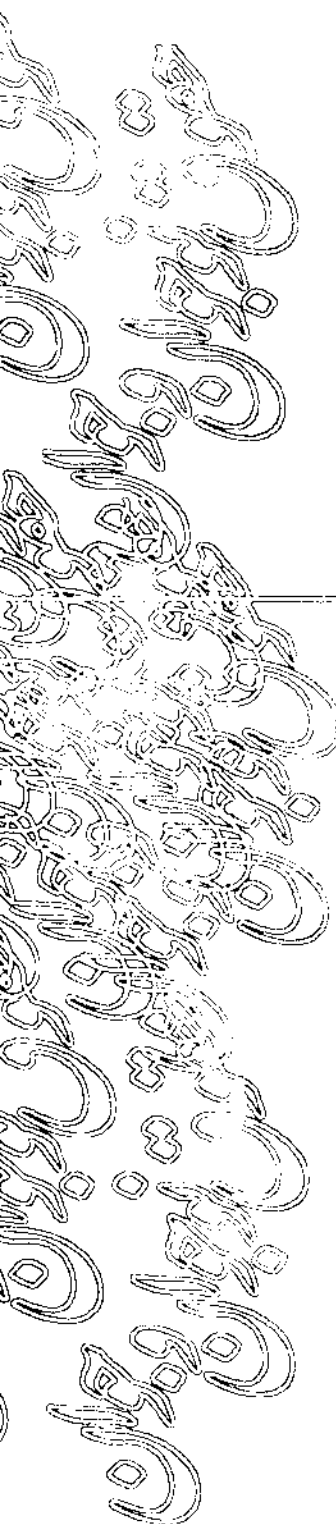
در مرحله جوانی، فرد تلاش می‌کند ضمن داشتن جاه‌طلبی‌های خاص، راه خود را در زندگی بیابد. او در این مرحله قبل از هر چیز خود را وقف شغل می‌کند و تلاش دارد جایی برای خود بیابد. از سوی دیگر می‌خواهد به انتخاب‌های خود مشروعیت دهد و آن‌ها را به دیگران بقبولاند. در عین حال، به گونه‌ای خاص خود را متفاوت از دیگران می‌بیند.

آن‌چه در خصوص ویژگی‌های کودک، نوجوان و جوان مطرح شد، صرف‌نظر از تفاوت‌های جزئی در نگاه روان‌شناسان، واقعیتی جدی را پیش روی ما قرار می‌دهد و آن این است که نیازهای هر دوره، حقوق و تکلیف‌هایی را بر دوش خانواده، جامعه و نهادهای اجتماعی می‌گذارد که عمل به آن‌ها، نه تنها صرفاً ضرورتی اخلاقی است، بلکه تعهد و الزامی قانونی است.

لذا نهادهای حقوقی، در عرصه ملی و بین‌المللی برای ایجاد جامعه‌ای سالم که نیازمند تربیت افراد سالم است، تلاش کرده‌اند این ضرورت‌ها را در قالب قانون لازم‌الاجرا طراحی کنند. حاصل این تلاش‌ها، صدور اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های جهانی است که با توافق جامعه بشری و تعهد دولت‌ها به آرمان‌های فوق اتفاق افتاده است؛ چنان‌چه دولت‌ها در سطح ملی می‌کوشند در چارچوب حقوق مدنی و اجرای برنامه‌ها، به اقتضای نیازهای خود، شرایط مناسب را فراهم سازند، جمهوری اسلامی ایران نیز با پیوستن به کشورهای پذیرنده کنوانسیون‌های بین‌المللی، تلاش دارد در چارچوب برنامه‌های «توسعه و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله» و قوانین مدنی، زمینه دست‌یابی به چهار اصل «رشد»، «بقا»، «حمایت» و «مشارکت» را فراهم سازد.

## منبع

۱. دبیس، موریس، بلوغ (چه می‌دانم)، ترجمه حسن صفاری، تهران: انتشارات علمی.
۲. کاپلان، پاول اس. روان‌شناسی رشد، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۸۱.
۳. سیف، سوسن و دیگران، روان‌شناسی رشد (۱)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
۴. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۷۹.
۵. محسنی، نیکچهره، جزوه روان‌شناسی رشد (۴)، تهران: دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
۶. دبیس، موریس، مراحل تربیت، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
۷. شریفی، پرویز، نظریه‌های روان‌شناسی تحولی، تهران: انتشارات خورشید نواز، ۱۳۸۰.



را حله پور آذر

# تفاهم از منظر بافتن

فرهنگ تفاهم در مدرسه

پیامبر اکرم (ص): پروردگارم،  
همان گونه که مرا به انجام  
واجبات فرمان داده، به من  
کردن بامردم نیز فرمان داده  
است.



محیط است. تفاهم در مدرسه به تجربه‌های زندگی درون گروهی برمی‌گردد؛ به احساسی که بعد از مدتی، عضو گروه بودن را در فرد تداعی می‌کند؛ احساسی مبهم که با ورود به محیط از پیش چیده شده‌ای مثل مدرسه، در فرد ایجاد می‌شود و برای هر کسی که در آن باشد، مثل حس متفاوت بودن سر صف اولین صبحگاه در مدرسه جدید، واقعی و زنده است.

افراد و گروه‌ها برای درک و فهمیدن محیط، به راهی روشن نیاز دارند؛ راهی که آن‌ها را به رفتارهای عادی (قانونمند) و مورد توافق هدایت کند.

تفاهم مدرسه‌ای به روابط بین اعضا، بینش و زبان آن‌ها برمی‌گردد. تمامی این موارد از زمانی که اعضای گروه دور هم جمع می‌شوند، به طور طبیعی اتفاق می‌افتد. وارد شدن یک دوست جدید در گروه دوستانه قدیمی، وقتی اتفاق می‌افتد که دانش آموز جدید بتواند الگوهای ارتباطی بین اعضای گروه را درک، تقریباً شبیه دیگر اعضای گروه فکر و از کلمات رایج بین آن‌ها استفاده کند.

مطالعات جدید آموزش و پرورش، روی موضوع تفاهم در مدرسه تمرکز دارد، البته بیشتر مطالعات درباره دوره‌های دبستان و راهنمایی انجام گرفته است، ولی در مورد تمامی محیط‌های آموزشی مصداق دارد. تفاهم و فهمیدن پدیده‌ای است که وقتی در محیط مدرسه ایجاد شود، روی عملکرد تک‌تک افراد مدرسه اعم از دانش آموز و کارکنان تأثیر می‌گذارد. لغت تفاهم به معنای درک متقابل و پیدا کردن معرفت نسبت به خود، دیگری و

غلامرضا پور آذر

**امام رضا(ع) در پاسخ به این سؤال  
که: عقل چیست؟ فرمود: جام اندوه  
را جرعه جرعه نوشیدن، با دشمنان  
مسامحه کردن و با دوستان مدارا  
نمودن**

دانش آموزان اتفاق نظر ایجاد و ارزش‌های آن‌ها تقریباً یکسان شود. البته در رسیدن به ثبات دوباره، معلمان و دانش آموزان قدیمی که با فرهنگ مدرسه بیشتر آشنایی دارند، نقش مهمی بازی می‌کنند.

فرهنگ تفاهم قوی در مدرسه ویژگی‌های متحصر به فردی دارد. اهداف گروه را دنبال می‌کند، سبیل‌ها، نشانه‌ها و محصولات خاص خود را دارد و می‌تواند روی افراد خود چنان تأثیر بگذارد که همه افراد به تفاهم‌ها و فرهنگ خود پای‌بند بمانند. آن‌چه در پروژه‌های دانش‌آموزی تولید و ارائه می‌شود، مانند عملکرد و رفتار دانش‌آموزان در جشنواره‌های دانش‌آموزی، فضای بسیار

در مدرسه با قرار گرفتن دانش‌آموزان و افراد مدرسه کنار یکدیگر، گروه شکل می‌گیرد. دانش‌آموزان هر سال به پایه بالاتر می‌روند و با معلمان و دانش‌آموزان جدید، تشکیل گروه می‌دهند. تفاهم در این گروه وقتی ایجاد می‌شود که اعضای گروه به ارزش‌های مشترک برسانند، راه‌های فکر کردن خود را با هم به اشتراک بگذارند و به رفتارهای پذیرفته شده در گروه وفادار و پای‌بند بمانند. در این صورت، تفاهم دوطرفه به وجود می‌آید و زندگی آسان و شیرین می‌شود. با گذشتن روزهای مدرسه، لحظات مهم و سرنوشت‌ساز برای گروه پیش می‌آید؛ لحظاتی که قول و قرارهای (تعهدات یا قانون‌های) درون گروه معنایی پیدا می‌کند؛ مانند لحظه تصویب برنامه امتحانی بین دانش‌آموزان و دبیران، یا لحظه تصمیم‌گیری در مورد مکان اردو در این لحظات است که تفاهم در گروه زنده می‌شود، و جان می‌گیرد و حیات خود را آغاز می‌کند.

هر گروهی برای بقا و ادامه حیات به تفاهم نیاز دارد. بدون تفاهم دیری نمی‌گذرد که گروه و به دنبال آن قدرتی که در گروه نهفته است، از بین می‌رود و در نهایت افراد به صورت جدا از هم زندگی را ادامه می‌دهند. فرهنگ تفاهم در مدرسه کمک می‌کند تا دانش‌آموزان عملکرد تحصیلی بهتری داشته باشند. در واقع فرهنگ تفاهم مسیر حرکت تا موفقیت را برای دانش‌آموزان روشن می‌کند و با علائمی که در مسیر می‌گذارد، درست مثل علائم راهنمایی و رانندگی، آن‌ها را به سوی هدف هدایت می‌کند. همان‌طور که علائم راهنمایی و رانندگی به راننده نشان می‌دهد چه مسیری را انتخاب، با چه سرعتی حرکت و کجا توقف و کجا احتیاط کند، فرهنگ تفاهم افراد را آموزش می‌دهد چه‌طور به موفقیت برسند. این فرهنگ در هر مدرسه با مدرسه دیگر متفاوت است، زیرا ارزش‌ها و باورهای افراد در هر مدرسه متفاوت است. ولی فرهنگ تفاهم وقتی قوی می‌شود که اجزای فرهنگ پویا و منسجم باشند و به روشنی بیان شوند. وقتی افراد جدیدی وارد فرهنگ مدرسه می‌شوند - زمانی شبیه ابتدای سال تحصیلی - فرهنگ مدرسه دچار تحول و تغییر می‌شود و وقتی دوباره به ثبات می‌رسد که بین

**بیانی که باشد به حجت قوی  
ز نابخردی باشد ار نشنوی  
ذری را که او تاج تارک بود**

**ز دن بر زمین نامبارک بود  
هنر نیست روی از هنر تافتن  
شقایق دریدن خشن بافتن  
خردمند را چون مدارا کنی  
هنرهای خویش آشکارا کنی**

نظمی

مناسبی است که در آن فرهنگ مدرسه را به وضوح می‌توان دید.

نقش مدیر در ایجاد و حفظ فرهنگ تفاهم بسیار پررنگ و اساسی است. مدیر مدرسه با رفتار خود و برنامه‌هایی که در مدرسه هدایت و اجرا می‌کند، فرهنگ تفاهم را بین دانش‌آموزان رواج می‌دهد و به آن عمق می‌بخشد. این برنامه‌ها به طور هم‌زمان مأموریت و هدف‌های مدرسه را دنبال می‌کنند. وقتی موفقیت تحصیلی جزو هدف‌های اولیه مدرسه باشد، بین فرهنگ تفاهم در مدرسه و نمره‌های دانش‌آموزان رابطه معناداری ایجاد می‌شود. یعنی کسب رتبه‌های علمی بالا جزو فرهنگ دانش‌آموزان می‌شود و آن‌ها در عرصه‌های علمی می‌کوشند تا مدرسه خوش‌نام شود. هر اندازه دورنمای اعضای مدرسه به هم نزدیک‌تر و توافق نظر روی ارزش‌ها بیشتر باشد، تفاهم بهتری حاصل می‌شود.

در نهایت، وجود فرهنگ تفاهم در مدرسه، مدرسه را به محیطی زنده و پویا تبدیل می‌کند.



گلناز فم تفرشی

# منتهی را منتهی

## تشکیل فرهنگ تفاهم در مدرسه

### حال و هوای مدرسه

فرهنگ مدرسه عبارتی کلی است برای مفروضات، ارزش‌ها و هنجارهای نهفته‌ای که خود را در نمادها، روال‌ها، مراسم و شیوه‌های آموزشی و پرورشی مدرسه نشان می‌دهد. عبارت «سیستم فرهنگی»، به طور ضمنی بر این دلالت می‌کند که سه سطح فرهنگی یعنی مفروضات، ارزش‌ها و هنجارها با هم ارتباط درونی دارند. یعنی مفروضات پایه‌ای اعضای مدرسه به ارزش‌ها و هنجارهایشان مرتبط است و این‌ها به نوبه خود با نمادهای درون مدرسه و روال‌ها و مراسم موجود پیوند دارند.

### جنبه‌های فرهنگ مدرسه

سه جنبه فرهنگ را می‌توان به این گونه تعیین کرد: محتوا، همگنی و قوت یا قدرت اکیمن، ساکسون و سرپا. ۱۹۸۶: مازلوسکی، ۱۹۹۳.]

یا فرهنگ «موفقیت‌مدار» به این معناست که ارزش اصلی نهان در فعالیتهای آموزشی و پرورشی مدرسه، کسب موفقیت تحصیلی است.

**همگنی** فرهنگ به میزان سهیم بودن کارکنان آموزشی مدرسه در این مفروضات پایه‌ای، هنجارها و ارزش‌ها و همچنین مصنوعات فرهنگی اشاره دارد. فرهنگ در صورتی همگن است که تقریباً همه کارکنان به مفروضات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی استناد کنند و اگر کارکنان از مفروضات، ارزش‌ها و هنجارهای بسیار متفاوتی پیروی کنند، آن‌گاه از عبارت ناهمگنی فرهنگی استفاده می‌شود.

سومین جنبه فرهنگ به قوت (قدرت) مفروضات پایه‌ای، ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری مربوط است. به تعبیر دیگر، قوت فرهنگی به میزانی اشاره دارد که اعمال معلمان به طور واقعی تحت تاثیر مفروضات، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک مدرسه قرار دارد. این تأکید بر تاثیر ارزش‌ها و هنجارها بر رفتار واقعی، ویژگی متمایزکننده مفاهیم همگنی و قوت است. قوت فرهنگی بنابراین به کنترل اجتماعی بر مطابقت با ارزش‌ها و هنجارهای مدرسه مربوط است. برعکس، وقتی فرهنگ سازمانی ضعیف است، جهت‌گیری و موافقت کمتری درباره رفتارهای «نادرست» وجود دارد. فرهنگ‌های ضعیف اعضای مدرسه را وادار نمی‌کنند که به شیوه خاصی رفتار کنند، بلکه فقط برای رفتار آنان بدون هیچ تأکید خاصی، راهنمایی‌هایی ارائه می‌دهند.

فرهنگ سازمانی مدرسه بیشتر در ارتباط با عملکرد اثربخش مدرسه، خود را آشکار می‌سازد. موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان یکی از نشانه‌های عملکرد اثربخش مدرسه به شمار می‌رود. برای تقویت موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان، مدیران باید رهبرانی نمادین باشند که به فرهنگ مدرسه حساس هستند. تحقیق درباره مدارس اثربخش، چندین عامل تقویت‌کننده اثربخشی را مشخص کرده است که به آسانی می‌توان آن‌ها را بر حسب فرهنگ سازمانی مدرسه تفسیر کرد. ارزش‌های مربوط به عملکرد و اثربخشی، به تعیین انتظارات سطح بالا برای موفقیت تحصیلی و نظارت مرتب بر پیشرفت



**محتوای فرهنگ** به معنای مفروضات پایه‌ای، هنجارها و ارزش‌هایی است که اعضای مدرسه در آن سهیم هستند. مثلاً اگر فرهنگی را «مشارکتی» بنامیم، منظور این است که هنجارهای تصمیم‌گیری مشارکتی بر امور مدرسه حاکم است.

غلامرضا  
بهرابی

پیامبر اکرم (ص): حسن  
خالق، رشته دوستی را  
استوار می‌کند

دانش آموزان منجر می شود. جو منظم مدرسه از طرف دیگر به اهمیت ثبات، استمرار و پایداری اشاره دارد. تأکید بر قوانین، از وقفه در فرایندهای مدرسه جلوگیری می کند و از این طریق پیش نیازهای لازم برای ایجاد محیط یادگیری منظم را فراهم می سازد.

**هایپوکنیز و همکاران (۱۹۹۴)** تأکید می کنند، فرهنگ مدرسه بر فعالیت های مشترک و گروهی که شرایط بهتری برای برقراری ارتباط و حل مسئله ایجاد می کند، تأثیر گذار است. در فرهنگی که همکاری و تشریک مساعی ارزشمند است، معلمان در تبادل ایده ها فعال خواهند بود و بدین ترتیب، ترویج شرایط اثربخش را بین اعضای دیگر مدرسه تقویت می کنند و در حل مسائل به همکارانشان کمک می کنند. فرهنگ مدرسه هم چنین ممکن است تحول و تلاش برای بهبود عملکرد را نیز تقویت کند. فرهنگی که در آن بهبود مستمر ارزش دارد، بیشتر به اجرای تحولات روی می آورد.

### مأموریت مدرسه و فرهنگ آن

مأموریت مدرسه یا به عبارت دیگر، مقصود اصلی از کارهایی که کارکنان مدرسه انجام می دهند، از نکات کلیدی فرهنگ مدرسه است. مأموریت به شکلی نامحسوس الهام بخش معلمان برای تدریس، مدیران برای رهبری و دانش آموزان برای یادگیری است. مأموریت، به آن چه مدرسه امیدوار است به انجام برساند، فکر می کند و به آن شکل می دهد. مهم ترین عامل این است که افراد باوری مشترک داشته باشند. تحقیقات نشان می دهند که حسن مشترک در مأموریت، قدرت عظیمی در پیش بردن تصمیم گیری ها، انگیزش ابتداعات، تحکیم تعهدات و پر انرژی کردن همکاری ها دارد. تلاش واقعی در نائل شدن به هدف مدرسه، غالباً به تقریر مأموریت یا چشم انداز منجر می شود. متأسفانه در بیشتر موارد، اسناد مربوط به مأموریت و چشم انداز مدرسه، از زندگی روزمره آن پنهان می مانند. در واقع، بیشتر این اسناد ناشناخته و مجهول باقی می مانند در صورتی که برای عملکرد اثربخش، کارکنان باید بتوانند با رسالت مدرسه ارتباط عاطفی برقرار کنند. اهدافی معتبر و قوی خواهند بود که روی مغزها و دل های کارکنان اثر بگذارد.

یابد توجه داشت که اگر مدارس فقط در جهت ارتقای نمره دانش آموزان بکوشند، به احتمال زیاد به مقاصد عمیق تر دست نخواهند یافت. ضمن این که مأموریت یا هدف مدرسه ای، مسیرها، ارزش ها، باورها، مفروضات و هنجارهای بزرگ را هدایت می کند و غالباً باعث تشکیل فرهنگ به روز مدرسه ای می شود. قدرت این باورها و ارزش ها در تأثیر گذاری بر دیدگاه اولیای مدرسه درباره ظرفیت دانش آموزان و کارکنانش (تعمیر پذیرند یا تغییر ناپذیر) است. اگر کارکنان باور داشته باشند که دانش آموزان تغییر پذیر هستند، آن ها را با برچسب هایی مانند کپ هوش، تیزهوش، بی تفاوت و تنبل از هم جدا نمی سازند و تلاش هایشان را در جهتی متمرکز می کنند که همه دانش آموزان بتوانند در بالاترین حد توان خویش عمل کنند.

هنجارهای حاکم بر محیط، باعث تحکیم مفروضات، باورها و ارزش ها می شوند. در واقع، هنجارها قانون های ناگفته حاکم بر رفتار هستند. هنجارها هم مثبت هستند و هم منفی، وظیفه اساسی مدیران و معلمان این است که هنجارها را شناسایی

کنند، مثبت ها را تقویت کنند، منفی ها را تغییر دهند و به مثبت تبدیل کنند. در جدول زیر، نمونه هایی از هنجارهای مثبت و منفی ارائه شده اند:

مثال هایی از هنجارهای مثبت	مثال هایی از هنجارهای منفی
به مردم با احترام اعتماد کردن	با مدیر مخالفت کردن
تمایل به مسئولیت داشتن	در جای خود نماندن و آشفتگی ایجاد کردن
سعی کردن بر آغاز تغییر برای بهبود عملکرد	اطلاعات را از دیگران پنهان کردن
مشارکت در حل مشکلات احتمالی	با همکاران نامناسب رفتار کردن
به مشارکت گذاشتن اطلاعات مفید و ایده های نو	خود را به دروغ مشغول کردن و گرفتار کاری نشان دادن
تشویق کردن آن هایی که ایده های جدید پیشنهاد می کنند	به افراد نوآور و مبتکر خندیدن و استهزا کردن
یافتن راه هایی برای توسعه دانسته های افراد	فقط در پی رفع نیازهای شخصی بودن

### نقش رهبران آموزشی (مدیران) در تشکیل فرهنگ مدرسه

مدیران یا همان رهبران آموزشی، می توانند با هشیاری و ارتباط متقابل، دائم با کارکنان، دانش آموزان و اولیایشان از هنجارهای مثبت و باورها و ارزش هایی که در مأموریت مدرسه آمده است، مراقبت کنند. باید مراقب بود تا فرهنگ های مسموم بر مدرسه حاکم نشود.

#### ویژگی های فرهنگ های مسموم

این نوع فرهنگ ها همان عناصر فرهنگ های مثبت مانند ارزش ها، سنن، روال ها و مراسم را دارند، فقط با این تفاوت که اثر این ها به جای مثبت بودن و ارتقا دادن، منفی است. شکوه و شکایت، غرغر کردن، اکراه و بی میلی، عدم اعتماد و انتقام جویی، از جمله نشانگرهای چنین فرهنگی است. احساس ناامیدی انرژی را از معلمان می گیرد و ارتباط عاطفی آن ها با دانش آموزان را از بین می برد. این فرهنگ های مسموم به سختی تغییر می کنند، چون افراد در ترویج منفی گرایي با هم متحد می شوند.

#### چگونه فرهنگ های مسموم به وجود می آیند؟

راه های زیادی برای گسترش این نوع فرهنگ ها وجود دارد. ممکن است از رفتارهای غیر اصولی مدیر یا کودک و سستی وی در تأمین نیازهای واقعی کارکنان و دانش آموزان مبتنی بر باورها و ارزش ها ناشی باشد. گاهی افراد کلیدی مدرسه را ترک می کنند و گاهی لوفات اصلاحات از بالا به پایین، فرهنگ جاری را تضعیف می کند. مثلاً مدیر جدید به دلیل ترک نکردن فرهنگ موجود، به اعتقالات و سنت هایی که عمیقاً در مدرسه ریشه دارند، بی احترامی می کند. بدین ترتیب نوعی فرهنگ منفی ایجاد می کند. مثال های دیگری از علل رشد منفی گرایي از قرقر زیر است:

- زیر با گذاشتن عرف های فرهنگی: شامل کنترل دستور جلسه توسط مدیر، اجتناب از بحث و گفتگو در جلسات.
- حذف موقعیت هایی که اعتماد ایجاد می کند.

پیش یکی از مشایخ گله کردم که فلان در حق من به فساد گواهی داده است، گفتا به صلاحش خجل کن گلستان سعدی



- پایان دادن به مراسم با ارزش برای کارکنان: مثلاً در یک مدرسه، مدیر دستگاه کپی را از دفتر دبیران بیرون می برد و به طور غیر عمدی، به مراسم صبحانه خوردن همراه با کپی گرفتن و گفت و گو پایان می دهد.

- موفق نبودن در مواجهه با اعضای منفی کادر: به مرور زمان، زمام امور را این افراد به دست می گیرند.

برای تغییر شکل دادن فرهنگ های مسموم به فرهنگ های مثبت، رهبران آموزشی باید سعی کنند به افراد فرصت دهند تا در یک جمع عمومی، نظرات خود را بیان کنند. به مطالب آن ها گوش دهند و برای ظهور احساسات مثبت، صبور باشند هم چنین، باید تمرکز بر انتخاب و حفظ کادر مثبت داشته باشند. کارکنانی را بیابند که دانش آموزان را باور داشته باشد و آن ها را تشویق کنند تا رهبران غیر رسمی فرهنگ بشوند. در ضمن، صحبت صادقانه و مستقیم با کادری که تأثیر منفی بر فرهنگ دارند، باعث می شود آن ها بفهمند اعمالشان چه تأثیر شدیدی بر جو عمومی مدرسه دارد. گاهی برای پایان دادن به اعمالشان، باید به آن ها آموزش داد.

تغییر شکل دادن فرهنگ های مسموم، چالش برانگیز است، ولی در طی زمان، مدیر (رهبر آموزشی) می تواند عناصر فرهنگ مثبت را ایجاد و تقویت کند.

**هشت نقش اساسی رهبران مدارس که باعث قدرت بخشیدن به فرهنگ مثبت می شود، عبارت اند از:**

\* رهبران مدرسه در حکم مورخان مدرسه هستند. تاریخچه شکست در هر مدرسه، به ایجاد حس ناامیدی می انجامد. مدیران مؤثر این احساس را درک می کنند و با تحلیل دقیق موقعیت کارکنان را برای موفق شدن در آینده آماده می کنند.

\* رهبران مدارس، انسان شناس هستند: آن ها سنت ها، ارزش ها و باورهای جاری را تجزیه و تحلیل می کنند.

\* رهبران مدرسه به رویاها توجه می کنند: رهبران مدرسه از دانش گذشته و فرهنگ جاری استفاده می کنند تا تصویری از مدرسه ایده آل ترسیم کنند: رویایی که مدرسه می تواند آن را محقق کند. رهبران مؤثر این کار را از راه گوش دادن به رویاهایی نه از قلب و مغز کارکنانشان نشئت می گیرد، انجام می دهند.

\* رهبران مدرسه الگو هستند: رهبران مدرسه با طرز لباس پوشیدن، رفتار، دقت و اعمالشان، ارزش ها را آشکار می سازند. هر کاری که رهبران انجام می دهند، هر چیزی که نسبت به آن توجه نشان می دهند، هر چیزی که از آن به هیجان می آیند، یا هر چه که از آن خوششان می آید، همگی در حکم پیام های قدرتمند برای کارکنان و دانش آموزان هستند. رهبران اساساً معلمان فرهنگ هستند. «بازدید روزانه» مدیر از مدرسه، برای یافتن مشکلات احتمالی خیلی اهمیت دارد، ولی مهم تر این است که دانش آموزان و کادر مدرسه می بینند که مدیر به آن ها، معلمان، کلاس های درس و فرایندهای یادگیری اهمیت می دهد و توجه دارد.

\* رهبران مدرسه هم چون کوزه گران هستند: همان طور که کوزه گر، به گل شکل می دهد، مدیر مدرسه هم به سنت ها، مراسم، جشن ها و نمادهای مدرسه شکل می دهد. مدیر مدرسه از روی کلمات، نشان ها، تصاویر و مراسم خاص، به ایده های

افراد پی می برد. مدیران می توانند مشوق روال هایی باشند که ایده آل های مهم را ترویج می کنند.

\* رهبران آموزشی شاعرند: مدیران می توانند از زبان های متعددی برای ارسال ارزش های مهم استفاده کنند (از زبان یادداشت تا زبان شعاری): زبانی که برانگیزنده احساسات مختلف باشد.

\* رهبران آموزشی هم چون بازیگران اند: هر مدرسه ای «نمایش نامه اجتماعی» خود را بازی می کند. به جای سرکوب و مهار این نمایش نامه ها، رهبران می توانند از آن برای تصریح و جهت دادن مجدد مدرسه استفاده کنند. مثلاً وقتی اتفاقی در مدرسه رخ می دهد (فوت یک معلم محبوب) به جای نادیده گرفتن تعطیلی مدرسه، مدیر می تواند برنامه ریزی کند که کمیته ای موقت از معلمان، کارکنان و دانش آموزان مدرسه برای آن رویداد آماده شوند. اگر احساساتی که در زیر ظاهر سطحی مدرسه وجود دارد، نادیده گرفته شود یا به آن اهمیت داده نشود، زمینه برای رشد فرهنگ مسموم ایجاد می شود.

\* رهبران مدرسه درمان گر هستند: رهبران مدرسه باید بر زخم های ناشی از فقدان ها و ناسازگاری ها اشراف داشته باشند. مدرسه ها باید شروع و پایان کار مدرسه را جشن بگیرند و مدیران با استفاده از این فرصت ها، بر ارزش های اساسی و فرهنگ مدرسه تأکید مجدد داشته باشند. در زمان ورود اعضای جدید یا رفتن اعضای قدیمی نیز، می توان این مراسم را اجرا کرد.

البته رهبران آموزشی مدارس (مدیران) برای تقویت فرهنگ مثبت در مدرسه، باید موارد زیر را در نظر داشته باشند:

- برنامه ها باید بازنگری و اصلاح شوند.  
- تغییرات مداوم کارها را خراب می کند.  
- آموزش کاری است جدی، ولی تفریح هم در آن لازم است.

- نمرات معیارهای حقیقی در نتایج آموزشی هستند. ولی از آن ها به عنوان یکی و تنها یکی از معیارهای متفاوت و متعدد ارزش یابی استفاده نشود.

- شتابزده تصمیم گیری نشود. قبل از اطمینان، دست به کاری نزنند.

پی نوشت

1. Kilmann, R.H., Saxton, M.J., & Serpa, R. (1986). Issues in understanding and changing culture. California Management Review, 28, 8794. Quoted in School Culture and School Performance by Ralf Maslowski.
2. Maslowski, R. (1993). Organisatiecultuur Systematisch Benaderd [A Systematic Approach of Organizational Culture]. Unpublished master's thesis, University of Twente, Faculty of Educational Science and Technology, Enschede, The Netherlands. Quoted in School Culture and School Performance by Ralf Maslowski.
3. Hopkins, D., Ainscow, M., & West, M. (1994). School improvement in an era of change. London: Cassell. Quoted in School Culture and School Performance by Ralf Maslowski.

منابع

1. Maslowski Ralf (2001), School Culture and School Performance, Twente University Press, www.tup.utwente.nl/uk/catalogue/educational/school-culture
2. Deal Terrence E. and Kent D. Peterson (2009), Shaping School Culture: Pitfalls, Paradoxes, & Promises Second Edition, Jossey-Bass

بزرگ اوست که بر خاک  
هم چو سایه آبر  
چنان رود که دل مرد را  
نیازد

صائب

# اولین نشانه پراسترن



○ معلم روشنائی  
○ نویسنده: هلن المیرا ویت  
○ ترجمه: محمد علی قربانی  
○ ناشر: انتشارات مدرسه  
○ تلفن: ۹-۳۲۴-۸۸۸۰۰۲۱  
○ چاپ اول، ۱۳۸۹  
○ قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

همه ما موفقیت‌های زندگی خود را مدیون معلم‌های فداکاری هستیم که بی‌هیچ چشم‌داشتی، وقت خود را صرف راهنمایی و آموزش ما کرده‌اند. گاه این شخص یکی از اعضای خانواده یا یک دوست است و گاه یکی از معلمان مدرسه. بی‌شک اگر کمی بیندیشیم، نام معلمی که مسیر زندگی ما را تغییر داده است، به یاد می‌آوریم. شاید نام هلن کلر را شنیده باشید؛ دختری که از نعمت دیدن، شنیدن و سخن گفتن محروم بود. ولی زحمتهای بی‌دریغ معلم جوانی او را با دنیای انسان‌ها و کتاب آشنا و وارد جمع نویسندگان کرد. این معلم که کمتر از او یاد شده است، آنا ماتسفیلید سولیوان بود که خود تا شانزده سالگی نابینا بود.

کتاب «معلم روشنائی»، شرح مختصری از تلاش‌ها و دل‌سوزی‌های آنا سولیوان است که جوانی و سلامتی خود را فدای آموزش دادن به هلن کرد. در بخشی از این کتاب، از زبان هلن می‌خوانیم:

«... چه قدر خوب می‌شد اگر هر کسی در اولین روزهای بلوغ، چند روزی نابینا و ناشنوا می‌شد. تاریکی او را نسبت به نعمت بینایی قدرشناسی می‌کرد و سکوت بی‌پایان مایه عبرت او می‌شد تا از شنیدن صداها لذت ببرد»

گاهی من نابینا دوستان خود را امتحان کرده‌ام تا کشف کنم به راستی چه می‌بینند. چند روز پیش، یکی از آن‌ها بعد از گردشی طولانی در جنگل به دیدنم آمده بود. خواستم کمی از آن‌چه در جنگل دیده بود، برایش تعریف کند، جواب داد: چیز خاصی نبود.

البته من به شنیدن این جور جواب‌ها عادت دارم، و گرنه ممکن بود از شنیدنش شگفت‌زده شوم. از مدت‌ها

پیش به این باور رسیده بودم که افراد بینا کمتر می‌بینند. در دلم گفتم، چگونه ممکن است ساعت‌ها در جنگل قدم بزنند و هیچ چیز خاص و باارزشی نبینند؟ من نابینا با لمس کردن می‌توانم صدها نکته جالب برای گفتن بیابم. من تقارن ظریف یک برگ را حس می‌کنم و با اشتیاق بر پوست نرم درختان کرکدار صنوبر دست می‌کشم. در بهاران امیدوارانه شاخه‌های درختان را در جست‌وجوی یک جوانه، که اولین نشانه بیدار شدن طبیعت از خواب زمستانی است، لمس می‌کنم. من گل‌برگ‌های مخملی و لطیف یک گل را حس می‌کنم. چین‌های آن را کشف می‌کنم و هر لحظه یکی از معجزه‌های طبیعت برای من آشکار می‌شود...»

استفاده از بازی‌های رایانه‌ای در کلاس

سپیده شهیدی

# بازی‌های رایانه‌ای

برخی از معلم‌ها در دوره‌ای از زندگی خود به ناگاه با برخی از زوایای فناوری مواجه شده‌اند و خواسته یا ناخواسته خود را با آن وفق داده و به دنبال یادگیری و کسب دانش و مهارت مرتبط با آن رفته‌اند. این در حالی است که بسیاری از دانش‌آموزان از ابتدای تولد، در اطراف خود محصولات فناوری را دیده و از آن‌ها استفاده کرده‌اند. تلویزیون، رایانه، گوشی همراه و... همه و همه مثال‌های ساده‌ای از این دست‌اند. از این روست که بیشتر بچه‌ها برخلاف اغلب بزرگ‌ترها، نه تنها فناوری را امری جدای از خود یا دنیایشان تصور نمی‌کنند، بلکه وجود آن را از بدیهیات دانسته و شاید زندگی منهای فناوری، برایشان امری محال و دور از ذهن باشد. در این میان، آن‌چه می‌تواند اهمیت نقش این فناوری‌ها را پررنگ‌تر سازد، کاربرد آن‌ها در کلاس درس و ارتباط تنگاتنگ آن‌ها با امر آموزش است. ما به عنوان معلم‌های این نسل، اگر بخواهیم کلاس‌هایمان به آن‌چه که در تصویرها و دنیای دانش‌آموزان می‌گذرد نزدیک‌تر باشد، ناگزیریم فناوری را به کلاس درس بیاوریم و آن را با طرح درس‌هایمان، به گونه‌ای شایسته، عجين کنیم.

### بازی‌های جدی

معمولاً هرگاه سخن از بازی‌های رایانه‌ای به میان می‌آید، ذهن مخاطب به سوی اثرات منفی این گونه بازی‌ها بر جسم و روان دانش‌آموز معطوف می‌شود. این در حالی است که تحقیق‌ها ثابت کرده‌اند، اثرات سوء این نوع بازی‌ها فقط در صورتی بروز می‌کند که فرد بدون رعایت محدودیت‌های زمانی به آن‌ها مشغول باشد. اگر بازی‌های رایانه‌ای تحت شرایط کنترل شده (زمان محدود، فضای مناسب، رعایت اعتدال در انجام بازی‌های آن‌لاین و...) انجام شوند، می‌توانند فعالیت‌هایی سالم و اثربخش برای دانش‌آموزان محسوب شوند. در سال‌های اخیر، حرکت تازه‌ای به نام «بازی‌های جدی»<sup>۱</sup> آغاز شده است که هدف آن استفاده از فناوری‌های جدید بازی‌های رایانه‌ای برای تعلیم و تربیت نسل امروز است.

در دوره قبل در مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، به معرفی وبلاگ و کاربردهای گوناگون آن به عنوان یکی از امکانات مناسب فناوری رایانه‌ای و اینترنت برای استفاده در کلاس درس پرداختیم. در سال تحصیلی جدید، مطالبی را درباره بازی‌های رایانه‌ای و کاربرد آن‌ها در امر آموزش شرح خواهیم داد.

جایگاه فناوری در زندگی بشر امروز قابل انکار نیست. این روزها تک‌تک ما از کودک و بزرگسال تا افراد سال‌خورده، دائم در حال تجربه این واقعیت هستیم که زندگی بدون بسیاری از فناوری‌ها، کاری دشوار و در برخی موارد غیرممکن است. امروزه هر فرد، به فراخور حال خود، نیازمند آن است که با کارکرد بعضی از فناوری‌ها، در حد لزوم، آشنا باشد. این آشنایی ممکن است شامل طرز کار یک دستگاه بازی ویدیویی برای کودک، روش استفاده از یک نرم‌افزار خاص رایانه‌ای برای دانشجو، طرز کار منوی دیجیتال ماشین لباس‌شویی برای خانمی خانه‌دار یا استفاده از دستگاه خودپرداز بانک هنگام دریافت مستمری برای فردی مسن باشد.



غلامرضا بهرامی

شماره ۱ مهر ۹۰  
دوره ۱۷

## فواید بازی‌های رایانه‌ای

استفاده از بازی‌های رایانه‌ای در بهبود مهارت‌های شناختی، درک سه بعدی، مهارت‌های حرکتی و نیز پیشرفت مهارت‌های ICT در دانش‌آموزان، بسیار مؤثر است. از این بازی‌ها می‌توان برای آموزش موارد زیر به منظور افزایش خلاقیت و ایجاد مثال‌های عملی از مفاهیم و قوانینی که تجسم آن‌ها در دنیای واقعی سخت است، استفاده کرد:

○ فهم دانش

○ حفظ کردن و به خاطر آوردن مطالب

○ درک بعضی از اصول و قوانین (مثل قانون رابطه بین علت و معلول)

○ حل مشکل‌های پیچیده

هم‌چنین، وجود این بازی‌ها در اجرای آزمایش‌هایی که ممکن است اجرای آن‌ها در آزمایشگاه برای دانش‌آموزان خطرناک باشد (مثل کار با بعضی مواد شیمیایی)، بسیار مفید است.

بیشتر بازی‌های رایانه‌ای بر این پیش‌فرض استوارند که بازیکن، به یادگیری، از بر کردن، مشارکت با دیگران، جستجو و به دست آوردن اطلاعات برای ادامه بازی نیاز دارد. یادگیری در همان زمان بازی اتفاق می‌افتد و یکی از فواید مهم بازی‌های رایانه‌ای این است که به بازیکن اجازه یادگیری در محیط چالش‌برانگیز را می‌دهد. او در این محیط می‌تواند اشتباه کند و آن‌قدر کاری را تکرار کند تا آن را یاد بگیرد. این بازی‌ها هم‌چنین فضا را برای مشارکت میان دانش‌آموزان آماده می‌کنند؛ زیرا آن‌ها به هنگام بازی، اطلاعاتشان را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند و مطالب را از یکدیگر می‌آموزند. در بازی‌هایی که چند بازیکن در آن شرکت دارند، می‌توان با گروه‌بندی بچه‌ها، علاوه بر مشارکت، نوعی فضای رقابت مطلوب و سالم را هم فراهم کرد.

از طریق انجام این بازی‌ها، می‌توان بعضی اثرهای روحی و روانی مثبت را نیز در بچه‌ها ایجاد کرد که افزایش اعتمادبه‌نفس و توانمندسازی آن‌ها برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، از آن جمله‌اند. هم‌چنین، اگر بازی در فضایی سالم و کنترل شده انجام شود، می‌تواند روی هیجان‌ها و احساس‌های دانش‌آموزان نیز اثرهای مثبتی داشته باشد. احساس‌هایی که در طول بازی ایجاد می‌شوند، ممکن است از لذت و هم‌دلی تا عصبانیت، ناامیدی یا غرور و پیروزی، متغیر باشد. این توالی احساس‌ها، بازیکن را کاملاً در بازی غرق می‌کند. مطالعات نشان داده‌اند، احساس، نقش مهمی در فرایند به خاطر سپاری مطالب دارد؛ به ویژه اگر جهت‌گیری آن در راستای مطالبی باشد که قرار است فرد یاد بگیرد. از آن‌جا که بازی‌های رایانه‌ای، احساس‌های گوناگونی را در

فرد به وجود می‌آورند، به یاد آوردن مطالب آموخته شده از طریق آن‌ها، به گونه‌ای بسیار زنده و به کمک فرایندی شناختی صورت می‌گیرد. هم‌چنین، از طریق ایجاد رضایتمندی به هنگام برنده شدن در بازی، اطمینان از یادگیری بعضی مهارت‌ها و دریافت بازخورد سریع از عملکرد، در دانش‌آموز حس اعتمادبه‌نفس ایجاد می‌شود.

## بازی‌های رایانه‌ای و فرایند شناختی

در میان نظریه‌های آموزشی گوناگون، برای اطمینان از حصول یادگیری، رویکردهای گوناگونی را می‌توان اعمال کرد. بیشتر نظریه‌های آموزشی در یکی از این سه دسته‌قرار می‌گیرند:

\* رفتارگرایانه

\* شناخت‌گرایانه

\* ساختارگرایانه

در رویکرد رفتارگرایانه، اشخاص، خود به طور مستقیم نقشی در فعالیت‌های یادگیری ندارند، بلکه تنها ملزم به پاسخ دادن به محرک‌اند. در نظریات شناخت‌گرایانه، افراد نقش‌های درونی (دانش) دارند که برای به روز شدن و تکمیل آن، به اتفاق‌های خارجی نیاز است. در این نظریه‌ها، بر اهمیت فرایندهای شناختی تأکید زیادی می‌شود و بسیاری از نظریه‌های معروف آموزشی در این گروه قرار می‌گیرند. در نظریه‌های ساختارگرایانه، یادگیری از طریق تعامل فرد با محیط و گروه هم‌سالانش اتفاق می‌افتد. در این روش، دانش‌آموز با سعی و خطا عمل می‌کند و هر بار تجربه‌های حال و گذشته‌اش را بررسی و دانش خود را تصحیح و به روز می‌کند.

بازی‌های رایانه‌ای معمولاً شامل میزان بالای تعامل، تلاش برای رسیدن به هدف‌های خاص، احساس چالش مداوم و حس سرگرم شدن هستند؛ مجموع این مفهوم‌ها می‌تواند فضای یادگیری موفق‌تری را تشکیل دهد.

تقریباً می‌توان گفت، بازی‌های رایانه‌ای، هر سه رویکرد آموزشی شناختی، رفتاری و ساختاری را در خود نشان می‌دهند. در این بازی‌ها دانش‌آموز می‌تواند نظریه‌ها و فرضیه‌های جدید بسازد، آن‌ها را آزمایش کند و بر این اساس، دانش خود را مجدداً بازبینی کند. بازی‌های جدید که از فناوری سه بعدی بهتری برخوردارند، محیط شبیه‌سازی شده‌ای را فراهم می‌آورند که بازیکن می‌تواند در فضایی بسیار نزدیک به واقعیت، با آن به تعامل بپردازد. در شماره‌های بعد، انواع بازی‌های رایانه‌ای و کاربرد آن‌ها را در کلاس درس و نیز چگونگی اجرای طرح درس به کمک این نوع بازی‌ها را معرفی و شرح خواهیم داد.

پی‌نوشت

1. Serious Games

منبع

Digital games in schools; Dr. Patrick Felicia, Department of Computer Science, Waterford Institute of Technology, Ireland; June 2009

یکی از فواید مهم بازی‌های رایانه‌ای این است که به بازیکن اجازه یادگیری در محیط چالش‌برانگیز را می‌دهد. او در این محیط می‌تواند اشتباه کند و آن‌قدر کاری را تکرار کند تا آن را یاد بگیرد



از طریق ایجاد رضایتمندی به هنگام برنده شدن در بازی، اطمینان از یادگیری بعضی مهارت‌ها و دریافت بازخورد سریع از عملکرد، در دانش‌آموز حس اعتمادبه‌نفس ایجاد می‌شود



ترجمه: معصومه خیرآبادی

# همراهانشان

مدیریت رفتارهای پر خاشگراانه نوجوانان

تصور کنید دانش آموزی به ناگاه کنترل احساسات خود را از دست دهد و از شدت خشم در کلاس فریاد بزند یا با هم کلاسی های خود به نزاع و زد و خورد بپردازد. بدون شک نحوه برخورد با چنین سوء رفتارهایی، دشوارتر از هنگامی خواهد بود که آن دانش آموز تکالیف خود را انجام نداده یا به درس توجه کافی نداشته باشد. بدون تردید، شیوه مدیریت شما بیش از هر عامل دیگری تعیین کننده تکرار یا عدم تکرار چنین رفتارهایی

سنین نوجوانی حساسیت های ویژه ای دارد. تغییرات جسمی و روحی مخصوص این دوره، زمینه ساز رفتارهای پر خاشگراانه در نوجوانان است. از آن جا که افزون بر حضور چندین نوجوان در یک محیط، اضطراب ناشی از یادگیری مطالب درسی یا حضور در امتحان نیز ممکن است این گونه رفتارها را در کلاس درس تشدید کند، لازم است معلمان دوره راهنمایی تحصیلی، همواره برای رویارویی با چنین رفتارهایی، آمادگی کافی داشته باشند.

است. شما باید به اندازه‌های آمادگی داشته باشید که هنگام بروز چنین مواردی، بتوانید ضمن کنترل موقعیت ایجاد شده، تأثیر سوء آن را بر سایر دانش‌آموزان به حداقل برسانید و احتمال تکرار مجدد را از بین ببرید. معمولاً در چنین مواردی، عجله کردن و اقدامات تلافی‌جویانه، نه تنها مشکل را برطرف نمی‌کند، بلکه ممکن است آن را تشدید کند و زمینه تکرار مجدد را فراهم آورد. آن چه در ادامه می‌آید، برخی بایدها و نبایدهایی است که لازم است هنگام بروز رفتارهای پر خاشگرانه، به آن‌ها توجه شود:

### ● بر خوردهای تشدیدکننده

- عجله کردن در پرسشگری: تردیدی وجود ندارد که دانش‌آموز پر خاشگر باید به دلیل رفتار نامناسب خود پاسخگو باشد، اما نه بلافاصله بعد از بروز آن رفتار. به منظور جلوگیری از تشدید موقعیت ایجاد شده، بهتر است اجازه دهید مدتی از بروز پر خاشگری بگذرد. سپس از دانش‌آموز درباره علت آن توضیح بخواهید.

- عصبانی شدن: عصبانیت در مقابله با پر خاشگری، مانند برافروختن شعله آتش در کنار مواد منفجره است. هیچ‌گاه فریاد نزنید، سرزنش نکنید و قدرت و اختیارات خود را روی دانش‌آموزانی که به لحاظ احساسی مورد اتهام قرار گرفته‌اند، اعمال نکنید.

- لمس کردن: برای معلمان امری عادی است که به منظور آرام کردن دانش‌آموزان، دست خود را روی شانه آن‌ها قرار دهند. اما از آن‌جا که ممکن است از دانش‌آموز پر خاشگر رفتار غیرمنتظره‌ای سربرزند، بهتر است فاصله خود را با او حفظ کنید.

- صحبت کردن: دانش‌آموز عصبانی آمادگی گفت‌وگو را ندارد. بنابراین توصیه می‌شود در زمان پر خاشگری و حتی ساعتی پس از آن، او را به حال خود بگذارید.

### ● بر خوردهای باز دارنده

- حفظ آرامش: کنترل احساسات اولین گامی است که از طریق آن می‌توانید بر هر موقعیتی تسلط پیدا کنید. بنابراین، آرامش خود را از دست ندهید.

- نگاه کردن: با قاطعیت در گوشه‌ای از کلاس به گونه‌ای که بتوانید همه دانش‌آموزان را تحت نظر داشته باشید، بایستید و به دانش‌آموز پر خاشگر نگاه کنید، به طوری که بقیه دانش‌آموزان مطمئن شوند اداره کلاس در دست شماست.

- آرام نگه داشتن سایر دانش‌آموزان: سعی کنید بقیه دانش‌آموزان را آرام نگه دارید، به طوری که با دانش‌آموز عصبانی وارد مشاجره یا همراه نشوند.

- سکوت کردن: در ابتدا سعی کنید چیزی نگویند و کاری انجام ندهید. اگر دانش‌آموز عصبانی رفتار

پر خاشگرانه خود را متوقف کرد، فعالیتی را که مشغول انجام آن بودید، ادامه دهید و اجازه بدهید دانش‌آموز پر خاشگر آرامش خود را بازیابد.

- استفاده از کلام آرامش‌بخش: گاهی ممکن است سکوت راه چاره نباشد و لازم باشد از کلام آرامش‌بخش استفاده کنید. مثلاً می‌توانید بگویید: «خودت را اذیت نکن... می‌دانم که ناراحت شده‌ای... بعداً درباره این موضوع با هم صحبت می‌کنیم...» یا از کلمات و جملات دیگری استفاده کنید که تأثیر مثبت داشته باشند.

- منتظر ماندن: تا زمانی که دانش‌آموز عصبانی آرامش خود را به دست نیاورده است، با او صحبت نکنید. صحبت کردن درباره موضوع را به هنگامی موکول کنید که مطمئن هستید آمادگی شنیدن حرف‌های شما را دارد.

- تشخیص علت عصبانیت: به محض این که آرامش برقرار شد، از دوستان و هم‌کلاسی‌های دانش‌آموز پر خاشگر درباره ماجرا پرس و جو کنید و علت عصبانیت او را دریابید. با شناسایی آن چه باعث پر خاشگری شده است، می‌توانید از بروز مجدد آن جلوگیری کنید.

- اطلاع‌رسانی به والدین: در صورتی که پر خاشگری دانش‌آموزان از حالت عادی خارج شود، بهتر است مراتب را به والدین آن‌ها اطلاع دهید و برای حل مشکل از آن‌ها چاره‌جویی کنید. وظیفه شما اطلاع‌رسانی کامل درباره حقایق است که روی داده است. پس در انجام آن کوتاهی نکنید؛ خواه والدین در انجام وظایف خود مسئولیت‌پذیر باشند، خواه نه.

- توجه کردن دانش‌آموز نسبت به وظایفی که در کلاس برعهده دارد: پس از این که دانش‌آموز آرامش خود را بازیافت (معمولاً پس از یک یا دو ساعت)، درباره مسئولیت‌های او در کلاس درس و نحوه برخورد مناسب در کلاس با او صحبت کنید.

- حفظ جایگاه خود: تنها در صورت درگیری فیزیکی دانش‌آموزان با یکدیگر، مدیر مدرسه را وارد ماجرا کنید، در غیر این صورت، مداخله مدیر یسا معاونان، باعث تضعیف جایگاه شما می‌شود و بر مدیریت کلاسی‌تان تأثیر منفی می‌گذارد.

### منبع

مقاله فوق با عنوان «چگونه با دانش‌آموز پر خاشگر و عصبانی در کلاس درس برخورد کنیم؟» نوشته مایکل لینسین (Michael Linsin) در هشت می ۲۰۱۰ و برگرفته از سایت [www.smartclassroommanagement.com](http://www.smartclassroommanagement.com) است. در سال گذشته نیز مطلبی با عنوان «پر حرفی در کلاس» را از همین نویسنده خواندیم.

هم‌چنین در سایت [www.teachingtoday.com](http://www.teachingtoday.com) مقالات مفیدی در زمینه شیوه مدیریت کلاسی و حل مسئله یافت می‌شود که برخی از آن‌ها مختص دوره راهنمایی تحصیلی هستند. از جمله: مقاله‌های «مدیریت کلاس‌های دوره راهنمایی تحصیلی» و «آزمون‌سازی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی».

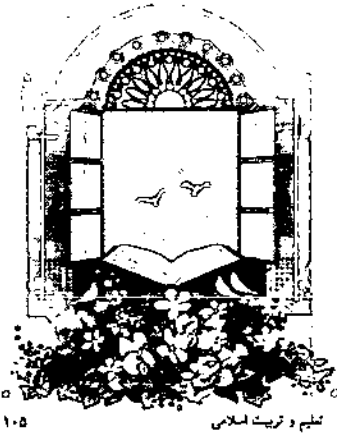
عجله کردن و اقدامات تلافی‌جویانه؛ نه تنها مشکل را برطرف نمی‌کند، بلکه ممکن است آن را تشدید کند و زمینه تکرار مجدد را فراهم آورد

پرویز آزادی  
کارشناس گروه دینی، تعلیم و تربیت دینی

# ارزش‌یابی پیش‌ترتیبی پیام‌های آسمان

( پیام‌های آسمان )

سال اول  
دوره راهنمایی تحصیلی



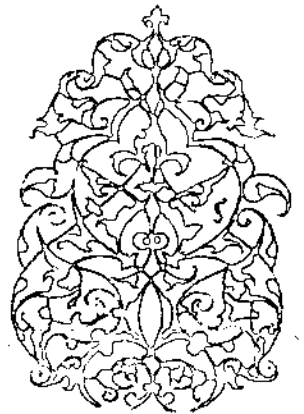
۱۰۵

تعلیم و تربیت اسلامی

در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ کتاب‌های دینی اول راهنمایی با عنوان «فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی»، به کتاب‌های «پیام‌های آسمان» تغییر یافت. این تغییر، تغییرات دیگری نیز در پی داشت که یکی از آن‌ها شیوه ارزش‌یابی این درس است. شیوه‌نامه ارزش‌یابی درس «پیام‌های آسمان» هم‌زمان با تصویب راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی، به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید. بخش‌نامه این شیوه‌نامه نیز در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۴ به تمامی استان‌ها ابلاغ شد. تماس‌های معلمان و مسئولان گروه‌های آموزشی با گروه دینی پیرامون این شیوه‌نامه، نشانگر ابهامی بود که از شیوه‌نامه برای آنان ایجاد شده بود. در این مقاله می‌کوشیم مبانی نظری این شیوه‌نامه را به خوبی تبیین کنیم تا ابهامات احتمالی تا حدودی مرتفع شود.

## ارتباط اهداف و ارزش‌یابی

هدف نهایی تعلیم و تربیت دینی، «دست‌یابی به بینشی صحیح و عقلاتی از دین (صراط مستقیم)، ایمان



ارزش‌یابی مستمر، اطلاعات مستند و معتبری به معلم می‌دهد تا بتواند براساس آن‌ها مرحله بعدی تدریس خود را طراحی کند

و باور قلبی بدان و عمل به وظایف و دستورات دینی» است. این هدف نهایی درجات متفاوتی دارد. «همه» درس‌ها ابزارهای زندگی‌اند و تعلیم و تربیت دینی خود زندگی است. اکنون درس دینی، درسی در شمار درس‌های دیگر است و از برنامه‌ریزی مشابهی تبعیت می‌کند. ساعت درسی خاصی دارد، با روشی شبیه



درس‌های دیگر تدریس می‌شود و مانند آن‌ها امتحان و آزمون دارد و همان‌طور که درس‌های دیگر قبولی و مردودی دارد، ممکن است دانش‌آموزی از درس دینی هم مردود شود، گرچه فردی عامل به دین و نمازخوان، روزه‌گیر، راستگو و درست‌کار باشد.

وقتی می‌گوییم تعلیم و تربیت دینی برنامه زندگی است، بدین معناست که اگر کسی دین را برگزید و به دین دل داد، زندگی دینی را برگزیده است و ماهیت زندگی خود را صبغه دینی و الهی بخشیده است. نظام فعلی آموزش و پرورش که درس دینی را در تلقی مخاطب به درس هم‌عرض درس‌های دیگر تبدیل کرده، این نتیجه را رقم زده است که دانش‌آموز میان درس دینی و دین‌داری خود رابطه‌ای نبیند و چه‌بسا نمره‌ای کم در درس دینی بگیرد، اما در دین‌داری سرآمد افراد کلاس باشد یا برعکس، نمره‌ای عالی بگیرد، اما در رفتار دینی از دیگران عقب‌تر باشد.

آسیب دیگر، به رابطه میان ابعاد دین‌داری برمی‌گردد. معرفت به معارف دینی و صراط مستقیم، لازمه ایمان و عمل صالح است و به میزانی که این معرفت به شخص متعلم نشاط علمی و معرفتی ببخشد، ایمان وی را کامل و قوی می‌کند. اما اگر کسب این معرفت در شرایط نامطلوب و از سر بی‌میلی و بی‌ رغبتی انجام پذیرد، نه تنها به تکمیل و تقویت ایمان نمی‌انجامد، بلکه به معرفتی ناپایدار و سست منجر می‌شود و ایمان دینی را هم ضعیف می‌کند؛ چرا که دانش‌آموز احساس می‌کند مثلاً درس خداشناسی را باید بدان منظور بخواند که نمره بیست بگیرد تا معدلش افزایش پیدا کند. در واقع به طور ناخودآگاه احساس می‌کند که عامل بیرونی او را به سوی خداشناسی می‌کشاند، نه انگیزه‌های درونی. همین موضوع، نوعی بی‌میلی ناخودآگاه نسبت به درس در وی ایجاد می‌کند. این بی‌میلی و بی‌ رغبتی سبب می‌شود دانش‌آموزان درس دینی را بخوانند و نمره‌های مناسب بگیرند، اما کمتر به تحکیم پیوند قلبی برسند. علاوه بر این، چون آن علقه قلبی میان فرد و آموخته‌ها برقرار نمی‌شود، خود این دانش‌ها نیز ناپایدار و زودگذر می‌گردند و عموم آموخته‌ها در ظرف مدت کوتاهی فراموش می‌شوند و دانش‌آموز احساس می‌کند چیزی از آن آموخته‌ها را در اختیار ندارد.

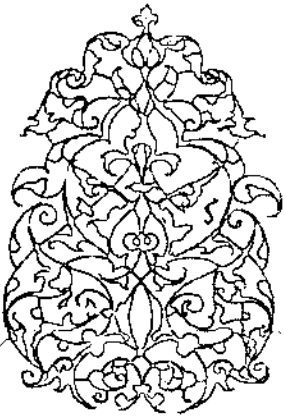
### حوزه‌های ارزش‌یابی

ارزش‌یابی بخشی از فرایند یادگیری است که در مراحل گوناگون آن حضور دارد و به اهداف یادگیری توجه

می‌کند و همان‌گونه که میزان تحقق اهداف را می‌سنجد، به تحقق آن‌ها نیز کمک می‌کند؛ یعنی دانش‌آموز را به فعالیت‌هایی سوق می‌دهد که او را در رسیدن به اهداف یاری می‌کنند. تعلیم و تربیت دینی سه هدف را دنبال می‌کند و می‌کوشد که دانش‌آموزان به این سه هدف دست یابند: ۱. شناختی عقلانی از مبانی و معارف و وظایف دینی؛ ۲. ایمان به آن مبانی و معارف و وظایف؛ ۳. عمل به وظایف و مسئولیت‌ها. فعالیت‌های یادگیری که در برنامه درسی پیش‌بینی می‌شود و در صحنه آموزش جاری می‌گردد، برای تقویت یکی از این اهداف یا هر سه هدف است. در میان این سه، فعالیت‌هایی که به هدف رفتاری و عمل صالح مربوط است، نمی‌تواند در دایره ارزش‌یابی قرار گیرد. اما این به معنی نادیده گرفتن این قبیل فعالیت‌ها در محیط آموزشی نیست. مشارکت دانش‌آموزان در برگزاری نماز جماعت، فعالیت‌های خیریه و امدادی، دعوت دیگران به خوبی‌ها و منع از بدی‌ها و سایر فعالیت‌های شخصی و اجتماعی دینی، می‌تواند در برنامه درسی پیش‌بینی شود و دانش‌آموزان به انجام اختیاری آن‌ها دعوت شوند. ارزش‌یابی در تعلیم و تربیت دینی باید در حوزه فعالیت‌های زیر انجام پذیرد:

### الف) ارزش‌یابی از فعالیت‌های رشددهنده تفکر و تعقل

ارزش‌یابی در حوزه تفکر و تعقل باید به نحوی باشد که بتواند تعادلی میان این سطوح ایجاد کند. باید متناسب با سن رشد و موضوع خاص مطرح شده، برخی از این سطوح، اولویت داده شود و برخی از سطوح در مرتبه بعدی قرار گیرند. به طور مثال، خداشناسی، احکام نماز و روزه، صداقت و درست‌کاری سه موضوع دینی هستند که با سطوح متفاوتی از مهارت‌های تفکر درگیرند. تشخیص و انتخاب این سطوح در مراحل یادگیری و تعیین فعالیت‌های مناسب با هر یک و تمرکز ارزش‌یابی بر آن‌ها بسیار حائز اهمیت است. بر این مبنا، باید گفت که انواع گوناگون ارزش‌یابی، به میزانی که در یادگیری این مهارت‌ها مدد می‌رسانند، باید به کار گرفته شوند. برخی از فعالیت‌ها و مهارت‌های قابل سنجش در قلمرو شناخت عقلی که به سطوح متفاوت آن مربوط می‌شوند، بر این شرح‌اند: درک رابطه عنوان با مطلب، رابطه اجزای مطلب با هم و با کل مطلب، جمع‌آوری اطلاعات درباره یک مطلب، برقراری رابطه میان آن اطلاعات، تعریف روشن یک مفهوم، توانایی استدلال درباره یک مجهول، بیان مشاهدات، مقایسه دو مفهوم یا دو عمل و ذکر تفاوت‌ها و شباهت‌ها، بیان داستان، نتیجه‌گیری از داستان و یک



مشارکت دانش‌آموزان در برگزاری نماز جماعت، فعالیت‌های خیریه و امدادی، دعوت دیگران به خوبی‌ها و منع از بدی‌ها و سایر فعالیت‌های شخصی و اجتماعی دینی، می‌تواند در برنامه درسی پیش‌بینی شود و دانش‌آموزان به انجام اختیاری آن‌ها دعوت شوند

واقعۀ، اعلام نظر دربارهٔ عوامل داستان و واقعۀ، درک رابطه میان چند آیه پیرامون مفهومی واحد، پاسخ‌گویی به سؤال جدید، تطبیق خود و محیط زندگی بر آموزه‌های دینی و ارزیابی خود و محیط، بیان خاطرات، ذکر تجربه‌ها، تحقیق پیرامون یک موضوع، توانایی پاسخ به سؤالات دیگران، بیان نمونه‌ها و مصادیق، بیان واجبات و محرمات آموخته شده، توانایی تطبیق با مصداق‌های خارجی، ذکر فواید و نتایج عقیده یا عمل، بیان یا تکمیل استدلال، توصیف یک شخصیت، محیط، طبیعت و عمل، تفسیر یک عمل، یک بیان، یک شعر و تفکیک میان دو مفهوم یا صفت یا عمل با ذکر ملاک تفکیک.

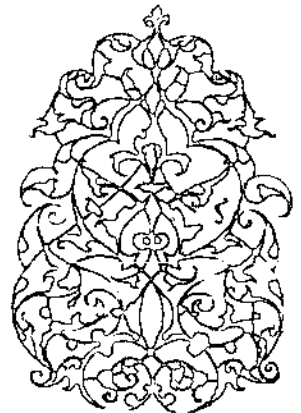
### ب) ارزش‌یابی از فعالیت‌های تقویت‌کننده ایمان و احساس دینی

با توجه به این که تفکر عقلی و تعمیق آن، ایمان و احساس دینی را تقویت می‌کند، همهٔ فعالیت‌های قبل، به تناسب ارتباط آن‌ها با سطوح بالاتر تفکر و تعقل، در تقویت ایمان مؤثرند. علاوه بر این، برخی از فعالیت‌ها نیز رابطهٔ بیشتری با تعلقات قلبی و عاطفی دارند. تشویق دانش‌آموز به این فعالیت‌ها، هم به تقویت بعد قلبی و عاطفی می‌انجامد و هم نشانگر پیوند قلبی و عاطفی اوست. برخی از این فعالیت‌ها عبارت‌اند از: بیان همدلی با شخصیت مثبت و اظهار دوری از شخصیت منفی داستان، نوشتن یا بیان علاقه‌های درونی در قالب‌هایی مانند دعا و شعر و نامه، مشارکت در گفت‌وگوها، انجام منظم فعالیت‌های پیش‌بینی شده، خلق یک اثر هنری مانند نقاشی، کار دستی، طرح، نمایش، قطعهٔ ادبی، شعر و مناجات، زیبایی و نظم دفتر کار، سبقت و پیش‌دستی در پذیرش فعالیت‌ها، موضع‌گیری و ابراز موضع مطلوب بعد از ذکر یک واقعۀ یا داستان.

### انواع ارزش‌یابی در تعلیم و تربیت دینی

#### الف) ارزش‌یابی مستمر

با توجه به نوع فعالیت‌های قابل سنجش و اندازه‌گیری که در قسمت قبل بیان شد، ارزش‌یابی متناسب با این درس، ارزش‌یابی مستمر است. خصلت عمدهٔ این ارزش‌یابی در پویایی و گستردگی آن است و از معلم انتظار اقداماتی فراتر از آزمون‌های مرسوم دارد تا تصویری کلی از تمامیت شخصیت دانش‌آموز ارائه دهد. از نتایج این نوع سنجش و ارزش‌یابی برای رشد و ارتقای دانش‌آموز استفاده می‌شود و مهم‌تر از همه این که از هر دانش‌آموز توقع رشد و بالندگی را در حد توان خود او دارد. این ارزش‌یابی به معلم اطلاعات مستند و معتبری می‌دهد تا



همهٔ درس‌ها ابزارهای زندگی‌اند و تعلیم و تربیت دینی خود زندگی است

بتواند براساس آن‌ها مرحلهٔ بعدی تدریس خود را طراحی کند. این نوع سنجش، برای هر دانش‌آموز، قابلیت رشد و پیشرفت قائل است و برای آموزش هر دانش‌آموز برنامهٔ خاصی را طراحی می‌کند. در این رویکرد، فرایند ارزش‌یابی با فرایند آموزش در هم تنیده، جاری و مستمر است. از نتایج به دست آمده، برای مقایسه یا نمره دادن به دانش‌آموزان استفاده نمی‌شود، بلکه تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را می‌پذیرد و به قابلیت رشد هر یک اعتقاد دارد. در فرایند این روش از ارزش‌یابی، دانش‌آموزان نقش اساسی دارند، چون در مرکز یادگیری قرار دارند و نقش اصلی را در پرورش یا اصلاح هر آموخته ایفا می‌کنند. هر چه دانش‌آموزان بیشتر در فرایند آموزش سهیم شوند، بهتر و بیشتر می‌توانند آموخته‌های خود را در ابعاد مختلف گسترش دهند یا بهبود بخشند. به عبارت دیگر، شیوهٔ آموختن را بهتر یاد می‌گیرند.

این نوع ارزش‌یابی می‌تواند به شکل‌های گوناگونی انجام شود. دانش‌آموز براساس اطلاعاتی که از روش‌های متفاوت جمع‌آوری می‌شود، مانند مشاهدهٔ رفتار و عملکرد دانش‌آموز در هنگام فعالیت‌های کلاسی، یا ارائهٔ گزارش، یا پاسخ به پرسش‌های کتبی یا شفاهی، ارزش‌یابی می‌شود، اما همواره به خاطر داشته باشیم که آن چه هر ارزش‌یابی را مستمر، رشددهنده و پویا می‌کند، شیوهٔ استفاده از نتایج آن است. ارزش‌یابی مستمر ویژگی‌هایی دارد؛ از جمله:

۱. جزئی از فرایند آموزش است.
۲. به فعالیت‌هایی منجر می‌شود که طراحی مراحل بعدی آموزش را امکان‌پذیر می‌سازد.
۳. در تمام موضوعات درسی قابل اجراست.
۴. دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری خود سهیم می‌سازد و توان خودارزیابی را در آنان تقویت می‌کند.
۵. معلم را قادر می‌سازد به طور منظم دانش‌آموزان را در فعالیت‌های گوناگون زیر نظر بگیرد و عواملی را که مانع پیشرفت آنان است، شناسایی کند.
۶. معلم را در فرایند تجربه‌اندوزی قرار می‌دهد و به او کمک می‌کند تا علاقه‌های دانش‌آموزان را شناسایی کند.
۷. سطح فعالیت‌ها (سادگی یا دشواری آن‌ها) و مفاهیم را به درستی بسنجد.

۸. معلم را قادر می‌سازد تا از طریق ارزش‌یابی‌های متناوب و یادداشت‌هایی که برمی‌دارد، اطلاعات کافی برای ارزش‌یابی معتبر دانش‌آموز جمع‌آوری کند.

۹. دانش‌آموزان را در فعالیت‌های متفاوتی می‌سنجد که شرایط سنجش آن‌ها یکسان نیست. اما نباید تصور

شود این امر، اعتبار قضاوت را خدشه‌دار می‌کند. معلم باید با درجه‌بندی فعالیت‌ها، خودش قضاوت نهایی را انجام دهد و به تشخیص خود اعتماد کند.

با توجه به آن چه دربارهٔ ارزش‌یابی مستمر گفته شد، ارتقای آموزش از طریق این سنجش، به چند عامل اساسی وابسته است: ۱. دادن بازخورد مؤثر به دانش‌آموزان؛ ۲. درگیر کردن مؤثر دانش‌آموزان در فرایند یادگیری؛ ۳. استفاده از نتایج سنجش در طراحی تدریس؛ ۴. درک و توجه به تأثیر غیرقابل تردیدی که شیوهٔ سنجش و ارزش‌یابی بر ایجاد علاقه و اعتماد به نفس دانش‌آموزان دارد؛ ۵. توانا کردن دانش‌آموزان در ارزیابی خود و تصمیم‌گیری برای پیشرفت و ارتقا.

بنابراین، ارزش‌یابی مستمر بهترین روش ارزش‌یابی در این درس است که باید در دوره‌های تحصیلی پایین‌تر، به عنوان تنها نوع ارزش‌یابی به کار گرفته شود و در دوره‌های بالاتر در اولویت مطلق باشد و سهم اساسی نمره بداند تعلق گیرد.

#### ب) ارزش‌یابی پایانی

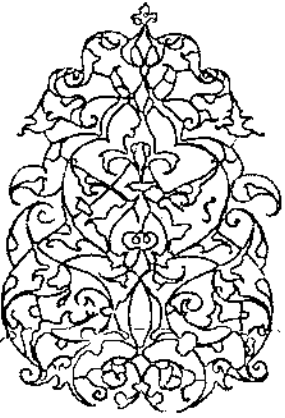
این ارزش‌یابی معمولاً به هدف نمره دادن، تصمیم برای ارتقا به کلاس بالاتر، رتبه‌بندی یا اعطای امتیازات معین انجام می‌گیرد. گاهی نیز ارزش‌یابی پایانی به معیاری برای ارزش‌یابی کار معلم تبدیل می‌شود. این امر باعث می‌شود معلمان عمدتاً به آزمون‌های پایانی بیش از حد توجه کنند و نسبت به نتایج آن حساس باشند و این حساسیت را به دانش‌آموزان نیز منتقل کنند. در نتیجه، مجموعه فعالیت‌های معلم و دانش‌آموزان تحت تأثیر این آزمون قرار می‌گیرد و نقش ارزش‌یابی مستمر بسیار کم‌رنگ می‌شود. این امر موجب می‌شود تا معلمان به جای آن که آن چه را آموزش می‌دهند، ارزش‌یابی کنند، آن چیزی را که قرار است ارزش‌یابی کنند، آموزش دهند؛ یعنی آموزش در خدمت ارزش‌یابی قرار می‌گیرد.

تفاوت دیگری که این ارزش‌یابی با ارزش‌یابی مستمر دارد، محدودیت آن است که نمی‌تواند انواع فعالیت‌های آموزشی را تحت پوشش قرار دهد؛ لذا فرصت توسعهٔ مهارت‌های یادگیری در قلمروهای آموزشی را از دانش‌آموز سلب می‌کند. هم‌اکنون، ارزش‌یابی پایانی معمولاً به شکل آزمون کتبی انجام می‌گیرد و بیشتر بر اهداف شناختی، آن هم سطوح اولیهٔ شناخت، متمرکز می‌شود. حتی اگر طراح سؤال‌های پایانی بتواند سؤال‌هایی طراحی کند که سطوح برتر مهارت‌های شناختی، مانند توانایی استدلال، مقایسه،

تطبیق و قضاوت را دربرگیرد، به علت محدود بودن این گونه سؤال‌ها، به تدریج موقعیتی پیش می‌آید که دانش‌آموزان پاسخ‌ها را حفظ می‌کنند و کارایی این گونه سؤال‌ها را از بین می‌برند. علاوه بر این، از آن جا که دانش‌آموزان فعالیت‌های یادگیری خود را با نوع آزمون هماهنگ می‌کنند، وقتی این گونه ارزش‌یابی‌ها اهمیت بیشتر پیدا می‌کند، آنان می‌کوشند فعالیت‌های داخل کلاس را به سمت آمادگی برای آن آزمون سوق دهند و حتی اگر معلمی بخواهد فعالیت‌های دیگری را در دستور کار قرار دهد، آنان با نشان دادن عدم علاقهٔ خود، مانع از اجرای آن فعالیت‌ها می‌شوند و عملاً معلم را به سمت تدریسی می‌کشانند که با آزمون پایانی تناسب دارد؛ لذا، چون هدف اصلی تعلیم و تربیت دینی، تقویت ایمان و انگیزه برای عمل است، توجه بیش از اندازه به آزمون پایانی بسیار زیان‌آور است و مانع توجه دانش‌آموزان به فعالیت‌های مستمر می‌شود که تقویت ایمان و تعمیق شناخت عقلی را به دنبال دارند.

آفت بزرگ دیگری که از توجه بیش از اندازه به آزمون پایانی، گریبان‌گیر تعلیم و تربیت دینی می‌شود، تغییر مکان «وسیله» یا «هدف» است. این اتفاق از آن جا سرچشمه می‌گیرد که دانش‌آموزان ارزش‌یابی پایانی را وسیله‌ای برای ارتقای تحصیلی، بالا رفتن معدل و نظایر آن تلقی می‌کنند؛ لذا به طور ناخودآگاه، به این دلیل درس دینی را می‌خوانند و محتوای کتاب را حفظ می‌کنند که بتوانند آزمون را با موفقیت طی کنند و نمرهٔ مناسبی برای ارتقای تحصیلی به دست آورند. ممکن است خود دانش‌آموزان به این امر واقف نباشند و در پاسخ این سؤال که «چرا در آزمون شرکت می‌کنید»، بگویند می‌خواهیم میزان یادگیری خود را تعیین کنیم، اما شیوهٔ درس خواندن آنان، توجه به جملات خاصی از کتاب و مرور چند بارهٔ متن و حفظ کردن عبارات گواه آن است که آن‌ها خود را در خدمت آزمون قرار می‌دهند نه آزمون را در خدمت خود.

آسیب عمیق و جبران‌ناپذیر این فرایند در تعلیم و تربیت دینی این است که به میزانی که انگیزهٔ کسب نمرهٔ پایانی قوی‌تر شود، رابطهٔ واقعی با محتوای درسی کاهش می‌یابد و به رابطهٔ خشک و سرد تبدیل می‌شود، میل و رغبت به تأثیرات قلبی و رفتاری درس به حداقل خود می‌رسد. این آسیب در ارزش‌یابی مستمر کمتر ظهور می‌کند؛ زیرا ارزش‌یابی مستمر در خدمت ارتقای یادگیری است و در همهٔ مهارت‌های آموزشی کاربرد دارد، نه صرفاً در مهارت حفظ اطلاعات و آموخته‌ها.



میزانی که انگیزهٔ کسب نمرهٔ پایانی قوی‌تر شود، رابطهٔ واقعی با محتوای درسی کاهش می‌یابد و به رابطهٔ خشک و سرد تبدیل می‌شود، میل و رغبت به تأثیرات قلبی و رفتاری درس به حداقل خود می‌رسد

هنر تلفیق مفاهیم آموزشی و متون دینی

تربت حیدریه

# برویم با هم زیاده‌تر



۹۰

یکی از اهداف مهم و اساسی نظام آموزش و پرورش، تلاش برای رساندن دانش‌آموزان به رشد همه‌جانبه علمی و تربیتی است. در این راستا، با توجه به تنوع مطالب و کاربردی بودن محتوای درس حرفه‌وفن در زندگی فراگیرندگان، می‌توان با تلفیق مفاهیم قرآنی و تربیتی در فرایند یاددهی - یادگیری این درس، بر اثربخشی، جذابیت و نقش مؤثر آن در تربیت دانش‌آموزان افزود.

\*\*\*

پلک‌هایم را روی هم گذاشتم و ذهن خود را پیرامون آموزش مؤثر درس حرفه‌وفن متمرکز کردم. به سؤالات زیادی ذهنم را پر کرده بود. در رویاهایم معلمی بودم که در بحبوحه فرایند یاددهی - یادگیری، معنویت را با مفاهیم درسی درمی‌آمیخت و طرحی نو پدید می‌آورد.

واما...

اینک چشم‌هایم را باز کردم و با توکل بر خلدوند بزرگ، به رویاهایم رنگ و بوی حقیقت بخشیدم.

در اولین جلسه سال تحصیلی، همراه خود یک جلد قرآن کریم به کلاس بردم. دانش‌آموزان در ابتدای امر گمان کردند من دبیر دینی، عربی

شماره ۱ مهر ۹۰  
دوره ۱۷

یا قرآن هستم، یا کلاس را اشتباه آمدم. اجازه دادم در همین حالت کنجکاو به سر برند. پس از حضور و غیاب وقتی خودم را معرفی کردم، بر تعجبشان افزوده شد. با خودم گفتم: نقطه شروع این جاست.

ابتدا به معرفی انتظارات و شرح اهداف کتاب پرداختم، تا به این نکته رسیدم: «درس حرفه‌وفن، عرصه‌ای برای تلاش، کار گروهی، همکاری، بروز خلاقیت و کوشش در جهت کشف استعدادهای علمی و عملی است.» در این لحظه قرآن کریم را باز و آیه ۳۹ سوره مبارکه نجم «لیس للانسان الا ما سعی» (برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست) را برای دانش‌آموزان قرائت کردم و کوشیدم بین هدف یاد شده و این آیه، ارتباط برقرار کنم.

لحظاتی بعد کلاس فضایی معنوی به خود گرفته بود و من امیدوار بودم با ایجاد این حالت دل‌نشین، دانش‌آموزان از همین ابتدای سال برای دستیابی به اهداف درس حرفه‌وفن عزم خود را جزم کنند.

چون آن جلسه عکس‌العمل مثبتی در دانش‌آموزان مشاهده کردم، انگیزه بیشتری یافتیم تا این کار را توسعه بخشیم و بین مفاهیم درسی حرفه‌وفن و آیات قرآنی، احادیث و روایات ائمه اطهار، پلی بسازم که این درس را در عین کاربردی بودن، به نوعی آسمانی و روحانی سازد. در نتیجه، مطالعه کتاب‌های متعدد را شروع کردم و با دقت در منابع غنی دینی، به ویژه قرآن کریم و کتاب‌های گوناگون اسلامی و تربیتی، مصداق‌های قرآنی و آیات و روایات مربوط به موضوعات مختلف را کتاب‌های حرفه‌وفن از واحد فناوری گرفته تا واحد کشاورزی، گردآوردم و به صورت متون آماده کردم.

روش کار من به این صورت بود که در حین فرایند یاددهی - یادگیری، به تناسب موضوع درس، به آیات قرآنی یا احادیث و روایات مرتبط با آن موضوع اشاره کنم. بیشتر اوقات، برای ایجاد فضای معنوی بهتر، مصحف شریف قرآن یا منابع مورد نظر را با خود به کلاس می‌بردم و اکثراً دانش‌آموزان آیه یا حدیث مورد نظر را قرائت می‌کردند.

برای مثال، در بخشی از کتاب سال اول، وقتی در واحد ۵، بحث در مورد ویژگی‌های فلز آهن و کاربرد آن در زندگی به میان آمد، موضوع را با قرائت آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید شروع کردم: «وَآتَيْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ». و آهن (و دیگر فلزات) را که در آن سختی و نیز منافع بسیار برای مردم است، آفریدیم.

به راستی فراگیرندگان از این که در قرآن نامی از این فلز آمده است و سورهای با این نام وجود دارد و پروردگار از منافع آهن برای انسان سخن گفته است، هیجان‌زده و متعجب شدند. یا وقتی در ابتدای درس زنبور عسل (واحد ۸، صفحه ۱۸۰، سال سوم) به فراگیرندگان گفتم، سورهای از قرآن به نام نحل (زنبور عسل) نام‌گذاری شده و آیات ۶۸ و ۶۹ که مربوط به این حشره پر تلاش است، توسط یکی از خودشان قرائت شد، شور و علاقه زیادی برای ادامه درس نشان دادند و با شگفتی از توجه ویژه پروردگار به این حشره با ارزش، از نحوه زندگی و دلایل اهمیت زنبور عسل سؤال کردند.

در واحد بهداشت سال سوم، صفحه ۵۶، درباره تغذیه کودک با شیر مادر، به آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره «وَالْوَالِدَاتُ



دفتر انتشارات کمک آموزشی

## با مجله‌های رشد آشنا شوید.

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

### مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

**رشد کودک** (برای دانش آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)

**رشد نوجوان** (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره دبستان)

**رشد دانش آموز** (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره دبستان)

**رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

**رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره متوسطه و پیش دانشگاهی)

### مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

• رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی

آموزش • رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

### مجله‌های بزرگسال و دانش آموزی تخصصی

(به صورت فصلنامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه) • رشد آموزش قرآن • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش هنر • رشد مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست شناسی • رشد آموزش زمین شناسی • رشد آموزش فنی و حرفه‌ای • رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

• تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

يُرِضَعْنَ اَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» «مولدراں ابايد آفرزندنان خود را دو سال تمام شیر دهند» اشاره کردم که جامع و کامل بودن قرآن کریم و این که حتی به این نکات کوچک هم توجه داشته است، برای دانش آموزان جالب بود.

در سال دوم (بخش صنایع غذایی، صفحه ۱۹۵)، موضوع درس درباره اهمیت شیر و ترکیبات آن بود که آن را با ماجرای ضربت خوردن امیر مؤمنان علی (ع) و توصیه طیب به استفاده از شیر به عنوان تنها راه درمان زخم آن حضرت، شروع کردم و این که کودکان یتیم کوفه با ظرف‌های پر از شیر، جلوی خانه حضرت صف کشیده بودند؛ چون شنیده بودند تنها شیر می‌تواند مرهمی بر زخم عمیق ایشان باشد.

با ایجاد فضای معنوی در کلاس، انامه دادم؛ در آن زمان، قوت غالب مردم شیر بود و به عنوان غذایی کامل و حتی شفابخش شناخته می‌شد؛ به طوری که خود حضرت علی (ع) درباره شیر احادیث فراوانی نقل فرموده‌اند؛ از جمله: «حَسُو اللَّبَنِ شِفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ اِلَّا الْمَوْتَ» نوشیدن شیر، شفایی برای هر درد است، مگر مرگ.

و پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «لَيْسَ يَجْزِي مَكَانَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ اِلَّا اللَّبَنِ» تنها شیر است که می‌تواند جای آب و غذا را بگیرد.

به این معنی که شیر غذایی کامل محسوب می‌شود. پس از بیان این احادیث، ترکیبات شیر را معرفی کردم. با ارائه این نکات و آشنایی دانش آموزان با اهمیت شیر، بسیاری از آنان عنوان می‌کردند تاکنون توجه زیادی به نوشیدن شیر نداشتند و حال، رغبت بیشتری به خوردن آن پیدا کرده‌اند. باید بگویم، شنیدن این نکات از زبان دانش آموزان، برای من بسیار دل‌گرم‌کننده و امیدبخش بود.

در مجموع می‌توان گفت، استفاده از کلام نورانی قرآن، احادیث و روایات در فرایند یادگیری - یادگیری، آن هم توسط دبیری که شاید دانش آموزان در این باره، از او انتظار کمتری دارند، برای خود آنان نیز جالب بود. به گونه‌ای که برخی عنوان می‌کردند، شنیدن این نکات از دبیر حرفه‌وفن برایشان تازگی دارد و این جانب به وضوح اشتیاق آنان را برای شنیدن این مفاهیم دینی مشاهده کردم و انگیزه‌ام برای تلاوم استفاده از نکات تربیتی افزون شد.

بنابراین، اگر می‌خواهیم به مفهوم واقعی تعلیم و تربیت یا همان آموزش و پرورش دست یابیم، نباید تنها بر مطالب علمی کتاب تکیه کنیم و از مفاهیم دینی و تربیتی مرتبط با آن غافل شویم. در واقع نباید فقط بر آموزش متکی باشیم و پرورش را رها کنیم و آن را وظیفه معدودی از دبیران خاص بدانیم، بلکه به فرموده قرآن کریم و امام راحل (ره)، باید همواره تزکیه بر تعلیم مقدم باشد.

### منبع

۱. مجلسی، علامه محمدباقر (۱۳۸۵)، حلیه‌المحققین، انتشارات پارس بهشت، تهران.
۲. حسینی، سیدعلی (۱۳۸۲)، طبیعت و کشاورزی از دیدگاه اسلام، انتشارات شقایق روستا، تهران.
۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۷)، دانش‌نامه احادیث پزشکی (جلد ۱)، انتشارات دارالحدیث، تهران.
۴. بهداشت عمومی (دوره کارکنان تربیت معلم)، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، تهران.

## کارخانگی کشتی سازی فراساحل ایران

نوشین جاودان



در چهارمین بازدید علمی برون استانی اعضای انجمن علمی معلمان حرفه‌وفن استان فارس که در تاریخ ۸۹/۱۱/۲۰ انجام شد، تعداد ۵۰ نفر از اعضای این انجمن، از کارخانه کشتی سازی و فراساحل ایران در بندرعباس (ISOICO) بازدید به عمل آوردند. این کارخانه یکی از قطب‌های مهم صنعتی ایران است و اهداف آن عبارت‌اند از: طراحی، ساخت و تعمیر انواع کشتی مهندسی، خرید، ساخت و نصب انواع سازه‌های دریایی و... در این سفر سه روزه، از مراکز صنایع دستی، گردشگری و تجاری قشم نیز بازدید به عمل آمد و در مجموع سفری پر بار در جهت ارتقای سطح علمی اعضای انجمن محبوب شد.

بازدیدهای علمی برون استانی سال‌های قبل، سفر به نیروگاه بوشهر، ذوب آهن اصفهان و مس سرچشمه کرمان بوده است. امید است انجمن‌های علمی معلمان حرفه‌وفن در سراسر کشور فعال شوند تا همکاران از کنار هم بودن و هم‌اندیشی، مسیر تکامل علمی و عملی را سریع‌تر طی کنند.



### جهاد اقتصادی

#### برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه همراه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست، از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگهدارید).

◆ نام مجلات در خواستی:

.....

◆ نام و نام خانوادگی:

.....

◆ تاریخ تولد: .....

◆ میزان تحصیلات:

.....

◆ تلفن: .....

.....

◆ نشانی کامل پستی:

.....

استان: .....

.....

شماره فیش: .....

.....

مبلغ پرداختی: .....

.....

پلاک: .....

.....

شماره پستی: .....

.....

◆ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۱۱ ۱۶۵۹۵

[www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

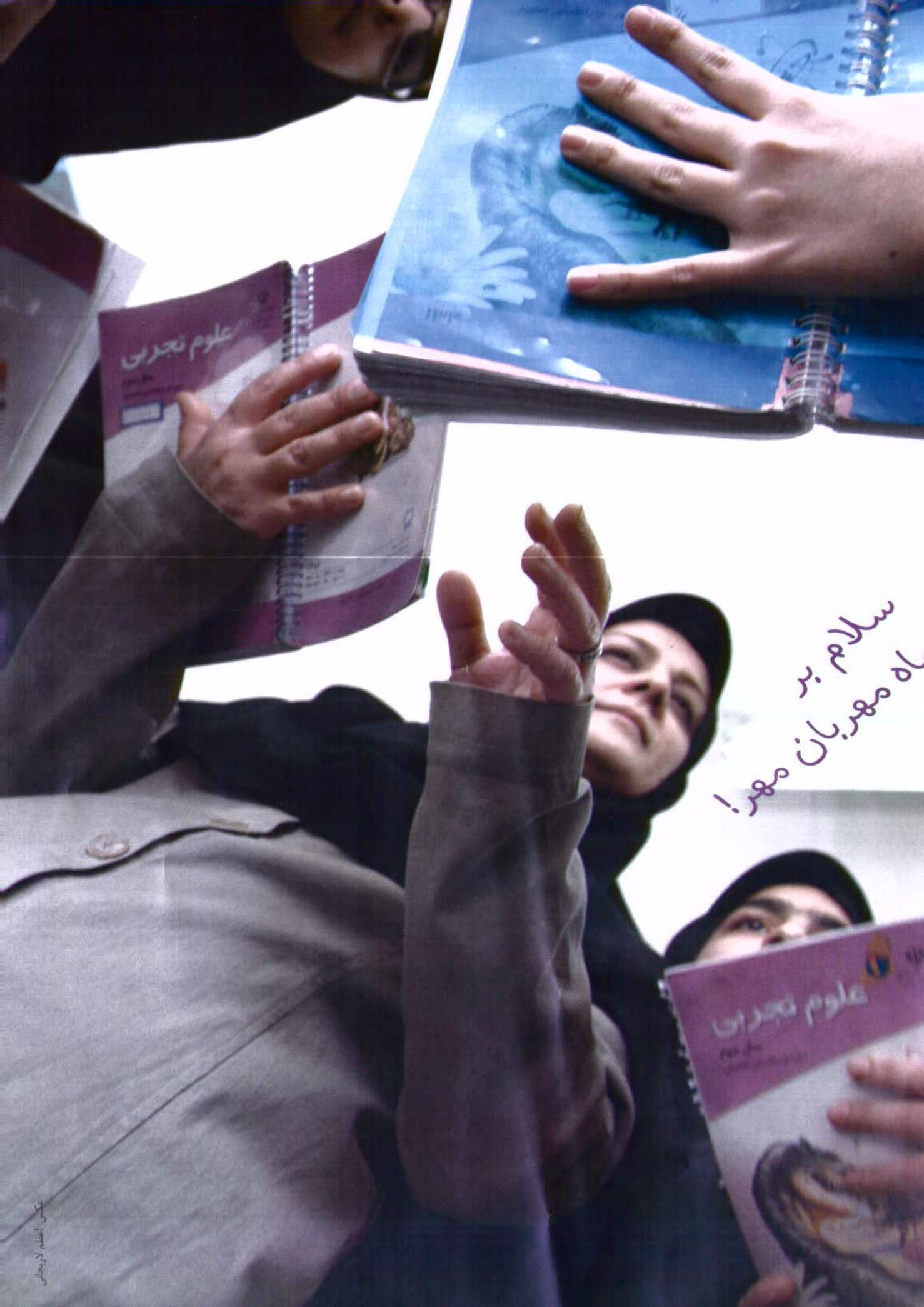
◆ وبگاه مجلات رشد:

◆ اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶، ۷۷۳۳۵۱۱۰، ۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۹۶۰۰۰ ریال

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۶۰۰۰۰ ریال





سلام به  
اه مهربان مهر!



مرکز برنامه ریزی و آموزش نیروی انسانی  
با همکاری دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
برگزار می کند:



مرکز برنامه ریزی و آموزش  
نیروی انسانی

# دوره های آموزشی کوتاه مدت تخصصی غیر حضوری

دکتر حاجی بابایی، وزیر آموزش و پرورش:  
اهداف مجلات رشد باید در خدمت رسانی و تربیت انسان و جامعه رشید باشد.



مجلات رشد  
در خدمت آموزش فرهنگیان

برای ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر به واحد آموزش نیروی انسانی

[www.tstc.medu.ir](http://www.tstc.medu.ir)

اداره آموزش و پرورش خود مراجعه کنید.

[www.rosdmag.ir](http://www.rosdmag.ir)